

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال سوم، شماره بیست و هفتم، مهر ۱۳۹۵

- ♦ مراسم آغاز سال تحصیلی جدید در پژوهشگاه
- ♦ برگزاری «چهارمین جشنواره بین‌المللی امام علی(ع) پژوهان»
- ♦ قدردانی از برگزارکنندگان چهارمین جشنواره امام علی(ع) پژوهان
- ♦ برگزاری جلسه مشترک «دبیرخانه جذب» پژوهشگاه با رئیس‌ان مؤسسه‌ها و پژوهشکده‌های وابسته
- ♦ دیدار دکتر قبادی با اعضای پژوهشکده غربشناسی و علم‌پژوهی
- ♦ اولین جلسه «دبیرخانه ارباب معرفت» در پژوهشگاه
- ♦ میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی از استادان علوم انسانی سوئیس
- ♦ شرکت اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در «همایش بین‌المللی شمس‌الحق تبریزی»
- ♦ میزگرد «گرامیداشت مولوی و بزرگداشت دکتر مهدیه الهی قمشه‌ای»
- ♦ برگزاری نخستین نشست «کتابخوان تخصصی زبان و ادبیات فارسی» در پژوهشگاه
- ♦ برگزاری نشست «گفتارهایی در باب دفاع مقدس»
- ♦ گزارشی از نشست علمی «تفسیر سیاسی قرآن کریم از دیدگاه امام خمینی(ره)»
- ♦ گزارشی از نشست تخصصی «آسیب‌شناسی متون درسی رشته زبان و ادبیات فارسی»
- ♦ نشست علمی پژوهشکده حکمت معاصر با جمعی از اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی آمریکا، اروپا و آسیا
- ♦ انعقاد تفاهم‌نامه «علمی - آموزشی» با دانشگاه دولتی روسی - ارمنی (اسلاونی)
- ♦ نشست تخصصی به مناسبت روز جهانی کودک با عنوان «نگاهی به نقدهای وارد بر برنامه فلسفه برای کودکان در ایران»
- ♦ سخنرانی دکتر فاطمه راکعی با عنوان «نگاهی به شعر و شخصیت دکتر طاهره صفارزاده»
- ♦ مراسم نکوداشت «هفته دفاع مقدس» و گرامیداشت زنده یاد حمید سبزواری شاعر دفاع مقدس
- ♦ گزارشی از نشست «تهج‌البلاغه در نگاه علامه جعفری (رویکرد فلسفه تطبیقی)»
- ♦ گزارش نشست «طرح‌واره‌ای برای تاریخ‌کاوی در سپهر قرآن»

مراسم آغاز سال تحصیلی جدید در پژوهشگاه

فرهنگ ایرانی را تا امروز رقم زد و این فردوسی بود که هویت یکپارچه به ملت ما بخشید. این مولوی بود که بر تارک فرهنگ، ادبیات و معرفت جهان درخشید و خواهد درخشید.

رئیس پژوهشگاه، با اشاره به فرمایش امام خمینی (ره) در صحیفه نور، تأکید کرد: در نظام مسائل جهان بینی اسلامی، علوم انسانی، امور تربیتی در رأس مسائل اسلام است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) هم می فرمایند: علوم انسانی برای جامعه جهت دهنده و فکرساز است و حرکت، مسیر و مقصد جامعه را مشخص می کند. بنابراین دانشجویان علوم انسانی که قرار است اجزای سرنوشت ساز و عناصر تعیین سرنوشت جامعه قرار گیرند، باید با احترام ویژه ای از سوی مسئولان پژوهشگاه روبرو باشند. اگرچه این سخن نافی وظایف و تکالیف متقابل دانشجو-پژوهشگاه، استاد- دانشجو و دانشجو و نظام اداری پژوهشگاه نخواهد بود. بنده خودم را موظف می دانم دست کم در هر فصل دو ساعت در ساختمان کریم خان به صورت اختصاصی در خدمت دانشجویان عزیز باشم. تمام معاونان محترم پژوهشگاه نیز باید به این نکته مهم توجه کنند و وقت کافی به دانشجویان اختصاص بدهند.

دکتر قبادی افزود: ما دانشجویان رشته های علوم انسانی را نمادهای فرهیختگی و فرهنگ متعالی اسلامی-ایرانی می شناسیم، لذا باید به همین اندازه برای آنها احترام قائل شویم و یکی از نشانه های احترام به این عزیزان اختصاص وقت و حضور در جمع آنها و گفت و گو و تعامل صمیمی با آنهاست. پژوهشگاه باید خانه امن و آسایش دانشجویان باشد و دست کم دانشجویان باید احساس کنند پژوهشگاه خانه دوم آنهاست.

دکتر قبادی در ادامه صحبت های خود گفت: از استادان با فضیلت و دانشمند پژوهشگاه تقاضا دارم که دانشجویان را مسئله شناس پرورش دهند و پایان نامه های تکراری با هم پوشانی زیاد و دور از مرزهای دانش به دانشجویان پیشنهاد نکنند و البته قطعاً چنین نیست و برای بهتر و روزآمدتر شدن رساله ها لازم است که برنامه توسعه پژوهشگاه را سرلوحه کار خودمان قرار دهیم. خواهش من از استادان این است که دانشجویان پژوهشگاه را یک سروگردن بالاتر و دانشمندتر از سایر دانشگاه های معمولی پرورش دهند چرا که اگر قرار بود پژوهشگاه هم مثل دانشگاه های معمولی باشد، برای چه ما دانشجو می گیریم؟ دانشجویان پژوهشگاه باید در مراحل بالاتر مورد توجه سایر مراکز قرار گیرند. یکی از راهکارهای نیل به این هدف نیز این است که استادان بزرگوار باید آموزش را با پژوهش پیوند بزنند. باید دانشجو را «پرسشگر» پرورش دهیم. متأسفانه هنوز هم شکاف زیادی بین بخش پژوهش و آموزش وجود دارد که باید ترمیم شود. پایان نامه ها باید

مراسم آغاز سال تحصیلی جدید روز دوشنبه ۵ مهرماه به همت مدیریت تحصیلات تکمیلی، با حضور رئیس پژوهشگاه، معاونان، مدیران، اعضای هیأت علمی و جمعی از دانشجویان جدیدالورود برگزار شد.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ابتدای این مراسم، ضمن تبریک آغاز سال تحصیلی جدید و گرامیداشت هفته دفاع مقدس گفت: دفاع مقدس بخشی از تاریخ ایران است، اما آنچه بیشتر در خور بازکاوی است این است که ایران کشوری است با تاریخ و تمدن دیرینه و لایه های پنهانی که می تواند به بازآفرینی قدرت خویش بپردازد. کشورهای متمدن این ویژگی را دارند که به رغم هجوم ددمنشان و دشمنان می توانند خود را بازیابی کنند و خوشبختانه کشور ما این سرمایه عظیم میراثی و تمدنی را داراست. قطعاً دفاع مقدس می تواند برای محققان و اندیشمندان فرصت بیافریند، چرا که این ملت تقریباً با دست خالی توانست مقابل اتحاد بیشتر کشورهای جهان و پشتیبانی آنها از یک رژیم متجاوز به سرکردگی یکی از خشن ترین دیکتاتورهای جهان مقاومت کند و سرافراز بیرون بیاید. لذا بسیار شایسته است درود بفرستیم به پاکبازانی که این افتخار را آفریدند و شهیدان سرافراز دفاع مقدس و جانبازان عزیزی که از جان خود گذشتند.



دکتر قبادی در ادامه خطاب به دانشجویان جدیدالورود پژوهشگاه گفت: به دانشجویان جدید که به حریم یکی از درخشان ترین نمادهای تمدنی ایران معاصر یعنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی قدم گذاشته اند خیرمقدم عرض می کنم. علاقه مندم به اجمال به وجه تمایز محیط های دانشی علوم انسانی با سایر محیط های دانشگاهی اشاره کنم. بی شک همه محیط های دانشگاهی و پژوهشی محترم هستند. اما از آنجا که علوم انسانی وظیفه ویژه ای نسبت به سرنوشت کشور دارد باید بیشتر محترم شمرده شود، چرا که در نهایت علوم انسانی سرنوشت ملت ها را رقم می زند. این سعدی بود که سرنوشت زبان فارسی، ادب و



از دل پژوهش‌های جاری پژوهشگاه و نظام پژوهشی استادان که به برنامه توسعه گره می‌خورد، استخراج شود. متقابلاً دانشجویان هم باید تشنگی خود را [به کسب علم] نشان دهند تا جامعه ضرر نکند.

تا نگرید کودک حلوا فروش
دیگ بخشایش نمی‌آید به جوش

دکتر قبادی در ادامه سخنانش دربارهٔ پایان‌نامه‌ها گفت: دانشجویان باید در پایان‌نامه‌های خود جهت‌گیری کاربردی را هم لحاظ کنند تا قبل از انتخاب رسالهٔ خود مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات را تجربه کنند. عنوان پایان‌نامه‌ها هم باید با مرزهای دانش جهانی منطبق باشد. ما نباید دچار تأخر علمی شویم بلکه باید پیش‌تاز عرصه علم باشیم. برای تحقق این امر کتابخانه نیز باید از مفهوم سنتی خود خارج شود تا با فناوری اطلاعات، علوم جدید را در اختیار دانشجویان قرار دهیم. همچنین تقاضا می‌کنم استادان بزرگوار برای برقراری ارتباط با «طرح اعتلای علوم انسانی» از ظرفیت‌های دانشجویی نهایت استفاده را ببرند که تشویق‌هایی نیز برای کاربردی شدن طرح‌ها در نظر خواهیم گرفت.

دکتر قبادی در خاتمهٔ سخنان خود خبر داد: به لطف الهی پژوهشگاه موفق شده است پس از برگزاری جلسات متعدد کارشناسی و بررسی‌های صورت گرفته در سازمان برنامه و بودجه، طرح‌نامه‌ای با عنوان نهایی «طرح تدوین سند راهبردی توسعه اجتماعی - فرهنگی منطقه مکران؛ با رویکرد توانمندسازی اجتماع محور» را تدوین و برای انعقاد قرارداد به سازمان برنامه ارسال نماید که خوشبختانه تصویب و در مرحلهٔ اجرا قرار دارد و دانشجویان علاقه‌مند می‌توانند در این طرح شرکت کنند. دیگر طرح پیشنهادی پژوهشگاه به سازمان برنامه طرح «بومی‌سازی امنیت در ایران» با نگاه مغزافزاری و نرم افزاری است که فرآیند بررسی و تصویب آن در حال انجام است.



در ادامهٔ این مراسم دکتر مجتهدی، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی فلسفه غرب، ضمن خیر مقدم به دانشجویان گفت: امکانی که به شما داده شده تا به عنوان یک دانشجو باشید، یک امتیاز است؛ افراد زیادی با استعدادتر از من و شما هستند که قصد تحصیل دارند اما ممکن است به دلایلی از تحصیل محروم مانده باشند به همین دلیل اگر این امتیاز به شما داده شده آن را به

جد بگیرید و در حد آن عمل کنید. دانشجو بودن و دانشجو شدن کار آسانی نیست. آموختن را هدف خود قرار دهید و این هدف را از درون خود بیابید، نه اینکه صرفاً به منظور پیدا کردن کار در جامعه چیزی را بیاموزید. اگر چه شاید به نحوی همهٔ ما به دنبال چنین هدفی بوده‌ایم، ولی در عین حال با توجه به اهداف مادی و اجتماعی، دانشجو بودن و آموختن را حق خود بدانید. تنها حق همهٔ ما انسانها بعد از زندگی کردن، حق آموختن است. چرا که حق آموختن وظیفه‌ای است که نسبت به خود داریم.

دکتر مجتهدی در انتهای صحبت‌های خود اظهار داشت: اگر چه من رشته‌ام فلسفهٔ غرب است اما غرب‌زده نیستم، ممکن است ایران‌زده باشم. خواهشی که دارم این است که ایرانی بودن خود را فراموش نکنیم و بدانیم یکی از عوامل هویت ما زبان فارسی



است. شاید در کشور ما زبان‌ها و لهجه‌های متعددی وجود داشته باشد، اما زبان فارسی ما سنت و پشتوانه‌ای عظیم دارد و این زبان را با سهل‌انگاری و آنچه که بیماری روز شده فلج نکنیم و سعی کنیم لغات خارجی را بی‌وجه بکار نبریم.

در بخش دیگری از این مراسم دکتر اشرف بروجردی، معاون فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه، با طرح نکاتی در حوزهٔ فرهنگ گفت: فرهنگ عاملی است که همهٔ رفتار و ارتباطات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وی در ادامه با اشاره به اهمیت موضوع فرهنگ و دانش، به کلام علی‌ابن ابی‌طالب (ع) خطاب به کمیل‌بن زیاد استناد کرد و گفت: مردم سه دسته‌اند، دسته اول اندیشمند و دانشمندی که به حقیقت رسیده و حقیقت در اختیار اوست و به تعبیر من، خود نمادی از حقیقت است. دسته دوم کسانی هستند که به دنبال دانش برای نجات هستند و به نوعی متعلم هستند و بر این اساس ما باید در همهٔ مراحل زندگی خود به دنبال کسب علم و دانش باشیم، چرا که حوزهٔ علم و دانش دریای بی‌کرانی است که عمر ما برای کسب همهٔ جنبه‌های آن کفاف نمی‌دهد ولی در حد ظرفیت وجودی خودمان باید به دنبال کسب علم و دانش و معرفت باشیم. دسته سوم کسانی هستند که خوشه چین معرفت و علم نیستند، بلکه کسانی هستند که هرگز پایگاه محکم و مستحکمی برای چنگ زدن به علم و دانش پیدا نمی‌کنند.

دکتر بروجردی در پایان صحبت‌های خود به ظرفیت و امکانات پژوهشگاه و معاونت فرهنگی اشاره کرد و خطاب به دانشجویان گفت: شورای صنفی دانشجویی تقریباً دو سال است شکل

اساتید، ارتباط مناسبی داشته باشد و دانشجویان برنامه پژوهشی پژوهشگاه را دنبال کنند.

در پایان، دکتر حسنی فر با اشاره به طراحی الزامات پژوهش در کنار آموزش در پژوهشگاه افزود: تصویب آیین نامه پژوهش ورزی که سازوکار اداری و اجرایی آن در تحصیلات تکمیلی انجام می شود در جهت تحقق اهداف برنامه های پژوهشی است و البته بخش عمده آن بر عهده اساتید و پژوهشکده ها می باشد، از این جهت که اساتید و رؤسای پژوهشکده ها باید در کیفی سازی و پیشبرد پژوهش ورزی همکاری داشته و در نهایت برای هماهنگی موضوعات پژوهشی پژوهشگاه با کارهای پژوهشی دانشجویان برنامه ریزی مناسبی داشته باشند.



گرفته و در ماه های آتی انتخابات جدیدی پیش رو دارد و دانشجویان می توانند با حضور فعال خود در این شورا می توانند مطالبات و خواسته های خود را دنبال کنند. همچنین در نشریه دانشجویی (بیان) که به کمک معاونت فرهنگی و اجتماعی و توسط دانشجویان به چاپ می رسد و هیأت تحریریه آن متشکل از خود دانشجویان است، می توانند اندیشه ها، دست نوشته ها و خاطرات خود را در این نشریه بنگارند. نکته مهم دیگری که در کار دانشجویی نیز اثر گذار است، کار جمعی، تیمی و سازمان یافته است که این کار می تواند در قالب انجمن و تشکلات شکل گیرد. انجمن دانشجویی و بسیج از جمله این تشکلات است که از سال های قبل وجود داشته و دانشجویان می توانند با عضویت در این انجمن ها به باروری اندیشه خود کمک و حتی از اندیشه های خود، دیگران را منتفع و بهره مند سازند.

دکتر بروجردی با اشاره به برنامه آتی این معاونت در مراسم روز دانشجوی، گفت: معاونت فرهنگی و اجتماعی در نظر دارد طرحی با عنوان «اشتراک گذاری یک کتاب» را به منظور ترویج فرهنگ کتاب و کتاب خوانی اجرا کند.

در ادامه دکتر حسنی فر، مدیر تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، ضمن تبریک سال نو و گرامیداشت هفته دفاع مقدس، از دکتر کریم مجتهدی و مسئولین پژوهشگاه به ویژه رئیس پژوهشگاه، معاونت پژوهشی، معاونت فرهنگی و اجتماعی و همچنین معاونت اداری و مالی تشکر کرد.

مدیر تحصیلات تکمیلی در ابتدای سخنان خود گفت: تحصیلات تکمیلی درخت تنومندی است که جایگاه خود را به عنوان یک دانشگاه در این پژوهشگاه پیدا کرده است. به همین دلیل برای اینکه بتواند به اهداف پژوهشگاه علوم انسانی تحقق بخشد، آن را به عنوان دانشگاه پژوهشگاه می دانم، نه صرفاً تحصیلات تکمیلی.

دکتر حسنی فر با ارائه آماری از تعداد دانشجویان پژوهشگاه گفت: تحصیلات تکمیلی کلیه امور مربوط به آموزش، پژوهش و خدمات دانشجویی را انجام می دهد و همچنین کلیه مکاتبات رسمی در هر مرحله برای دانشجویان از این طریق انجام می شود.

مدیر تحصیلات تکمیلی با اشاره به نقش مهم این مدیریت گفت: تحصیلات تکمیلی مجری مقررات، ضوابط و کلیه آیین نامه های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین شوارهای تصمیم گیر در داخل پژوهشگاه است که با دانشجویان، اساتید و معاونین پژوهشگاه ارتباط مستقیمی دارد. تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی به خاطر متفاوت بودن ساختارش، با دانشگاه تفاوت هایی دارد که این تفاوت در همه فرایندها مشخص است و گاهی تا حدی تسهیل کننده و تا حدی نیز مانع است. از مهمترین این تفاوت ها که می توان به دو مورد اشاره کرد: اول، توان پژوهشی دانشجویان در پژوهشگاه (که قرار است نسبت به دانشگاه های دیگر بیشتر باشد)؛ دوم، ارتباط پژوهشی پژوهش های دانشجویان با موضوعات پژوهشی اعضای هیأت علمی؛ یعنی پژوهش های دانشجویان باید با برنامه پژوهش های



برگزاری «چهارمین جشنواره بین‌المللی امام علی(ع) پژوهان»



همزمان با گرامیداشت عید سعید غدیر خم، مرکز تحقیقات امام علی(ع) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، «چهارمین جشنواره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهان» را با حضور محققان و دانشمندان داخلی و خارجی برگزار کرد.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در آغاز این جشنواره، سخنان خود را اینگونه آغاز کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نَعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي
يَقْفُوهَا قَوْلِي

در زمان انداخت شمشیر آن علی *** کرد او اندر غزاش
کاهلی
گشت حیران آن مبارز زین عمل *** وز نمودن عفو و رحمت
بی محل

گفت بر من تیغ تیز افراشتی *** از چه افکندی مرا
بگذاشتی
آن چه دیدی بهتر از پیکار من *** تا شدی تو سست
در اشکار من
آن چه دیدی که چنین خشم نشست *** تا چنان برقی
نمود و بازجست

در شجاعت شیر ربانستی *** در مروت خود که داند کیستی
ای علی که جمله عقل و دیده‌ای *** شمه‌ای واگو از
آنچه دیده‌ای
تیغ حلمت جان ما را چاک کرد *** آب علمت خاک
ما را پاک کرد

ضمن عرض سلام و خیرمقدم به شما دانشمندان، محققان، دانشجویان و اساتید ارجمند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بسیار مفتخر است که خداوند بزرگ این توفیق بزرگ را نصیب پژوهشگاه کرده که بتواند خدمتگزار و خادم امام علی(ع) پژوهان باشد. انشاءالله به برکت امام علی(ع) و به همت مجاهدت‌های علمی شما بزرگواران، برگزاری این نشست‌ها اولاً به معرفت ما نسبت به آن امام بزرگوار بیفزاید، ثانیاً ما را هم اندکی، ولو بسیار قلیل شبیه آن امام بزرگوار کند و در عمل بتوانیم به صدق و صفا و عدالت‌گستری آن بزرگوار توجه داشته باشیم.

در ابتدا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم و از جناب آقای دکتر جنیدی خواهش می‌کنم که برای سال‌های آتی این مسئله را در شورای مرکز بررسی و پیشنهاد عالمانه‌ای تهیه کنند تا در هیأت رئیسه نیز مطرح شود تا بتوان به عنوان یکی از زمینه‌ها و خط‌مشی سال‌های آینده این جشنواره در دستور کار مرکز قرار گیرد و آن اینکه امام علی(ع) صدای انسانی و بشری است و حقیقت این است که ایشان به دلیل اینکه از معنویت و ذخایر سرشار است، متعلق به تمام بشریت‌اند و همه چه شیعه، چه سنی، چه مسلمان و چه غیرمسلمان می‌توانند از وجود ایشان بهره‌مند شوند مقالات ارائه شده محققان کشورهای مختلف همچون اسلوونی، آذربایجان و... در این جشنواره نیز مؤید این مطلب است. بر همین اساس می‌توان در رویکردهای تحقیق به کردار، رفتار، اندیشه و گفتار آن حضرت از نگاه intertextuality استفاده کرد یعنی به امام علی(ع) با بهره‌گیری از مطالعات بینامتنی و بینادهنی نگاه کرد. از آنجایی که امام علی(ع) به عنوان پدیده‌ای در بینادهنیت بشر و حتی کسانی که ممکن است با شیعه مخالف باشند تفاوت و تقارن‌هایی با آن داشته باشند یکی از نفوذ معرفتی و حتی فرامعرفتی به معنای زیبایی‌شناسی است و این جایگاه را دارد که ما جلوه‌های معرفتی و زیبایی‌شناسی امام علی(ع) را فراتر از اسلام مطالعه کنیم.

در واقع امام علی(ع) یک الگوی کهن و یک انسان مثالی ایده‌آل برای ادبیات جهان است. ما اگر بتوانیم اندکی از توان و ظرفیت‌های مرکز تحقیقات امام علی(ع) استفاده کنیم، می‌توانیم ظرفیت زیبایی‌شناسی در اسطوره‌ها و شعرهای مدرن را حل کنیم. حلقه‌ای که امروزه مرکز تحقیقات امام علی(ع) ایجاد کرده و همه افراد با تتبع ارادت خود را به این مرکز نشان می‌دهند به ما این درس را می‌دهد که بسیاری از ظرفیت‌های مطالعاتی امام علی(ع) را هنوز نشناخته‌ایم و این می‌تواند یک مسئله پژوهشی و دست کم زمینه‌ای پژوهشی برای ما باشد.

رسالت، نقش و هدف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی این است که حلقه واسط قرار گیرد و امام علی(ع) پژوهان در داخل و خارج مراکز دیگر را شناسایی کند و آنها را به هم متصل کند. یعنی باید ظرفیت‌های دانشگاهی را در نقاط مختلف جهان شناسایی کنیم و آنها را با اندیشه و افکار امام علی(ع) آشنا کنیم، این کار پژوهشگاه به عنوان یک مرکز آکادمیک بزرگ است.

بسیار دشوار است که من در محضر محققان، دانشمندان و بزرگان، از امام علی(ع) و کتاب گرانقدر نهج البلاغه سخن بگویم اما بر من پیششاید که از سر ارادت به نهج البلاغه چند کلمه‌ای را استرشادا محضر شما عرض می‌کنم و امیدوارم از راهنمایی شما بزرگواران بهره‌مند شوم.

با مرور اجمالی بر محتوای نهج البلاغه موضوعی با عنوان «تقدم رویکرد فرهنگی در فرآیند توسعه با نگاهی به نهج البلاغه و سلوک امام علی(ع)» به ذهنم رسید که در اینجا خدمت شما مطرح می‌کنم.

منظور از رویکرد فرهنگی، این است که ما با نگاه نرم افزارانه و مغزافزارانه به امور توسعه و پیشرفت کشور و سیاستگذاری‌های مان نگاه کنیم، چرا که نهج البلاغه کتابی برای یک زمان و دوره خاص و محدود به روزگار حکومت امام علی(ع) نبود بلکه کتابی سیال، زنده و بالنده برای همه عصرها و نسل‌ها است. من با این نگاه به نهج البلاغه توجه کردم.

با مشورتی که با استاد محمدرضا حکیمی داشتم امام علی(ع)، دست کم در ۵ سال حکومت در شهر کوفه توانست یک جامعه مثالی به عنوان تعیین عدالت‌گستری و اجرای حکومت عادلانه را تحقق بخشد. شاید در حوالی کوفه و دیگر شهرها نیازمند مطالعات بیشتری باشد اما می‌توان این ۵ سال را به عنوان یک تجربه زیسته عدالت‌مدارانه توسعه‌گرا در کوفه مطالعه کرد.

در اینجا نشانه‌ها و مؤلفه‌های رویکرد اخلاقی امام علی(ع) را به اجمال بر می‌شمارم:

۱- باور به نقش علم و فرهنگ؛ یعنی تا زمانی که خودمان به علم و فرهنگ باور نداشته باشیم، نمی‌توانیم عمل کنیم. امام علی(ع) در خطبه ۳۱ خطاب به امام حسن(ع) می‌فرماید: من آنچنان در تاریخ گذشتگان مطالعه کرده‌ام که گویی با آنها زیسته‌ام. عنایت داشته باشید کسی که معصوم است و علم اولی و آخری را از پیامبر گرامی(ص) به ارث برده، چنین می‌گوید طوری در گذشتگان مطالعه کردم که گویی با آنها زیسته‌ام. حداقل از یک دیدگاه می‌توان چنین برداشت کرد که امام علی(ع) صرف نظر از مقام وحی و عظیم معنوی که دارند، می‌خواهد به ما درس دهد که علم و تاریخ را باور و سنت‌های جوامع را مطالعه کنیم.

۲- باور به ترجیح صلح و مسالمت‌نگری و حکومت عقلانی، که اوج آن را به عنوان نمونه در فرمان آن حضرت به مالک اشتر می‌بینیم.

۳- سلوک امام(ع)؛ در جایی که لازم دانسته‌اند، در اصالت به گذشت و عفو و اغماض و تساهل است. همانگونه که در برخورد با عمر بن عبدود می‌بینیم که ایشان هیچ نفع و انگیزه شخصی در سلوکش ندارد. هر کجا که ممکن است اقدامی به منافع شخصی‌اش مربوط باشد، چشم پوشی می‌کند در ماجرای برخورد با عمر بن عبدود و آن هم در اوج جایی که هر انسانی در اوج خشم قرار می‌گیرد، ایشان چشم پوشی می‌کنند.

۴- باور به حقوق انسان به عنوان یک شهروند؛ که در جای جای نهج البلاغه به آن اشاره شده است و شواهد زیادی در این زمینه

وجود دارد از جمله: برخورد امام با اقلیت‌ها، اندوه از کشته شدن خلخال پای دختر یهودی، و اینکه امام در جریان جنگ صفین و در رویارویی با مکارترین فرد تاریخ در حالی که می‌توانست آب را ببندد اما چنین نکرد و این یعنی تقدم فضایل اخلاقی و حقوق انسانی.

۵- مؤلفه دیگر تقدم فرهنگ بر سیاست است؛ یعنی از دیدگاه امام علی(ع) ما باید سیاست را در سایه‌ای از فرهنگ، اخلاق و معنویت پیش ببریم و نه اینکه برعکس عمل کنیم و همه رفتارهای ما سیاسی باشد و اگر فرصت کردیم به سراغ فرهنگ برویم. امام(ع) صراحتاً می‌گوید: من بسیار زیرک‌تر از معاویه بودم ولی می‌خواهم اخلاقی، الهی، معنوی و انسانی برخورد کنم و گر نه می‌توانستم خیلی ماهرانه‌تر از معاویه هم برخورد کنم، اما این مشی و منش من نیست.

۶- از بین بردن زمینه‌های بوجود آمدن رانت‌خواری و سواستفاده در حکومت؛ چرا که از دیدگاه امام علی(ع) تقدم با نگاه فرهنگی، مشی علمی و معنوی الهی است. در خصوص این موضوع می‌توان در جای جای نهج البلاغه همچون برخورد با اسما بن حنین، عبدالملک بن عباس و حتی در برخورد با برادرش عقیل، در نامه‌ای که به محمد بن ابی‌بکر و در نامه‌ای که به فرماندار بصره می‌نویسد و در صفحات گوناگون نهج البلاغه مشاهده کرد.

۷- مؤلفه دیگر صبر، حلم، شکیبایی و گذشت در برابر اشتباهات افراد گوناگون و صنوف مختلف مردم است، به عنوان نمونه یک نفر در هنگام سخنرانی امام علی(ع) سؤال نامرتبیطی می‌پرسد و امام فقط سکوت می‌کند و تنها سخنرانی‌اش را قطع می‌کند. این مؤلفه‌ها را می‌توان درس‌هایی دانست که در مبحث تقدم مؤلفه فرهنگی قرار می‌گیرند.

۸- از دیگر مؤلفه‌های اخلاقی امام علی(ع) ترجیح مصلحت اجتماع بر منافع فردی و داشتن حسن اعتماد و گاه سکوت طولانی و حتی همراهی با کسانی است که ممکن است در برخی مسائل نظرات آنها را قبول نداشته باشد؛ مثلاً توصیه‌هایی که به امام حسن و امام حسین(ع) برای بعضی امور مثلاً در جنگ‌ها کرده بود.

۹- مؤلفه دیگر ارزش‌گذاری بر رأی مردم است؛ که در صفحه ۳۶ کتاب نهج البلاغه بطور مفصل به آن پرداخته است.

۱۰- مؤلفه دیگر اصالت ذاتی و جوهره عدالت از منظر امام علی(ع) است، به گونه‌ای که در هیچ شرایطی عدالت تحت الشعاع هیچ امری قرار نمی‌گیرد. ایشان در رفتار و گفتارش، به‌ویژه در زمانی که قدرت و حکومت را در اختیار داشتند در عدالت‌گستری و رمزناشناسی و عدم طبقه‌بندی در اجرای عدالت، چه درباره کارگزاران و چه درباره قاضیان ناشایست و دیگران، عزم راسخ داشتند.

۱۱- از مؤلفه‌های دیگر سیره امام علی(ع) می‌توان به غرور نداشتن، نخواستن، از منفعت خود گذشتن، ترغیب به زهد و فداکاری، ارزش و اصالت دادن به معرفت‌اندیشی، عرفان‌مداری، فضیلت‌محوری، شاخص‌مندی و معیارمداری، تقوا و برخورد



یکسان با همگان، پرهیز از غیبت کردن، حق‌شناسی حضرت نسبت به یاران خود و جستجوی جامعه‌دانایی‌محور و مبتنی بر مشورت و حرمت بر مدار خرد جمعی اشاره کرد که در بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌های ایشان می‌توان ملاحظه کرد.

در خاتمه پیش از هر چیز باید از دکتر جنیدی و همه همکاران گرامی‌شان در مرکز امام علی(ع) سرکار خانم دکتر حسینی و جناب آقای معتمدیان و همه همکاران شریف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که در برگزاری چهارمین جشنواره امام علی(ع) پژوهان همکاری داشتند قدردانی ویژه‌ای کنم. همچنین از معاونت محترم اداری مالی جناب آقای دکتر ربانی‌زاده، معاونت محترم فرهنگی و اجتماعی سرکار خانم دکتر بروجردی، روابط عمومی پژوهشگاه و سایر بخش‌های مختلف اداری مالی چه بخش امور اداری، جناب آقای دکتر مؤمنی و چه بخش مالی، جناب آقای صالحی و همه عزیزان و ادارات زیرمجموعه آنها که زحمات‌های فراوانی کشیدند نیز تشکر می‌کنم.

دکتر محمود جنیدی، رئیس مرکز تحقیقات امام(علی)، در این مراسم نیز به سخنرانی پرداخت و گفت: غدیر گلستان عترت نبوی و محفل مدعیان حریم قدس الهی و مبدأ ظهور ولایت علوی می‌باشد که بنده این روز بزرگ را به جامعه بشری و همه امام علی(ع) پژوهان و همچنین به حضار گرامی تبریک عرض می‌کنم.

ایشان ادامه داد، خدا را شاکر هستم به علت این که نور ولایت علوی بر کشور می‌تابد و اندیشه سیاسی و الهی مولا علی(ع) در کشورمان دنبال می‌شود. شایسته است که چنین مناسبت‌های ارزشمندی بهانه‌هایی باشد برای نگرستن و فهم درست اندیشیدن و همچنین سیره عملی اولیای الهی به منظور تبعیت و اقتدار به این گوهرهای درخشان. چرا که سعادت انسان هم، جز با گام نهادن در راه این اولیاء گرامی بدست نخواهد آمد.

دکتر جنیدی در مورد غدیر فرمودند: غدیر پیام رهایی، پیام گسیختن

زنجیرهای بسته از پای بشر، پیام تداوم پیامبری است و با همه آرمان‌های بلندش، غدیر ادامه بعثت است برای شکستن بت‌های فکر و دل، برای عبور از بت‌پرستی، به خداپرستی، برای بیرون آمدن از اسارت خویش و رسیدن به آزادی حقیقی که در سایه عبودیت حاصل می‌شود. پیامبر اکرم کرامت‌های اخلاقی را اولین پیام از بعثت دانستند.

ایشان در ادامه برخی کرامت‌های انسانی همچون مهرورزی، محبت و صبر و بردباری را برشمردند و گفتند انسان باید بسیار بردبار باشد و در بردباری با مردم کوشا باشد و از نظر ایشان دادورزی نیز از کرامت‌های اخلاقی انسان است که مربوط به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست. کسی که صدای فردی

را بشنود اگر او را اجابت نکند و به دادش نرسد مسلمان نیست. دومین پیام بعثت از نظر پیامبر اتحاد بین مسلمین است که حول محور ولایت و در ادامه آن ولایت فقیه صورت می‌گیرد و محور آن بر مبنای عدم جدایی دین از سیاست است.

در ادامه، فعالیت‌های مرکز تحقیقات امام علی(ع) و اهدافی که دارند به این شرح ذکر شد: شناسایی، معرفی و حمایت از استعداد های برتر در حوزه امام علی(ع) پژوهان، ارج نهادن به مقام والای پژوهشگران، محققان و فعالان در این عرصه، ایجاد بستری مناسب برای همکاری‌های علمی و فرهنگی بین مراکز علمی و پژوهشی، ایجاد رفاه و همدلی بین دانشمندان و ادیان الهی، تشویق اندیشمندان به منظور آشکار ساختن زوایای فکری و علمی در خصوص امام علی(ع)، ایجاد شرایط مناسب برای هدایت و تشویق استعدادهای جوانان به انجام تحقیقات در این عنوان، کمک به باز اندیشی و بازخوانی میراث فرهنگی، فکری و علمی اندیشمندان ایران و جهان در حوزه امام علی پژوهی.

در ادامه ایشان از آقایان آیت‌الله صادقی رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با ۱۳ جلد دانشنامه امام علی(ع) و آیت‌الله محمدی ری شهری رئیس موسسه فرهنگی قرآن حدیث با ۱۲ جلد کتاب موضوع امام علی(ع) به عنوان دو امام علی پژوهش بزرگ یاد کردند. ایشان در مورد جایزه جهانی امام علی(ع) گفتند که به علت تدوین فرآیند ثبت، نتوانستند در این همایش از آن رونمایی کنند و فرمودند که در پنجمین همایش از آن رونمایی خواهند کرد.

در آخر دکتر جنیدی از تمام دست‌اندرکاران همایش و دانشگاه‌هایی که حمایت معنوی کردند همچنین مرکز بین‌المللی وزارت علوم که حمایت مادی و معنوی کردند



تقدیر و تشکر کردند و به صحبت‌های خود پایان دادند.

در بخش دیگری از این مراسم آیت‌الله علی اکبر رشاد، ضمن تبریک عید غدیر بر ساحت مقدس امام زمان و بر تمام شیعیان در مورد اهمیت، جایگاه و پیشینه دایرةالمعارف نویسی و موسوم‌نگاری نکاتی را گفتند.

امروز تولید دایرةالمعارف و نگارش و تألیف دانش‌نامه از جمله فعالیت‌های رایج و پر رونق حوزه‌های مطالعاتی در جهان است. غربی‌ها توجه بیشتری را به این آثار دارند همانطور که در سال‌های گذشته ما مسلمانان نیز توجه بیشتری به این آثار داشتیم. امروز غربی‌ها دایرةالمعارف را به انجیل علم تعبیر می‌کنند.

گفته می‌شود که دایرةالمعارف‌های گسترده نگارش‌های علمی



هستند، آیت‌الله رشاد با این موضوع موافقت نکردند. به نظر ایشان دایرةالمعارف و هر چیزی که تألیف می‌شود همه تفکرات ذهنی ایجاد شده است و در جامعه امروزی هیچ فعالیت، اقدام و تلاشی نیست که انتهای آن به سیاست و ثروت متصل نشود و امروزه عمدتاً دایرةالمعارف‌هایی که نوشته می‌شود در جهان از پشتوانه‌ای برخوردار هستند که به قدرت و ثروت وصل است.

وی افزود امروزه دایرةالمعارف نویسی در جهان یک ابزار به حساب می‌آید، ابزار آلات مبانی و مواضع است و نشانه آن این است که بسیاری از دایرةالمعارف‌ها را در جهان، دستگاه‌ها و یا جریان‌ها تولید می‌کنند. بعضی از جریان‌های فکری منحرف، امروزه تمایل بیشتری به دایرةالمعارف نویسی دارند و هنگامی که به این نوع دایرةالمعارف‌ها می‌نگریم، می‌بینیم سراسر این متون القاعات انحرافی است و در جایی با زیرکی و ظرافت خاصی نکاتی القاء شده، تحریفات و انحرافات مطروح شده وقتی که جمع می‌زنید می‌بینید که گویا یک جبهه‌بندی برای ایجاد انحراف در یک مکتب، یک دین و یک مبنا است.

آقای رشاد اضافه کردند، یکی از جهات در تألیف دانش‌نامه اسلامی این است که بنگریم آن‌ها چه القاعاتی دارند که ما در پاسخ به آن‌ها، این دانش‌نامه را تألیف کنیم، یعنی نباید به القاعات آن‌ها بی‌توجه شویم چون دایرةالمعارف در مقیاس جهانی منتشر و عرضه می‌شود و مطالب غلط را القا می‌کنند پس در جایی باید پاسخ داده شود اگر که دقت کنیم خواهیم دید که همانند این دایرةالمعارف‌ها کم نیست.

وی افزود: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تمام تلاش خودش را می‌کند که تمام نکات دایرةالمعارف نویسی را رعایت کند اما باید به چند نکته هم توجه کرد، ۱- اشکالی ندارد در دایرةالمعارف‌ها حرف نو هم زده شود، ۲- اگر آشکارا، مطالب انحرافی و غلطی، مطرح کردند به آن پرداخته شود و بی‌پاسخ نماند.

ایشان همچنین نکته دیگری را در خصوص احتمال سلف به کار گسترده‌نگاری مطرح کردند و گفتند: قبل از انقلاب ما به این موضوع توجه کمی داشتیم که به مرور زمان جبران می‌شود اما در گذشته بزرگان ما به گسترده‌نگاری بسیار توجه داشتند برای مثال، بهارالانوار ۱۱۰ جلدی در آن زمان که یک محقق بسیار عالی، بنام علامه مجلسی رضوان‌الله تعالی علیه با مجموعه‌ای از دستیارانشان ۴۰۰ سال قبل این دایرةالمعارف‌ها را تولید کردند.

وی ادامه داد، ای کاش شخصی و یا گروهی مدرک خود را اختصاص می‌دادند برای کشف منطق بهارالانوار که روش‌شناسی بهارالانوار که مرحوم علامه مجلسی مد نظر داشته و حتما مدون بوده و ذهنی نبوده، در این آثار کاملاً مشخص است.

وی در پایان فرمایش‌های خود نکته‌ای را متذکر شدند که این روند بسیار دلگرم‌کننده است و این کار از جمله کارهای انقلاب است که ای کاش می‌شد که کسی می‌نشست و فهرست مباحث انقلاب را می‌نوشت که خود آن به تنهایی یک دایرةالمعارف می‌شود. در پایان این مراسم از امام علی(ع) پژوهان تقدیر شد.



در گفت‌وگو با دکتر جنیدی:

هر اندازه از سیرت، زندگی و خلق و خوی امام علی(ع) صحبت شود کم است

داریم، تا زمینه‌های تحقیقات بیشتر در مرکز ایجاد شود. هدف بعدی این است که بتوانیم نشست‌ها و جلسه‌ها را تقویت کنیم، نشست‌هایی که در آنها امام علی(ع) پژوهی از زوایای مختلف دیده می‌شود و در



تلاش هستیم نشست‌هایی در خارج از کشور نیز برگزار کنیم. همین الان نیز دانشگاه ایروان ارمنستان، همایشی تحت عنوان امام علی(ع) از دید اندیشمندان مسلمان و مسیحی برگزار می‌کند که قرار است در این همایش هم شرکت کنیم. در مجموع ما این اهداف را در مرکز تحقیقات امام علی(ع) دنبال می‌کنیم:

- ۱- شناسایی و حمایت افراد در حوزه امام علی(ع) پژوهی،
- ۲- ارج نهادن به مقام والای پژوهشگران و محققان برای فراهم کردن بستری مناسب برای همکاری‌های علمی و فرهنگی در مراسم‌های علمی- پژوهشی داخل و خارج از کشور،
- ۳- ایجاد رفاه و همدلی بین دانشکده‌های مسلمانان و ادیان بزرگ،
- ۴- تشویق اندیشمندان به منظور آشکار ساختن زوایای فکری و عملی شخصیت امام علی(ع) در ایران و جهان،
- ۵- کمک به بازاندیشی و بازخوانی میراث فکری و علمی اندیشمندان ایران و جهان در حوزه‌های امام علی(ع) پژوهی.

* **حمایت مسئولان از برنامه‌های مرکز تحقیقات امام علی(ع) چگونه است؟**

خوشبختانه هم در داخل پژوهشگاه و هم در خارج از پژوهشگاه، مسئولان همکاری لازم را داشتند و حمایت خوبی در این زمینه از مرکز انجام می‌شود چرا که اگر همکاری مسئولین نباشد مرکز امام علی(ع) کار زیادی نمی‌تواند انجام دهد. این مرکز تنها مرکز مربوط به امام علی(ع) است که به صورت دولتی اداره می‌شود و جنبه آکادمیک دارد لذا انتظار عمده از این مرکز آن است که صیغه پژوهشی و تحقیقاتی خود را بیشتر از موارد تبلیغی داشته باشد چرا که با توجه به صیغه تحقیقاتی و پژوهشی است که مرکز توانسته در بین جوامع دانشگاهی و فرهیختگان علمی داخل و خارج جایی برای حضور و محلی برای گفتمان داشته باشد.

در پایان از مسئولان و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تشکر ویژه‌ای دارم که خیلی خوب از برگزاری این مراسم حمایت کردند. امیدوارم توانسته باشیم قطره‌ای از دریای بیکران آن امام همام را به علاقمندان شناسانده باشیم.

چهارمین جشنواره بین‌المللی امام علی(ع) پژوهان به همت مرکز امام علی(ع) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز ۲۹ شهریور در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد. در خصوص این جشنواره با دکتر محمود جنیدی جعفری، دبیر علمی جشنواره و رئیس مرکز تحقیقات امام علی(ع) گفت و گویی انجام دادیم که از نظراتان می‌گذرد:

* **ارزیابی شما از چهارمین جشنواره بین‌المللی امام علی(ع) پژوهان چیست؟**

خدا را شکر جشنواره خوبی برگزار شد و با استقبال خوبی هم مواجه شد. نباید فراموش کنیم هر اندازه از سیرت، زندگی و خلق و خوی امام علی(ع) صحبت شود کم است، زیرا که امام علی(ع) تنها امام شیعه نیست بلکه امام جهان بشریت است.

* **نظر شما در مورد مهمانان حاضر در جشنواره چیست؟**

حضرت آیت الله علی اکبر رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با داشتن دانشنامه امام علی (ع) و حضرت آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری رئیس موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، با داشتن کتاب موسوات علی(ع) دو میهمان بزرگ و برجسته جشنواره بودند. البته میهمان خاص جشنواره جناب آقای پروفیسور افتخار حسین عارف رئیس موسسه فرهنگی اکو، از کشور پاکستان بودند که با شعری که در مورد امام علی (ع) سروده بودند مجلس را باشکوه کردند.

* **آیا میهمانان خاص دیگری هم بودند که نتوانستند و یا نخواستند در جشنواره شرکت کنند؟**

دکتر ویلیام چیتیک از آمریکا، دکتر شاه کاظمی از مرکز اسلامی انگلستان، دکتر عبدالعزیز ساجدینا از آمریکا، دکتر جیمز وینستون مونیاز از دانشگاه بوستن آمریکا از میهمانان بین‌المللی دعوت شده بودند، که به دلیل آغاز سال تحصیلی در کشورشان نتوانستند در جشنواره شرکت کنند. در ضمن در جشنواره افرادی حضور داشتند که همزمان با این مراسم به کنفرانس‌های دیگری دعوت شده بودند اما به دلیل عشق وافر به حضرت، در همایش شرکت کردند و آن کنفرانس‌ها را لغو کردند. در ادامه ایشان ذکر کردند هر کسی که در مورد امام علی(ع) دست به قلم می‌شود و کتاب یا مقاله‌ای می‌نویسد قابل ستایش است.

* **از روند پیشرفت برنامه‌های مرکز تحقیقات امام علی(ع) تا چه حد رضایت دارید؟**

خوشبختانه از زمانی که در مرکز تحقیقات امام علی(ع) هستیم به دنبال حوزه‌هایی هستیم که در آنها فعالیت پژوهشی یا انجام نشده یا کمتر بوده به‌خصوص حوزه‌های معرفتی آن حضرت و در ضمن در پی ایجاد پیوست با حلقه‌های میان رشته‌ای بین مباحث موجود در این زمینه هستیم.

* **برنامه‌های بعدی که در پیش رو دارید به چه صورت است؟**

قصد داریم با فراهم شدن شرایط نیروهای هیئت علمی مرکز تحقیقات امام علی(ع) را تقویت کنیم تا بتوانیم در زمینه امام علی(ع) تحقیق و پژوهش بیشتری انجام دهیم. همچنین مقاله و کتبی در حال چاپ

در گفت‌وگو با محمدعلی معتضدیان:

مدیریت پژوهشگاه بر توسعه بانک اطلاعاتی امام علی(ع) پژوهان و معرفی جایزه

جهانی امام علی(ع) پژوهی تأکید دارد

پژوهان این بانک اطلاعاتی از دانشگاه‌های مطرح جهان در آمریکا، آلمان، هلند، فرانسه، شبه قاره هند، حوزه قفقاز، چین و استرالیا هستند. خوشبختانه این جشنواره‌ها، نشست‌های علمی و بانک اطلاعاتی مورد اشاره در راستای برنامه‌های راهبردی پژوهشگاه قرار دارد. همچنین طبق جلساتی که با ریاست محترم پژوهشگاه داشته‌ایم؛ ایشان نسبت به مرکز تحقیقات امام علی(ع) توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند. جناب آقای دکتر قبادی شخصا بر توسعه بانک اطلاعاتی تأکید کردند. حتی دغدغه ایشان نیز این بود که چرا از بانک اطلاعاتی تا به حال رونمایی نشده است؟ در مجموع ریاست محترم پژوهشگاه نسبت به این بانک اطلاعاتی علاقمند شدند و از آن استقبال کردند.

* اگر در مورد این بانک اطلاعات بیشتر برای ارائه دارید، بفرمائید؟

این بانک اطلاعاتی به دو بخش، بانک اطلاعاتی خارج از کشور و داخل کشور تقسیم شده است. تاکنون ۹۰۰ علی پژوه در خارج از کشور و ۱۲۰۰ نفر هم در داخل کشور شناسایی شده و مشخصات‌شان در این بانک اطلاعاتی درج شده است.

این بانک اطلاعاتی هم به زبان فارسی و هم به زبان انگلیسی برای استفاده علاقمندان عرصه امام علی(ع) پژوهی طراحی و در آینده نزدیک بر روی سایت پژوهشگاه و سایت این مرکز قرار خواهد گرفت. خوشبختانه طراحی آن به گونه‌ای است که می‌توانیم با زبان‌های دیگری هم این بانک اطلاعاتی را ارایه کنیم.

* آیا مشکلی برای اجرای برنامه‌های بعدی شما وجود دارد؟

در این چهار جشنواره مشکلاتی هم وجود داشته که عمده‌اش به مضیقه‌های مالی مربوط بوده است. اما با لطف خدا و عنایات حضرت امیر و همچنین پشتیبانی‌های مسئولان محترم پژوهشگاه به‌ویژه جناب آقای دکتر قبادی رئیس محترم پژوهشگاه و جناب آقای دکتر ربانی‌زاده معاون محترم اداری و مالی، این جشنواره‌ها با کیفیت مناسبی برگزار شده‌اند. در جشنواره‌های قبل شاید مثلاً برای شرکت‌کنندگان و مهمانان نقاط دورتر کشور مسائلی مانند شرایط ایاب و ذهاب و اقامت در تهران اهمیت داشت اما امسال بسیاری از پژوهشگران، اساتید و ارادتمندان امام علی(ع) سایر برنامه‌های خود را لغو و با هزینه شخصی خودشان در این جشنواره شرکت کردند. این رویداد برای ما خیلی ارزشمند بود. به هر حال همانطور که جناب آقای دکتر جنیدی رئیس مرکز هم تأکید داشتند، بزرگترین هدف این مرکز برای جشنواره سال آینده، رونمایی از جایزه جهانی امام علی(ع) پژوهی است که برای موفقیت در این امر مهم باید تلاش کنیم.

پس از برگزاری موفق چهارمین جشنواره بین‌المللی امام علی(ع) پژوهان در پژوهشگاه که اهالی رسانه از آن استقبال خوبی به‌عمل آوردند؛ با دبیر اجرایی این جشنواره و معاون اجرایی مرکز تحقیقات امام علی(ع)، آقای محمدعلی معتضدیان گفت‌وگویی انجام دادیم که حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید:

* شما تا چه حد از کیفیت برگزاری جشنواره چهارمین جشنواره بین‌المللی امام علی(ع) راضی بودید؟

ابتدا باید از مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به دلیل حمایت از جشنواره تشکر ویژه‌ای داشته باشم ضمن اینکه روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اطلاع رسانی خوبی داشتند که جا دارد از همه آنهايي که در این جشنواره شرکت کردند نیز تشکر کنم. مرکز تحقیقات امام علی (ع) تاکنون بالغ بر ۵۷ نشست علمی و همچنین چهار جشنواره تحت عنوان امام علی (ع)



پژوهان برگزار کرده است که عمده اهداف ما در این همایش‌ها تجلیل از افرادی است که پژوهش و تحقیقاتی را در مورد سیره امام علی(ع) انجام می‌دهند. در سال ۹۲ اولین دوره این جشنواره در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد که در آن مراسم از امام علی(ع) پژوهان داخل پژوهشگاه تقدیر و تشکر به عمل آمد. در دومین جشنواره علاوه

بر امام علی (ع) پژوهان داخل پژوهشگاه، از افراد خارج پژوهشگاه نیز دعوت به‌عمل آمد و از آن افراد هم به نوعی تجلیل شد. در جشنواره سوم که سال قبل تشکیل شد، علاوه بر علی(ع) پژوهانی که در سطح کشور شناخته شده بودند، از دو علی(ع) پژوه برجسته، مرحوم حضرت آیت‌الله خزعلی و مرحوم دکتر صادق آینه‌وند هم تجلیل به‌عمل آمد. در جشنواره چهارم که امسال برگزار شد توانستیم علی(ع) پژوهان بیشتری را از خارج دعوت کنیم. در مجموع جشنواره خوب و موفقیتی داشتیم.

* هدف اصلی شما از برگزاری چنین جشنواره‌هایی چیست؟

هدف عمده ما از برگزاری این جشنواره، فراهم کردن بستری برای معرفی و ارایه جایزه‌ای تحت عنوان جایزه جهانی امام علی(ع) پژوهی به جهان است. در کنار این هدف، معرفی بانک جامع اطلاعاتی امام علی(ع) پژوهان را هم در نظر داشتیم.

* پژوهشگران خارجی این بانک اطلاعاتی شامل چه کشورهایی هستند؟

اندیشمندان و پژوهشگران عرصه امام علی(ع) پژوهی در سراسر جهان را شامل می‌شود. جالب است بدانید، بخش عمده‌ای از امام علی(ع)



قدردانی از برگزارکنندگان چهارمین جشنواره امام علی (ع) پژوهان

هیأت رئیسه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی مراسمی از اعضای دبیرخانه چهارمین جشنواره امام علی (ع) پژوهان قدردانی کرد.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، با اهدای جوایزی از دبیر علمی، جناب آقای دکتر جنیدی و دبیر اجرایی، آقای معتمدیان به نمایندگی از اعضای دبیرخانه چهارمین جشنواره امام علی (ع) پژوهان قدردانی و تشکر کرد.



برگزاری جلسه مشترک «دبیرخانه جذب» پژوهشگاه با رئیسان مؤسسه‌ها و پژوهشکده‌های وابسته

نشست مشترک هیأت اجرایی «دبیرخانه جذب» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با رئیسان و نمایندگان پژوهشکده‌ها و مؤسسات وابسته به پژوهشگاه از جمله دکتر میرزایی رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، دکتر عباسی رئیس مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، دکتر اکبری رئیس بنیاد دانشنامه‌نگاری، دکتر سلمانی از بنیاد دایرةالمعارف فارسی، دکتر صفری رئیس پژوهشکده بیمه و معاون محترم اداری و مالی آن پژوهشکده روز دوشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۵ در محل پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. در این جلسه معاونان پژوهشگاه و دکتر عیسوی نماینده نهاد مقام معظم رهبری نیز حضور داشتند.

در ابتدای جلسه دکتر حسینی قبادی رئیس پژوهشگاه، ضمن خیرمقدم به مهمانان این جلسه را فرصت مناسبی برای بحث و تبادل نظر در خصوص فرآیند بررسی پرونده‌ها دانست.

دکتر قبادی با اشاره به فرآیند جدیدی که از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعریف شده است، گفت: بر اساس این فرآیند جدید بخشی از امور در مؤسسات وابسته و بخش دیگر در دبیرخانه جذب پژوهشگاه انجام خواهد شد. بر این اساس لازم است فردی از اعضای هیأت علمی مؤسسات وابسته به عنوان نماینده هیأت اجرایی در مؤسسات وابسته معرفی شود.

در ادامه جلسه دکتر پارساپور، رئیس دبیرخانه جذب پژوهشگاه، نیز گفت: با توجه به راه‌اندازی سامانه نور رضوی لازم دیده شد در جلسه‌ای ضمن توضیح درباره فرآیند جدید جذب و تبدیل وضعیت، هماهنگی و تقسیم کار صورت گیرد. در ادامه ایشان گزارشی از فعالیتهای جذب در شش ماه سال جاری ارائه داد و گفت: تقریباً کلیه امور اعضای هیأت علمی مؤسسات و پژوهشکده‌ها در دبیرخانه جذب انجام شده و ما برای ادامه کارها منتظر نتیجه استعلام‌ها و نیز انجام بخشی از امور در وزارتخانه هستیم.

دکتر پارساپور همچنین با اشاره به نحوه تشکیل و برگزاری کمیته علمی جذب در مؤسسات و پژوهشکده‌ها بر حضور نماینده‌ای آشنا به ضوابط و مقررات از سوی پژوهشگاه در این کمیته علمی تأکید کرد و گفت: جهت آشنایی کارشناسان و نیز اعضای محترم هیأت علمی از سوی دبیرخانه جذب پژوهشگاه جلسات توجیهی و نیز کارگاه آموزشی در مؤسسات برگزار خواهد شد.

در ادامه جلسه اعضای حاضر ضمن بررسی مسائل و مشکلات روند جذب، پیشنهادهای خود را در خصوص فرآیند و تقسیم کار، ارائه و تأکید کردند که در این فرآیند ضرورت دارد به صلاحیتهای علمی، عمومی و نیز روحیه علمی افراد توجه ویژه‌ای شود و امتیازات طبق فعالیتهای پژوهشی و آموزشی مرتبطی که راهگشای مسائل جامعه است، داده شود.



دیدار دکتر قبادی با اعضای پژوهشکده غربشناسی و علم پژوهی

حل مسائل مطرح شده تأکید و اظهار امیدواری کرد بر پایه سازوکارهای قانونی، مسائل و مشکلات موجود در آینده نزدیک مرتفع گردد.



رئیس پژوهشگاه روز شنبه ۹۵/۷/۳ با شرکت در شورای عمومی پژوهشکده غربشناسی و علم پژوهی، با اعضای این پژوهشکده از جمله آقایان دکتر مهدی معینزاده، دکتر غلامحسین مقدم حیدری، دکتر علیرضا منجمی، دکتر علیرضا منصوری، دکتر مهدی بنایی جهرمی، دکتر مزدک رجبی، آقای امیر صادقی، خانم دکتر مریم صانع‌پور و خانم معصومه دلدار دیدار کرد.

در ابتدای جلسه، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن تبریک عید سعید غدیر و گرامی‌داشت هفته دفاع مقدس و شهدای گرانقدر میهن اسلامی و آرزوی صحت و سلامتی برای جانبازان عزیز کشور، و تبریک انتخاب دکتر معینزاده به ریاست پژوهشکده غربشناسی و علم پژوهی و تشکر از اهتمام دکتر مقدم‌حیدری، رئیس سابق پژوهشکده، در طول دوران تصدی ریاست پژوهشکده، ارتقای وی به مرتبه دانشیاری را تبریک گفت. در ادامه دکتر قبادی با ابراز مسرت از حضور در میان اعضای پژوهشکده، به تشریح اهداف حضور در این جلسات ذیل چهارمحور پرداخت: پیگیری برنامه توسعه پژوهشگاه و بررسی میزان انطباق برنامه‌ها و عملکردهای پژوهشکده‌ها و مراکز با برنامه توسعه؛ بررسی ایفای نقش ملی و فراملی پژوهشکده‌ها و مراکز و گسترش ارتباطات علمی؛ بررسی ظرفیت‌های بالقوه پیش روی پژوهشکده‌ها و مراکز و افزایش کیفیت برنامه‌های آنها؛ و تعامل عمیق‌تر با اعضای پژوهشکده‌ها و مراکز و استماع مسائل و مشکلات عمومی آنان. رئیس پژوهشگاه مهمترین هدف از این دیدارها را، تعمیق روابط عاطفی میان اعضای پژوهشگاه عنوان کرد و گفت: در یک سازمان دانشی داشتن روابط عاطفی خود سرمایه‌ای بزرگ برای انرژی‌زایی در سازمان است و روابط انسانی متقابل، توانمندی سازمان دانشی را به خصوص در علوم انسانی دو چندان می‌کند. در سنت‌ها و میراث‌های دینی و ایرانی ما نیز بر این موضوع با عنوان صله رحم تأکید شده است و ما باید برای تحقق این ظرفیت‌ها، فرصت‌هایی را بیافرینیم.

سپس دکتر معینزاده، رئیس پژوهشکده، و سایر اعضای هیأت علمی پژوهشکده غربشناسی و علم پژوهی ضمن خیرمقدم به رئیس پژوهشگاه و تشکر از حضور ایشان در این دیدار، گزارشی از فعالیت‌های پژوهشی پژوهشکده، مسائل و چالش‌های پیش روی پژوهشکده و اعضای هیأت علمی از جمله فرآیند تصویب طرح‌های پژوهشی، فرایند جذب و تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی پژوهشکده، دسترسی به بانک مقالات بین‌المللی و معتبر، جذب دانشجوی در رشته فلسفه علم در فرآیند تکمیل ظرفیت، و مسائلی درخصوص انتشار و پخش کتاب‌های پژوهشگاه و وضعیت مجلات و مسائل آنها را مطرح کردند و خواستار حمایت بیشتر از فعالیت‌ها و اعضای پژوهشکده شدند.

در خاتمه، دکتر قبادی ضمن تأکید بر حمایت همه‌جانبه مسئولان پژوهشگاه از فعالیت‌های پژوهشکده، بر پیگیری‌های لازم برای

اولین جلسه «دیرخانه ارباب معرفت» در پژوهشگاه

کمک آنها این جلسه شکل گرفت، گفت: همه کسانی که کار تأسیس کرده‌اند می‌دانند که در فرآیند هویت‌یابی یک سازمان نقش سرمایه‌های انسانی تعیین کننده است و من به‌خوبی درک می‌کنم که همه شما هویت‌بخش پژوهشگاه هستید چرا که بزرگترین سرمایه یک کشور، سرمایه انسانی است که عدم وجود آن دیگر سرمایه‌ها را از بین خواهد برد. اما این سرمایه انسانی به تنهایی کافی نیست بلکه زمانی که مناسبات هم‌افزایی میان ما شکل گیرد و تبدیل به یک نهاد شویم اثربخشی و بهره‌وری معنا پیدا می‌کند لذا هویت یافتن چنین تشکلی مایه خیر و برکت، هم برای سازمان و هم برای همه نیروهای سازمان خواهد بود. که امید است با زحمات، مجاهدت‌ها و کوشش‌های کلیه شما عزیزان و بزرگواران، پژوهشگاه بتواند بیش از این اثربخش باشد. در دانش مدیریت همیشه دانش و سرمایه‌های ضمنی یک سازمان مهمتر از دانش آشکار و سرمایه‌ای است که در سطح حرکت می‌کند و قطعاً این امر پشتوانه‌ای برای پژوهشگاه خواهد بود. در ادامه این جلسه اساتید حاضر در جلسه؛ بررسی موارد مطرح در اساسنامه، پیشنهادات و نظرات خود را ارائه دادند.



در بخشی از این جلسه دکتر بیوک محمدی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی، به ارائه تجربیات خود پرداخت و اظهار کرد: اولاً کسانی که کار علمی کرده‌اند باید شناخته شوند چرا که هر کسی افق دید متفاوتی دارد، دوماً اینکه تا سؤال نشود، چیزی گفته نمی‌شود، حتماً باید موضعی پیش آید تا نکاتی نیز در مورد آن گفته شود و این یکی از راه‌های رسیدن به علم واقعی است.

دکتر ملایی‌توانی، رئیس پژوهشکده تاریخ نیز با ارائه پیشنهاداتی، گفت: اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، ضرورت بازخوانی علمی استادان بازنشسته است یعنی سلسله نشست‌هایی برگزار شود تا رفتار و سنت‌های علمی اساتید حفظ و به نسل‌های بعد منتقل شود. نکته دیگر، تاریخ شفاهی استادان است که در پژوهشگاه در حال تدوین است که با حفظ و نگهداری آن هم به غنای این مجموعه و هم به روشن‌تر شدن راه طی شده

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی، جلسه‌ای با عنوان «ارباب معرفت» با حضور جمعی از اساتید، اعضای هیأت علمی و اعضای بازنشسته پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای جلسه دکتر اشرف بروجرودی، معاون فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه، ضمن خوشامدگویی به اساتید با تأکید بر اینکه پژوهشگاه در نظر دارد تا از علم اساتید خود استفاده کند، گفت: برای به انجام رسیدن این کار پژوهشگاه اتاقی را در ساختمان فرهنگ اختصاص داده و به عنوان «دیرخانه ارباب معرفت» نامگذاری کرده است تا اساتید بازنشسته‌ای که تمایل دارند ساعاتی از اوقات خود را در پژوهشگاه باشند، در آنجا حضور یابند تا بتوانیم از نظرات آنها بهره‌مند شویم.



در ادامه دکتر بروجرودی اساسنامه این دیرخانه را به شرح زیر مطرح کرد:

۱- بررسی و ارزیابی رویکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه علوم انسانی،

۲- بررسی شرایط اجتماعی امروز کشور و آسیب‌های اجتماعی حاکم بر جامعه و نحوه توجه و پرداختن به این مسائل از سوی پژوهشگاه و ارائه پیشنهادات و راهکارهایی در این زمینه،

۳- ارزیابی مسائل فرهنگی جامعه با توجه به شاخص‌های فرهنگی و تعیین راهکارهای ارتقای فرهنگ عمومی جامعه، چرا که همه ما از بی‌اخلاقی‌ها، بداخلاقی‌ها و کاهش فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی رنج می‌بریم. میانی این فرهنگ و ارزش‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است که بنا به پیشنهاد در این اساسنامه آمده است تا بر اساس آن تصمیم‌گیری شود.

در ادامه این جلسه دکتر حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه، گفت: این جلسه، نمود کاملی از تربیت اسلامی و رفتار دینی و نشانی از فرهنگ ایرانی است بایسته‌ترین رفتار چنین کشور پرتمدن و بادیرینه‌ای افتخارآمیز این است که قدر بزرگان خود را بدانیم و بتوانیم آینده خود را بر پایه همین رفتارها و نگرش‌های خود بسازیم.

رئیس پژوهشگاه ضمن تشکر و قدرانی از کلیه اساتید که به



به مناسبت «هفته دفاع مقدس»

دیدار با خانواده شهید دکتر

میرزامحمد

به مناسبت هفته دفاع مقدس معاون فرهنگی - اجتماعی به همراه تعدادی از همکاران پژوهشگاه با حضور در منزل دکتر میرزا محمد، پدر شهید و عضو هیأت علمی پژوهشگاه، با ایشان دیدار و گفتگو کردند.

خانم دکتر اشرف بروجردی در این دیدار با تجلیل از ایثار، صبر و فداکاری‌های خانواده شهیدان گفت: «خانواده شهیدان فرزندان برومند خود را در زمانی که کشور به آنها نیاز داشت، در راه اسلام و انقلاب تقدیم کردند و این اجری بی‌پایان نزد خدای متعال خواهد داشت». دکتر بروجردی تصریح کرد: «خانواده بزرگ پژوهشگاه قدردان ایثار و فداکاری این شهید و خانواده گرامی آن هستند».

در ادامه دکتر فاطمه راکعی با اشاره به حضور خود در زمان تشیع پیکر شهید میرزامحمد به استقامت و پایداری دکتر میرزامحمد در آن زمان اشاره کردند و گفتند: «روحیه ایشان به گونه‌ای بود که ایشان به ما دلداری می‌دادند و مثل کوه ایستادند و خودشان فرزند شهیدشان را دفن کردند. این صحنه‌ها قابل وصف نیست و هیچ وقت از یاد من نمی‌رود».

دکتر میرزامحمد نیز با بیان خاطراتی از فرزند شهید خود گفتند: «آنها به سعادت رسیدند و ما اینجا ماندگار و گرفتار خاک شدیم». در انتهای این دیدار، لوح یادبود و هدایایی از طرف پژوهشگاه به ایشان اهدا شد.



پژوهشگاه کمک خواهد کرد. نکته آخر اینکه انتشار یادنامه‌هایی در خصوص اساتید، مؤثرتر از انتشار کتاب در گرامیداشت نام و یاد آنان خواهد بود.

در پایان جلسه به پیشنهاد دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه مقرر شد هیأتی منتخب از این اعضا مشخص و تشکیلی که قرار است نمود پیدا کند، براساس آن انجام شود و همچنین صفحه‌ای در سایت پژوهشگاه ایجاد شود تا در فضای مجازی نیز دستاوردهای این دبیرخانه منعکس شود. در پایان دکتر قبادی از رئیس‌ان پژوهشگاه‌ها خواست تا با ارائه نظرات و پیشنهادهای خود حداکثر تلاش و توان خود را برای فعال ساختن دبیرخانه به کار گیرند..



میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی از استادان علوم انسانی سوئیس

کوتاه‌مدت آموزشی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی اشاره و اظهار امیدواری کرد با توجه به حضور هیأتی از پژوهشگاه برای شرکت در سمینار بین‌المللی «هایدگر در جهان اسلام» که در آبان‌ماه در دانشگاه برن برگزار خواهد شد، با انعقاد تفاهم‌نامه‌ای میان دو مؤسسه شرایط و زمینه‌های همکاری، هر چه بیشتر فراهم شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سوم مهرماه ۱۳۹۵ میزبان هیأت سوئیسی (۲۵ نفر) از استادان علوم انسانی، دانشجویان، کتابداران و اهل فرهنگ از دانشگاه معتبر سوئیس بود. در این نشست که با حضور برخی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه همچون دکتر کریم مجتهدی، دکتر محمود کریمی‌علوی، دکتر رادفر، دکتر عبدالکریمی و خانم دکتر حسینی تشکیل شد، در خصوص مشترکات علوم انسانی بین ایران و سوئیس و ایجاد فرصت‌های مطالعاتی و همکاری دو جانبه بحث و گفتگوی علمی و دوستانه‌ای صورت گرفت. در این نشست بر ضرورت فراهم آمدن بستر مناسب برای تبادل فرهنگی و علمی به‌ویژه تبادل کتاب و برقراری ارتباط میان کتابخانه‌های پژوهشگاه و دانشگاه برن تأکید شد.

در ادامه جلسه دکتر بوسگن رئیس دپارتمان ایران‌شناسی و فلسفه اسلامی دانشگاه برن سوئیس نیز بر علاقه‌مندی برای تبادل استاد و دانشجو میان پژوهشگاه و دانشگاه برن با برقراری فرصت‌های مطالعاتی یا برگزاری کارگاه‌های



شرکت اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در «همایش بین‌المللی شمس‌الحق تبریزی»

کرد: «مولوی هم هرچه می‌گوید، می‌تواند به شمس نسبت دهد. چون او نیز خود را در شمس می‌بیند».

در روز دوم همایش، از کتاب دکتر محمد تقی پورنامداریان با عنوان «داستان پیامبران در کلیات شمس» رونمایی شد. مهمانان کنفرانس در عصر پنجم مهرماه و بعد از پایان مراسم رسمی روز دوم کنفرانس، برای بازدید از منطقه آزاد تجاری ارس به منطقه جلفا عزیمت کردند و با عبور از کنار رودخانه ارس، از «کلیسای سنت استپانوس» بازدید کردند.



معاونت فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه، با هدف برنامه‌ریزی برای مسافرت‌های علمی، ده نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه را به مناسبت بزرگداشت شمس تبریزی به «همایش بین‌المللی شمس‌الحق تبریزی» اعزام کرد.

در ابتدای این سفر، هیأت اعزامی ضمن بازدید از مکان‌های تاریخی تبریز از جمله مسجد کبود و موزه زنده سفال، از بازارهای این شهر مانند بازار مظفریه و بازار فرش نیز بازدید کردند. سپس با عزیمت از تبریز به خوی با حضور در آرامگاه شمس تبریز، در مراسم گلباران مزار شمس شرکت کردند.

آغاز روز اول این همایش، با پخش پیام آیت‌الله حائری شیرازی آغاز و سپس دکتر حسین سیوانی‌اصل، دکتر حسین عارف، خانم دکتر معدن کن، دکتر زهرا حیاتی و استاد مصطفی ملکیان سخنرانی کردند.

دکتر زهرا حیاتی نگاشته دکتر محمدتقی پورنامداریان را قرائت کردند که در آن این استاد ادبیات به دنبال پاسخ به این پرسش بودند: «این پرسش قدیمی هنوز تازه است که مولوی در مقام شیخی مدرسی در شمس تبریزی، این درویش آواره و دایم‌السفر چه دید که نیمی از عمر باقی مانده خود را در عشقی عظیم و شورانگیز نثار او کرد و خود چنان متحول شد که در وجود این عاشق شوریده و بی قرار، نشانی از آن شیخ مدرسی نماند؟»

دکتر پورنامداریان در بخشی از پیام خود که مورد توجه بسیار مهمانان کنفرانس قرار گرفت، شمس را یک معما دانسته و آورده است: «شمس از نظر علم کسبی و رسمی در مقامی نبوده است که گفته‌های او، مولوی را مفتون علم و دانش مدرسی او کرده باشد».

این عضو برجسته هیأت علمی با شرح احوالات عین‌القضات همدانی و نوع رابطه او با شیخ برکت آورده است: «ماجرای شمس و مولانا با همه شگفتی و غرابتش در عالم عرفان بی‌سابقه نیست». وی شمس تبریزی را انگیزه تولد ثانی و توسعه شخصیت مولوی معرفی کرده و می‌گوید: «شمس، مولوی را با امکانات وسیع بالقوه ذهن خودش آشنا کرد و مولوی از طریق شمس دریافت که تنها او نیست که در محافل درس و مشق می‌نماید».

وی افزود: «قربان روحی شمس با مولوی آن قدر زیاد بود که شمس در وجود مولوی، خود را یافت و چنین بود که مهر خود را به مولوی ابراز می‌کند و دیگران هم تاب آن را نیاوردند». پورنامداریان در انتهای پیام خود، سخنان شمس در مقالات را از نوع سخنانی دانسته که مولوی در حق او می‌گوید و تأکید

میزگرد «گرامیداشت مولوی و بزرگداشت دکتر مهدیه الهی قمشه‌ای»

پورنامداریان، توسط دکتر زهرا حیاتی قرائت شد. دکتر حیاتی در قرائت این یادداشت به نقل از دکتر پورنامداریان گفت: گفتاری مختصر البته نمی‌تواند ابعاد شخصیت مولوی را معرفی کند اما چند کلمه نوشتم رفع تکلیف، چرا که کاری پیش آمد نتوانستم شخصاً در این جلسه حضور داشته باشم. شرح حال مولوی را براساس آثاری از مولوی بارها نوشته‌اند. مثنوی مولوی چشمه‌ای غیرقابل تقلید و غزلیاتش، نغز، بی‌نظیر و غیرقابل توصیف است.

بخش اول نوشته دکتر پورنامداریان به اندیشه مولوی درباره انسان اختصاص داشت. یکی از اساسی‌ترین اندیشه‌های مولوی در مثنوی، اندیشه او درباره انسان و عظمت مقام انسان است و سخنان او درباره انسان بسیار تأمل‌انگیز و نافذ است. مولوی با تأسی از حدیثی از حضرت علی(ع) انسان را موجودی میان فرشته و انسان می‌شمارد. و سه مرحله و بُعد را برای انسان برمی‌شمارد: ۱. نفس اماره و اسارت شهوت و غضب، ۲. نفس لواحه و توجه به ابعاد مادی و معنوی و ۳. نفس مطمئنه و از بین بردن نیازهای حیوانی.

در ادامه این مراسم میزگردی با حضور دکتر فاطمه راکعی، دکتر فریبا ملکیان (فرزند خانم قمشه‌ای)، افشین اعلا (داماد خانم قمشه‌ای) و دکتر یوسف محمدنژاد، رئیس پژوهشگاه زبان و ادبیات پژوهشگاه برگزار شد.



دکتر محمدنژاد در ابتدای این میزگرد با تأکید بر نقش بی‌بدیل مولوی در ترویج و تحلیل اندیشه‌های ایرانی و عرفانی اسلامی، گفت: بانو مهدیه الهی قمشه‌ای با تحلیل‌های آموزنده خود، نقش مهمی در ترویج هویت ایرانی و اسلامی داشتند. بانو الهی قمشه‌ای با کلام و زبانی دلنشین موجب فهم و درک آسان‌تر اندیشه‌های مولوی شده و نقش ممتازی در ترویج اندیشه‌های مولوی داشته است.

پس از سخنان دکتر محمدنژاد، دکتر فریبا ملکیان (فرزند خانم قمشه‌ای) آثار برجای مانده مادرش را نام برد و گفت: مادرم سراسر زندگی خود را به تحقیق و تفحص بر روی آثار مولانا

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی و پژوهشگاه زبان و ادبیات، به مناسبت گرامیداشت مولوی و بزرگداشت دکتر مهدیه الهی قمشه‌ای (مولوی‌شناس)، میزگردی با حضور دکتر فاطمه راکعی، دکتر فریبا ملکیان (فرزند خانم قمشه‌ای) و افشین اعلا (داماد خانم قمشه‌ای) روز یکشنبه ۱۱ مهرماه در پژوهشگاه برگزار شد.



در ابتدای این جلسه، دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با اشاره به عشق ناب مولوی گفت: آنچه باعث شده تا جان مولوی با عاشورا و امام حسین(ع) پیوند ویژه‌ای داشته باشد شناخت عمیق و بی‌بدیل مولانا به ساحت حقیقت است. همانگونه که مولانا خود در غزلیاتش می‌گوید:

حسین کربلایی آب بگذار

که آب امروز تیغ آبدارست

یا در غزل دیگری:

کجایید ای شهیدان خدایی

بلاجویان دشت کربلایی

دکتر قبادی با اشاره به اینکه یکی از مسائل مهمی که در مورد مولوی مغفول مانده، قدرت مسئله‌شناسی اوست، گفت: مولوی از نادر شاعرانی است که فلسفی زندگی می‌کرد و فلسفی می‌اندیشید. در واقع اندیشیدن مولوی فرافلسفی بوده و ذهنی سرشار از مسئله‌یابی نسبت به جهان داشته است. وی همچنین علت تمایز فیلسوفانی همچون سقراط، افلاطون، ابن عربی، هایدگر و... را در خلق مفاهیم جدید بیان کرد و گفت: آنچه که باعث شده مولوی نیز در این زمینه از بقیه متمایز شود، خلق مفهوم جدید به‌ویژه مفهوم عشق و تسلط بر جهان هستی است. نگاه مولوی به پدیده عشق و نوآوری در خلق مفهوم عشق، نمایانگر عظمت مولوی است که نیازی به اثبات ندارد. مولوی تعریفی بی‌بدیل از اصطلاح «عشق» دارد که خود به نوعی خلق مفهوم جدیدی است. در دیدگاه مولوی عشق برزخی تلقی می‌شود که جهان درون را به جهان بیرون متصل می‌کند.

پس از پایان سخنان رئیس پژوهشگاه، متن سخنرانی دکتر



گزارشی درباره کتابخانه‌های پژوهشگاه

کتابخانه مرکزی پژوهشگاه به منظور آشنایی دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۵ با کتابخانه مرکزی پژوهشگاه و منابع و خدمات آن کارگاهی در هفته اول مهرماه برگزار نمود. در این کارگاه تلاش شد تا با ارائه اطلاعاتی، دانشجویان جدید بتوانند به بهترین نحو از منابع، خدمات و امکانات کتابخانه-های پژوهشگاه بهره‌مند گردند.

جناب آقای دکتر دیباجی در اقدامی ارزشمند حدود ۱۵۰ عنوان از پایان‌نامه‌هایی را که در طول سالیان متمادی و در دانشگاه‌های مختلف تحت نظر ایشان کار شده بود، به کتابخانه مرکزی پژوهشگاه اهدا کردند. این مجموعه ارزشمند که سبب غنای هرچه بیشتر بخش پایان‌نامه‌های کتابخانه خواهد شد به‌زودی به‌صورت فهرست شده در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار خواهد گرفت.

اسکن یادداشت‌های استاد محبتی مینوی در کتابخانه اهدایی آن مرحوم آغاز شد. یادداشت‌های استاد مینوی که بر کتاب‌های مختلف نگاشته شده است، دارای ارزش ادبی و علمی هستند و متقاضیان زیادی جهت استفاده از آنها وجود دارد و براساس مصوبات هیأت امنای کتابخانه، مقرر شد یادداشت‌های استاد اسکن شوند تا علاوه بر استفاده مراجعه‌کنندگان، در سایت کتابخانه نیز بارگذاری شوند.



پرداخته و هر دفتر مولانا را در یک جلد شرح داده تا جوانان امروزی بتوانند با زبانی ساده با وی آشنا شوند.

در پایان نیز دکتر فاطمه راکعی به روش و منش بانو الهی قمشه‌ای در زندگی شخصی خود اشاره کرد و از تلاش‌های مستمر ایشان در تحلیل آموزه‌های مولانا سخن گفت.



برگزاری نخستین نشست

«کتابخوان تخصصی زبان و ادبیات فارسی» در پژوهشگاه

ادب فارسی» گفت: داستان‌هایی در این فرهنگ آمده که مکتوب شده اند و روایات شفاهی و غیرمکتوب که بیشتر در گویش‌های محلی و منطقه‌ای رایج است، ذکر نشده است. در ادامه کتاب «هشت رساله درباره احوال زنان» نوشته دکتر روح‌انگیز کراچی توسط شراره علا معرفی شد.

وی در این باره گفت: نویسنده در این کتاب می‌نویسد، بازنویسی نسخه‌های خطی و تحلیل جامعه‌شناختی این آثار منابعی دقیق در اختیار پژوهشگران و جامعه‌شناسان قرار می‌دهد تا تاریخ اجتماعی ایران را به دور از اظهارنظرهای غیرعلمی، مغرضانه، یک‌جانبه و کلی‌گویی با روش علمی و به روشنی بنویسند.

امید نقوی و لیلا کردبچه از دیگر اساتید زبان و ادبیات فارسی در این نشست درباره دو کتاب «سخن آشنا ادبیات ایران از ابتدا تا امروز» و «نگاهی تحلیلی به علم بیان» توضیحاتی ارائه کردند. لیلا کردبچه درباره کتاب نگاهی تحلیلی به علم بیان نیز گفت: علم بیان که نخستین بار به صورت مستقل با اندیشه‌های عبدالقاهر جرجانی به جهان علم معرفی و مبانی و اصولش استوار شد، در ابتدا برای اثبات اعجاز لفظی قرآن و برای نیل به این هدف شکل گرفت و اولین پژوهش‌ها در این زمینه برای آشنایی با این کتاب مقدس و درک ظرافت‌های لفظی آن رواج یافت. وی افزود: جرجانی در اهمیت علم بیان بر این باور است که اگر این علم نبود علوم دیگری شکل نمی‌یافت و در پرده می‌ماند. به گفته کردبچه، جرجانی این علم را دارای فواید و محاسنی می‌داند که در حساب نمی‌آید و دقت و تعمق آن محاسن را محدود نمی‌کند.

سیده فاطمه ذوالقدر عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز در این مراسم حضور داشت و برای دقایقی پشت تریبون قرار گرفت و سخنانش را اینگونه آغاز کرد: در اروپا فرهنگ کتابخوانی در فضای مجازی توسعه یافته که ما باید به فکر این موضوع باشیم. نوجوانان در عصر کامپیوتر و تکنولوژی کمتر به کتابخوانی توجه می‌کنند، آنها بیشتر در فضای مجازی هستند، بنابراین برگزاری نشست‌های کتابخوان کاری فرهنگی و پسندیده در این راستا است.

سیده فاطمه ذوالقدر افزود: در مجلس از مصوباتی که در راستای اعتلا و ارتقای فرهنگ کتابخوانی است حمایت می‌کنیم. وی اظهار امیدواری کرد که این نشست‌های فرهنگی و تخصصی ادامه یابد.

طیبه سیاوشی شاه‌عنایتی دیگر نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در این نشست ضمن ستودن این اقدام فرهنگی گفت: در نطق سالانه خود پیشنهاد کرده‌ام که همانطور که نقد سینمایی یک شغل است، نقد کتاب نیز یک شغل محسوب

روز سه‌شنبه ۲۷ مهرماه، پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی با مشارکت اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران نخستین نشست «کتابخوان تخصصی زبان و ادبیات فارسی» را با حضور اساتید، پژوهشگران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان تهران و دو نماینده بانوی مجلس شورای اسلامی و اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس و جمعی از دانشجویان برگزار کرد. در ابتدای نشست، دکتر روح‌انگیز کراچی نویسنده کتاب «بانو گشسب‌نامه» سخنانش را با این شعر آغاز کرد:

گاهی که خودم را می‌نویسم
کلام گم شده‌ام در ازدحام خیابان‌های شلوغ شهر
آنگاه که فکر می‌کنی دوستت دارم
آرزوهایم را تبعید کرده‌ام

و به آئینه‌ای که مرا نمی‌شناسد گریخته‌ام
اکنون به پاره آرزویی آویخته‌ام تا جهان را بگویم با قارقار تلخم!
هرچند صله‌ام سنگ پاره‌ایست...

دکتر کراچی پس از قرائت این شعر گفت: اینجا شب شعر نیست اما من چون در این سی سال در رابطه با تحقیقاتم در مورد زنان خیلی اذیت شده‌ام؛ امیدوارم افرادی که می‌خواهند به این عرصه ورود کنند، بتوانند بر مشکلات پیش رو فائق آیند. دکتر کراچی افزود: این کتابی منحصر به فرد در حوزه ادبیات حماسی است که برای اولین بار در سال ۸۲ و برای بار دوم در سال ۹۳ منتشر شد.

وی با بیان اینکه این کتاب بر اساس ۶ نسخه تصحیح شده است، هدف از تصحیح نسخه‌های خطی درباره زنان را نشان دادن و برجسته کردن هویت زن ایرانی در زمانه‌ای عنوان کرد که نیاز به آن وجود داشت.

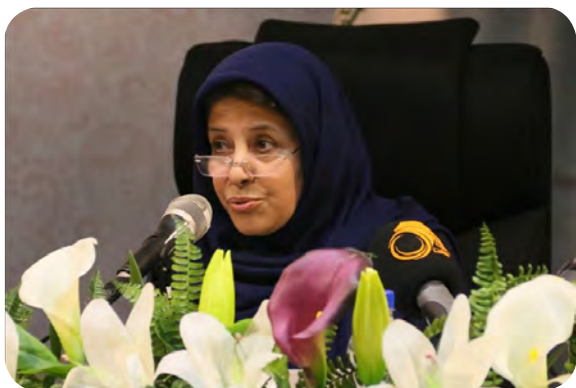
به گفته دکتر کراچی، بانو گشسب نمونه‌ای از زن ایرانی و نماد سرکشی و توانایی و قدرت در جامعه‌ای نامطلوب است. استاد کراچی در خاتمه توجه مسئولان را به رفع معضل رویگردانی دانشجویان از کتابخوانی جلب کرد و گفت: اگر مشکل سانسور کتاب‌ها رفع شود دوباره فرهنگ کتابخوانی در جامعه رواج پیدا می‌کند.

اسماعیل‌امینی استاد دانشگاه هم درباره کتاب «تاریخ شعر زنان از آغاز تا سده هشتم هجری» توضیحاتی ارائه کرد.

وی گفت: در این کتاب تلاش شده آنجا که زنان شاعر نادیده گرفته شده‌اند و از تجربه شعری آنها حرفی به میان نیست، بررسی آغاز تا سیر تکوین شعر زنان در گذر تاریخ ادبیات فارسی تدوین شود و بدین ترتیب سهم هر شاعر و نقش آثار خلاقه آنها در این جریان مشخص شود.

سمیه ذاکری، با بررسی کتاب «فرهنگ داستان‌های عاشقانه در





و جشنواره‌هایی در این راستا برگزار شود تا شاهد گسترش کتابخوانی در میان جوانان باشیم.

دکتر سیاوشی شاه عنایتی افزود: از اینکه با چهره فرهیخته‌ای مثل خانم دکتر کراچی آشنا شدم بسیار خوشحالم و امیدوارم این تلاش‌ها تداوم پیدا کند و ما شاهد گسترش کتابخوانی در بین جوانان مان باشیم.

در خاتمه مراسم دکتر یوسف محمدنژادعالی‌زمینی رئیس گروه ادبیات پژوهشگاه از تک‌تک میهمانان تشکر کرد و گفت: پژوهشگاه از چنین نشست‌های فرهنگی و علمی استقبال می‌کند.

کتابخوان عنوان نشست‌هایی است که با هدف به اشتراک‌گذاری کتاب‌های خوانده شده و با هدف ترویج و تبلیغ مطالعه در قالب معرفی کتاب برگزار می‌شود.

شرکت‌کنندگان در این نشست‌ها در مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه کتاب‌های خوانده و یا نوشته شده خود را برای دیگران معرفی و یا به عبارتی به اشتراک می‌گذارند. افق نشست کتابخوان، توسعه رفتار مدنی رشديافته و رشددهنده در سراسر کشور، حتی روستاهای دور دست و جمع‌های کوچک خانوادگی است تا به مرور به درونی شدن عادت مطالعه منجر شود. در خاتمه نشست نیز از فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی دکتر کراچی تجلیل به عمل آمد.



برگزاری نشست «گفتارهایی در باب دفاع مقدس»

ایجاد مؤسسات جدید تمدنی می‌کند و در واقع یکی از آرزوهای ناصرالدین شاه این بود که تهران تبدیل به پاریس شود.

فاضلی با اشاره به اینکه ذهنیت ناصرالدین شاه فضایی را برای تولد شهر در ایران ایجاد کرد، یادآور شد: از سال ۱۳۳۲ به بعد رشد سریع شهرنشینی را شاهد هستیم تا امروز که جمعیت روستایی ما حدود ۲۵ درصد جمعیت است. در جریان انقلاب مشروطیت، یک گروه اجتماعی «بود» داشتند اما «نمود» نداشتند. این گروه همین جمعیت روستایی و عشایری بود که شاید به تعبیر گفتمان رسمی اول انقلاب در وضعیت ناشناخته قرار داشتند. این‌ها فرصت بازنمایی نداشتند و صدایشان شنیده نمی‌شد و بنابراین در حوزه عمومی و گفتمان جامعه حضور نداشتند. در فیلم‌هایی که قبل از انقلاب ساخته می‌شد جایی که آن طبقه ظهور پیدا می‌کرد و نمایی که از گروه حاشیه‌نشین شهری نشان می‌داد، به عنوان یک گروه اجتماعی که حق حیات و زندگی اجتماعی دارند نبود و بلکه یک نمای الواتی بود.

دکتر فاضلی اظهار داشت: آرمانی که در انقلاب مورد توجه قرار گرفت معرف همه این گروه‌های بی‌نام و نشان در جامعه بود. اینها باید جایی فرهنگ و شیوه زندگی و ارزش‌ها و چیزی که با آن زندگی کرده بودند را نشان می‌دادند. انقلاب این زمینه را فراهم کرد و جنگ فرصتی بود تا این گروه‌های بی‌نام و نشان مجال سوژگی پیدا کنند. پس اینجا ناشناخته بودن فقط مسئله نیست بلکه

عاملیت، مشارکت، فاعل بودن و خود را دیدن و نشان دادن و شنیده شدن است که مجال و فرصت پیدا کردند.

وی در ادامه گفت: جنگ مجالی بود که من خودم به عنوان یک بسیجی این تجربه را داشتم که هم دانشجو باشم و هم در جنگ از نزدیک این نکته را مشاهده کنم. همه ما در جنگ فرصت پیدا کردیم که دیده شویم و ساختار سیاسی به خاطر وضعیت جنگ به ما نیاز داشت و به خاطر گفتمان خاص هم به ما مشروعیت می‌دادند. در نتیجه ما فرصت سوژگی پیدا کردیم. از اینجا است که وقتی جنگ را بررسی می‌کنیم در واقع نوعی تحول فرهنگی و سوژگی یافتن گروه‌های بی‌نام و نشان و عاملیت فاعلیت روستایی‌ها و حاشیه‌نشین‌ها و گروه‌هایی که باورها، آیین و مذهبشان براساس ساختار پیشین بود می‌بینیم که اینها همه فرصت پیدا کردند که مهر مشروعیت بر هستی و بود خود بزنند.



پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل با همکاری بسیج اساتید و کارکنان سلسله نشست‌هایی با عنوان «گفتارهایی در باب دفاع مقدس» برگزار کرد. در زیر گزارشی از این نشست‌ها آمده است:

دفاع مقدس و تاریخ فرهنگی

تحول فرهنگی گروه‌های بی‌نام در جنگ / چه گروه‌هایی از جنگ استقبال می‌کنند؟

دفاع مقدس و تاریخ فرهنگی عنوان سخنرانی دکتر نعمت‌الله فاضلی استاد جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است، وی در شروع سخنان خود اعلام کرد بحث ایشان فلسفی و تأملی برای فهمیدن جنگ به مثابه یک رخداد و واقعه است. وی ادامه داد که تحلیلی که راجع به جنگ ارائه می‌کنند در چارچوب رویکرد هستی‌شناسی آلن بدیو ریاضی‌دان و فیلسوف فرانسوی است که در این پنج - شش سال اخیر برخی مباحثش به فارسی ترجمه شده است.

فاضلی با اشاره به اینکه به نظر بدیو، فیلسوفان معاصر از فهم هستی‌شناسانه وجود عاجز بودند، یادآور شد: بدیو به لحاظ آنتولوژیک یک خلایق در بحث فلسفه می‌دید بدین صورت که وی معتقد است رویکردی که جهان واقعی را در نظر می‌گیرد نمی‌تواند بر مبنای زبان استوار

باشد، بلکه باید یک حقیقتی فراتر از این سرگشتی و نسی‌گرایی مطلق در فلسفه‌های معاصر وجود داشته باشد.

فاضلی اظهار داشت: شاید عجیب باشد که او در این قرن از اعتقادش به حقیقت صحبت می‌کند و اینکه اندیشیدن در نهایت باید منجر به بیان یک حقیقت بشود. وضعیت، یک مفهوم خیلی خاصی در هستی‌شناسی بدیو است او توضیح می‌دهد که ما وضعیت‌های مختلف تاریخی، طبیعی و خنثی داریم و این وضعیت‌های تاریخی با طبیعی متفاوت است.

وی در موضوع جنگ گفت: تاریخ معاصر ما را اگر از ۱۲۷۵ هجری مورد توجه قرار دهیم اتفاقی که می‌افتد این است که به تدریج یک گروه و طبقه اجتماعی شهری امکان ظهور و بروز پیدا می‌کند، تلاشی که ناصرالدین شاه انجام می‌دهد تا تهران را به دارالخلافه ناصری تبدیل کند و به تدریج شروع به



فاضلی گفت: من کاری به خوانش‌های پس از جنگ ندارم بلکه این را در خود واقعه جنگ مطرح می‌کنم. لحظه‌ای که جنگ شروع شد و گروه‌هایی که جانفشانی کردند جانشان را دادند برای اینکه یک حقیقت را آشکار کنند و آن اینکه وفاداری از عهده همین گروه‌ها به وجود آمد. برای همین هم هست که وقتی جنگ تمام می‌شود اینها ممکن است به گروه‌های متفاوت و منتقد و معترض تبدیل شوند.

دفاع مقدس و فرصت گفتمانی امام خمینی(ره)

حجت‌الاسلام مهدوی‌زادگان عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این نشست با عنوان «دفاع مقدس و فرصت گفتمانی امام خمینی(ره)»، سخنرانی کرد و گفت: در مقابل گفتمان‌های مسلطی که حاکم بر ذهن و فکر افراد جامعه هستند، گفتمان‌های نوظهوری هم وجود دارند که تازه وارد صحنه شده‌اند، این گفتمان‌ها هم می‌خواهند مثل گفتمان‌های حاکم تبدیل به گفتمان مسلط شوند که البته این امر به توانایی بالای نظری و پاسخ‌گویی به مسائل و مباحث مختلف و همچنین فرصت‌های عینی نیازمند است.

گفتمان‌های حاکم همه فضاها را طوری اشغال می‌کنند که امکان نفوذ گفتمان نوظهور نباشد و همچنین با پیدایش هر نوع گفتمان نوظهور هم مخالفت می‌کنند. چرا که آنها را رقیب خود می‌دانند لذا طبیعی است که این گفتمان‌ها اجازه ندهند که نظریات و تفکرات جدید و نوظهور بروز کنند. پس هر گفتمان نوظهور به فرصت‌های عینی به شدت نیاز دارد تا سر فرصت بتواند توانایی‌های خود را نشان دهد.

جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس همان فرصت عینی بود که در اختیار گفتمان انقلاب اسلامی گذاشته شد و گفتمان انقلاب اسلامی هم به خوبی توانست از این فضا استفاده کند. البته اینکه جنگ را به مثابه فرصت عرض می‌کنم معنایش این نیست که گفتمان انقلاب اسلامی این فرصت را ایجاد کرد، بلکه این فرصت ناخواسته بود و انقلاب توانست از این فرصت استفاده کند.

مهدوی‌زادگان با اشاره به اینکه جنگ در دوران جدید ماهیت ایدئولوژیک پیدا کرد و به معنی جنگ در خدمت ایدئولوژی جدید قرار گرفت، یادآور شد: مثلاً در جنگ جهانی دوم مرزهای آلمان همان مرزها بود و چیزی تغییر نکرد، سایر مرزها هم همینطور پس زمین‌ها تغییر نمی‌کرد. اما این نکته مهم بود که جنگ در خدمت اهداف ایدئولوژیک قرار گرفت. یکی از این اهداف عبارت از برداشتن موانع سر راه نحله‌ها و ایدئولوژی‌های مدرن مثل کمونیسم، لیبرالیسم و دموکراسی است. این راه حل هنوز هم ادامه دارد خصوصاً که در جوامع دموکراتیک پدیده جنگ خیلی بیشتر مورد توجه است.



این عضو پژوهشگاه علوم انسانی توضیح داد: انقلاب اسلامی در ایران روی کار آمد و با خود گفتمانی نوظهور را همراه داشت. این گفتمان اولین کاری که کرد نظام سکولار را در ایران سرنگون کرد. بنابراین طبیعی است که عالم سکولار، انقلاب اسلامی را رقیب خود بداند. لذا برای ممانعت از انقلاب اسلامی می‌بینیم که طبق معمول از همان راه حل جنگ استفاده می‌کند.

وی با بیان اینکه انتخاب گزینه جنگ برای یک گفتمان نوظهوری مثل انقلاب اسلامی ریسک بزرگی محسوب می‌شد، توضیح داد: گفتمان انقلاب اساساً در آن دوره ناشناخته بوده و این گفتمان هم توانایی بسیج عمومی فوق‌العاده‌ای هم دارد، دقیقاً همین عوامل است که راه حل جنگ را برای دشمنان این گفتمان، تبدیل به ریسک می‌کند.

مهدوی‌زادگان اظهار داشت: در نهایت همین جنگ توانست فرصتی برای گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی(ره) پدید بیاورد تا بتواند در طول مدت هشت ساله جنگ، تمام حرف‌ها و مسائل، مبانی و تحلیل‌ها و تبیین‌های خود از جهان را در این فرصت ارائه کند.

وی دربارهٔ جنبهٔ فرصت‌گونه جنگ برای گفتمان انقلاب گفت: گفتمان‌هایی که قبلاً در ایران رایج بودند به یک باره به خاموشی گراییدند. نه اینکه با زور نیزه و قدرت کنار بروند بلکه به دلیل اینکه این نوع گفتمان‌ها توانستند در فضای جنگ ظهور و بروز داشته باشند. کما اینکه قبل از پیروزی انقلاب هم که بخشی از خاک ایران را که کشور بحرین باشد از دست دادیم، درحالی‌که نه جنگ و نه چیزی مطرح شد و هیچ عکس‌العملی از طرف گفتمان‌های داخلی نشان داده نشد. علت این بود که حاملان تفکر سکولار برای تمام فصول ساخته نشده بودند. جریانات روشنفکری برای فصل جنگ ساخته نشده بودند.

بنابر این جنگ یک خلاء و فرصت گفتمانی را برای امام خمینی(ره) ایجاد کرد و ایشان نه تنها جنگ را اداره کردند بلکه جنگ را از آن مفهوم رایج که همان کشورگشایی و بدست آوردن خاک باشد متفاوت کردند. بسیج عمومی بزرگی بوجود آوردند و از همین طریق نیز بر دشمن پیروز شدند. فضای مساعدی برای گفتمان انقلاب فراهم گردید و در عین حال تعریف متفاوتی از جنگ را ارائه کردند و آن را جنگ فقر و غنا، استضعاف و استکبار دانستند.

دفاع مقدس و بازخوانی انتقادی تاریخ‌نگاری آن

دکتر سیدجواد میری عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نکاتی را در مورد مطالعات و تحلیل علمی جنگ یادآور شد و گفت:



اولین نکته‌ای که درباره دفاع مقدس می‌توان گفت این است که به دلیل نزدیکی تاریخی به جنگ هشت ساله و اینکه هنوز فاصله زمانی لازم را از آن نداریم، دشواری‌های طبیعی برای انجام مطالعات علمی در مورد آن وجود دارد.

نکته دوم منظر راوی است که می‌خواهد درباره دفاع مقدس صحبت کند. کسانی که در حوزه مطالعات مردم‌شناسی صحبت می‌کنند از دو رویکرد کلان نگاه می‌کنند یک نگاه بیرونی و یک نگاه درونی، خود این دو رویکرد متفاوت می‌تواند به انواع مختلف روی روایت‌های ما تأثیر بگذارد.

نکته سوم منظر تاریخ نگاری است، آیا نگاه ما نگاهی مبتنی بر چارچوب تاریخی یا چارچوب معاصر اکنون است. قالب روایت‌های ما از دفاع مقدس امروز متأثر از نگاه‌های کنونی است و آسیب‌های ناشی از آن نگاه این است که ما نمی‌توانیم جنگ را در ظرف خود ببینیم و این خودش باعث می‌شود که ما دچار نگاه‌های اسطوره‌ای می‌شویم.

نکته بعدی این است که آیا روایت از دفاع مقدس برای تثبیت نظام است یا برای بسط تجربه جامعه‌ای؟ فرق این دو رویکرد این است که در اولین نگاه حاکمیت به دنبال پیاده نظام می‌گردد و سوژه تبدیل به سربازی می‌شود که هر آن باید آماده شرکت در پروژه‌های نظام باشد. حال آنکه در دومین نگاه سوژه خود عاملیت به عنوان شهروند دارد و نظام در خدمت اوست و او به عنوان شهروند قدرت مشارکت دارد. پس دفاع مقدس نمادی از مشارکت سوژه ایرانی با تمام قوا و نه نمادی از شرکت ایرانیان در جنگ است.

نکته دیگر این است که مقایسه‌ای در مورد تجربه جنگ در بستر ایران معاصر و مشخصاً نظام اسلامی با روایت‌هایی صورت گیرد که در اتحاد جماهیر شوروی و مشخصاً جنگ جهانی دوم و روایت‌های لیبرالیستی از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد. در آن دو روایت دستگاه حاکمه، روایت‌هایی را به جامعه تزریق می‌کرد تا رقبای سیاسی داخل و نظام‌های رقیب نابود شوند. هنوز هم فیلم‌ها و روایت‌های مستند جنگی طوری نشان می‌دهد که به سرکوب گفتمان‌هایی که تهدید نظام حاکم باشد، برسد. پس ما باید به این شیوه روایت‌ها آگاهی داشته باشیم تا به موجب آن از روایت‌های نادرست دور شویم.

میری اظهار داشت: نکته دیگر اینکه اگر ما سعی می‌کنیم برای دفاع مقدس ذاتی قائل شویم و آن را تقدیس کنیم به زبان دیگر جوهری و ذات انگاری کردن امکان گفت‌وگو، چانه زنی، خطا و فرم‌های مختلف انسان بودن را در روایت سوژه ایرانی از دفاع مقدس خواهد گرفت و تقدیس انگاری فضایی ایجاد می‌کند که ورود اصحاب جامعه شناسی با نگاه غیر تقدیس انگارانه به موضوع دشوار می‌شود.

وی در پایان افزود که باید نگاهی به دانشگاه‌ها بیاندازیم و ببینیم موضوع دفاع مقدس چقدر درونی شده و چقدر اصحاب دانشگاهی ما به این حوزه ورود پیدا کردند و علت ورود کردن یا نکردن آن‌ها چیست.



«تفسیر سیاسی قرآن کریم از دیدگاه امام خمینی(ره)»

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل، نشست علمی «تفسیر سیاسی قرآن کریم از دیدگاه امام خمینی(ره)» را با سخنرانی حجت‌الاسلام مهدوی‌زادگان، عضو هیأت علمی پژوهشگاه در تاریخ بیست و هفتم مهر ماه برگزار کرد. خلاصه‌ای از مباحث طرح شده به شرح زیر است.

الف - مرجعیت قرآن کریم

۱. منزلت قرآن کریم

کتاب معرفت الله و تربیت انسان است. شرافت و عظمت قرآن به متکلم و کاتب، مطالب و مقاصد، واسطه ایصال (جبریل امین)، مرسل الیه و متحمل، حافظ وحی (ذات مقدس اله)، عظمت زمان نزول وحی (لیله القدر) است.

۲. مرجعیت تام قرآن کریم

کتاب جامع تمام معارف و کمالات است، نسبت اجتماعیات قرآن کریم با عبادات، نسبت صد به یک است، بیان گر سعادت دنیا و آخرت، کتاب همه اعصار است. زیرا خدا محیط بر همه اعصار است. واسطه اتصال معنویت به مادیت است. کتاب حکومت است. دعوت‌گر به اجتماع و سیاست و حکومت است.

ب - تفسیر قرآن کریم

۱. تفسیر از ماده «فسر» مقلوب سفر و به معنای بیان و کشف است، «اسفر الصبح» یعنی صبح روشن شد. فهم آشکار ساز معنای متن است.

۲. تفسیر به حسب ذوق و گرایش مفسر یا مسایل، انواعی دارد؛ تفسیر ادبی، کلامی، فقهی (آیات الاحکام، عرفانی و تفسیر سیاسی و اجتماعی)

۳. تفسیر سیاسی نوعی فهم جامعه و سیاست بر مبنای آیات قرآن کریم است. یا فهم قرآن در متن جامعه و سیاست است.

۴. تفسیر سیاسی به روش تاویل عمل نمی‌کند بلکه مبتنی بر روش تبیین و تطبیق است. لذا با تفسیر عرفانی متفاوت است.

۵. امام خمینی(ره) بر تفاسیر موجود دو نقد اساسی دارد: اول، تفسیر را بیان اسباب نزول نمی‌داند بلکه تفسیر بیان مقاصد آیات است. دوم، یک بعدی بودن تفاسیر و مغفول ماندن جنبه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن کریم. در این میان تفسیر عرفانی علی‌رغم ارزشی که دارند، مانع فهم اجتماعیات قرآن کریم شده است. در تفاسیر عرفانی ظواهر الفاظ مثل جهاد، اعتصام به حبل‌الله، قیام لله، مهاجرت، قتال و جمع عده و عده و مانند آن به امور مربوط به نفس و معنویت تاویل می‌رود. بدین ترتیب، قرآن کریم گرفتار مهجوریت سیاسی شده است.

ج - گزیده تفسیره سیاسی امام

۱. مهجوریت قرآن کریم

(مراتب مهجوریت، نفی مرجعیت، مهجوریت سیاسی)
وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا. (فرقان: ۳۰)

امام خمینی(ره) مهجوریت قرآن کریم را مسأله مهمی می‌داند. مهجور ماندن قرآن کریم یعنی کنار گذاشتن آن است. حجاب‌های زیادی است که میان انسان و قرآن کریم فاصله می‌اندازد و در نتیجه قرآن کریم مهجور می‌ماند و از متن زندگی کنار گذاشته می‌شود. هر یک از این حجاب‌ها، مرتبه‌ای از مهجوریت قرآن کریم است. بنابراین، مهجوریت قرآن کریم مراتب بسیاری دارد. به عقیده امام خمینی(ره) یکی از مراتب مهجور ماندن قرآن کریم، عقاید باطله است. ایشان به موضوع لقاءالله و معرفه‌الله مثال می‌زنند که آیات و روایات زیادی در بیان لقاءالله و معرفه‌الله وجود دارد. با وصف این، گروهی

براین عقیده باطل‌اند که راه معرفت‌الله و لقاءالله مسدود است و ما نباید در این باره بیاندیشیم. وارد شدن در این میدان را غیرجایز می‌دانند.

امام خمینی(ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مرتبه دیگری از مهجوریت قرآن کریم اشاره کرده است و آن مهجوریت قرآن کریم در عرصه سیاست است. امروزه قرآن کریم در میدان سیاست، در میان مسلمانان مرجعیت ندارد. در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که مربوط به حوزه سیاست است ولی مردم توجهی به این آیات ندارند. امام خمینی(ره) به آیه شریفه: «لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶). اشاره کرده است: «از مسایل مهم سیاسی قرآن، دعوت به وحدت و منع از اختلاف است» اگر وضع این دو اصل اسلامی - قرآنی را در میان مسلمانان بررسی کنید، متوجه خواهیم شد که وضع خوبی ندارند، یعنی قرآن کریم مرجع عمل سیاسی مسلمانان نیست: «اگر طاعت از آن [در اصل قرآن] بکنند، تمام مشکلات مسلمین حل می‌شود، و اگر طاعت نکنند، فشل می‌شوند و رنگ و بویشان از بین می‌رود».

۲. کتاب سلحشوری

(بسج یکپارچه در جنگ (کافه)، جنگ در رأس امور)
وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً. (توبه: ۳۶)

امام خمینی(ره) با الهام از این آیه شریفه توصیف جالبی از قرآن کریم کرده است. به تعبیر ایشان: «قرآن یک کتاب سلحشوری است، قرآن یک کتاب جنگجویی است در مقابل مشرکین؛ مشرکینی که قدرتمند بودند» (همان: ۳۸۵). قرآن کریم در این آیه شریفه تمام قد مقابل مشرکین ایستاده است و همه مسلمانان را برای جنگ با مشرکین فراخوانده است. همانطور که

مشرکین همگی با شما جنگ کردند. قید «کافه» دلالت بر اهتمام یکپارچه قرآن کریم در جنگ با مشرکین دارد. این چنین نیست که گروهی به جنگ با مشرکین مشغول شوند و باقی مردم به کارهای روزمره خود ادامه دهند و جنگ بخشی از زندگی مردم باشد و نه تمام زندگی. قرآن کریم این چنین نیست. همگی باید در جنگ با مشرکین و دشمنان سرسخت خداوند، مشارکت کنند. همه باید زندگی روزمره خود را بر اساس جنگ با مشرکین تنظیم کنند. زیرا مشرکین در جنگ با مسلمانان اینگونه عمل می‌کنند. آنان با تمام قوا علیه مسلمانان بسیج شده‌اند و همه مشرکین وارد کارزار جنگ شده‌اند. امام خمینی(ره) می‌فرماید: «مشرکین در آن وقت همان قدرتمندها بودند؛ مشرکین قریش، همه قدرت دست آنها بود». پس وقتی مشرکین تمام قد و یکپارچه علیه مسلمانان وارد کارزار شده‌اند؛ دلیلی ندارد وظیفه جنگ با مشرکین به گروهی از رزمندگان واگذار شود بلکه باید همه مسلمانان در جنگ مشارکت کنند. این گونه است که امام خمینی(ره) در این آیه شریفه چنین استفاده می‌کند که قرآن کتاب سلحشوری و کتاب جنگجویی است». ایشان بر همین اساس بود که همواره در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷ ش) می‌فرمودند: «جنگ در رأس امور است». وقتی دشمن تمام قد وارد کارزار شده است؛ ملت هم باید یکپارچه در جنگ با دشمن بسیج شود و جنگ را در رأس امور خود بداند. امام خمینی(ره) چنین رویکردی را «سلحشوری» خوانده است. سلحشور کسی است که تمام قد وارد کارزار جنگ با دشمن می‌شود.

۳. یوم الله

(ادبیات سیاسی سکولار، روز ملی، حاکمیت ملی، حاکمیت الله، روز خدا، بازگشت از روز طاغوت، بزرگداشت یوم الله)
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ. (ابراهیم: ۵) وَاژه «یوم الله» از جمله واژگان قرآنی

است که امام خمینی(ره) آن را وارد ادبیات سیاسی ایران کرد. تا پیش از ایشان چنین استعمالی در ادبیات سیاسی وجود نداشت. مردم با واژه «روز ملی» آشنا بودند. روز ملی، روزی است که در آن حاکمیت و اراده ملت تجلی می‌کند. به عبارت دیگر، روز ملی، تجلی اراده سیاسی مردم است. اصولاً تصور این که خداوند هم حاکمیت سیاسی است تا این حاکمیت در روز خاصی تجلی کند؛ وجود نداشت، سلطه ایدئولوژی‌های سکولار بر همگان قبولانده بود که خداوند حاکمیت سیاسی ندارد و در نتیجه نمی‌توان از روزی یاد کرد که حاکمیت سیاسی خدا در آن روز تجلی کرده است. بنابراین، اگر در قرآن کریم ذکری از «یوم الله» به میان آمده است؛ این اصطلاح قرآنی از اساس غیر سیاسی است و انصراف از معنای حاکمیت سیاسی دارد. اما امام خمینی(ره) این معنا را احیاء کرد. «یوم الله» واژه سیاسی قرآن کریم است و باید قبل از هر معنایی، در معنای حاکمیت سیاسی الله استعمال شود. باید ملت انقلابی ایران ایام الله را به یاد آورد. یاد ایام الله، انسان ساز و سرمشق پربرکت است:

حوادث بزرگ تاریخ ایران که قرآن مجید هم از بعضی آنها یاد کرده است. سرمشقی پربرکت برای ساختن جامعه‌ها و اشخاص و جامعه عصر ما که عصر انقلاب است و در کشور ایران که کشور انقلاب و شاهد بسیاری از حوادث بزرگ است که باید آنها را ایام الله محسوب کنیم.

امام خمینی(ره) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید که حضرت موسی علیه السلام دو مأموریت داشت. مأموریت اول آن است که قومش را از ظلمت خارج کند و آنها را وارد نور کند. ظلمت هر آن چیزی است که خلاف مسیر انسانیت و مسیر ملت است. طاغوت، خلاف مسیر انسانیت و مسیر ملت است. جهت مسیر انسانی، طاغوت نیست. قرار بر این نیست که انسان در نهایت طغیان‌گر شود. مسیر انسانیت، اظهار بندگی برابر خداوند سبحان است. چنان که مسیر ملت هم این نیست که

بندگی طاغوت را کند. ملت‌ها به غلط در جهت طاغوت حرکت می‌کنند. طاغوت ظلمت و تاریکی است. پس، انبیاء و از جمله موسی علیه السلام مأموریت دارند که مسیر ملت‌ها را اصلاح کنند و آنان را از تاریکی به سمت نور حرکت دهند. اما، مأموریت دوم حضرت موسی علیه السلام یادآوری و تذکر ایام الله است. آن روزی که مردم از ظلمت و تاریکی خارج شدند و وارد نور شدند، آن روز نباید فراموش شود. امام خمینی(ره) در این گفتار به مواردی که از ایام الله در صدر اسلام اشاره کرده است: «روزی که پیغمبر اکرم هجرت کردند به مدینه. آن روز «یوم الله» است. روزی که مکه را فتح کردند، «یوم الله» است. یوم قدرت نمایی خداست که یک یتیم را که همه رفض کرده بودند، نمی‌توانست زندگی بکند تو وطن خودش، تو خانه خودش، بعد از چندی فتح مکه به دست او شد؛ و آن قلدورها و آن ثروتمندها و آن قدرتمندها همه در تحت سیطره او واقع شد، و فرمود: اُنْتُم الطُّلُقَاءُ دیگر آزادتان کردم، بروید؛ این «یوم الله» است.

امام خمینی(ره) حوادث تاریخی انقلاب اسلامی را مانند ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ و شبی که توطئه کودتا نوزده (۱۳۵۹) خنثی می‌شود؛ تمام این موارد را «یوم الله» می‌خواند. در این روزها و شب‌ها، مردم اراده کردند از ظلمت خارج شوند و به سوی نور حرکت کنند. وقتی جوان ایرانی از عشرت کده‌ها که محل تاریکی و ظلمت است، خارج می‌شود و وارد میدان جنگ می‌شود؛ این روز، یوم الله است. و وقتی که امام خمینی(ره) این ایام را برای ملت ایران یادآوری می‌کنند، در واقع به مأموریت قرآنی دوم عمل کرده است: «باید متذکر باشید، باید یادآوری کنید این «ایام الله» را چنان که کردید. از یاد نباید برود این «ایام الله» برای این که آدم سازند. این ایام است که جوان‌های ما را از عشرتکده‌ها بیرون می‌آورد، به میدان جنگ می‌برد. این ایام الهی است که ملت ما را بیدار می‌کند، و بیدار کرد».



«آسیب‌شناسی متون درسی رشته زبان و ادبیات فارسی»

دانشگاه نیشابور، و پدیدار شدن بارقه امید و احتراز پرچم علم و دانش در این شهر، امید است پیشرفت به این دیار باز گردد. اگرچه ارتقاء و اعتلای دانشگاه نیشابور نیازمند به حمایت بیشتری از سوی مسئولان وزارتی و مسئولان ستادی است؛ که درخواست داریم حمایت خود را در این خصوص دریغ نکنند.

دکتر قبادی، حضور فرهیختگان و دانشمندان حوزه علوم انسانی در این نشست را بی نظیر دانست. همچنین مسئله‌مند پیش رفتن مباحث مورد نقد و بررسی در این محفل را یکی دیگر از ویژگی‌های مورد اهمیت آن برشمرد. وی در خصوص اهمیت این نشست گفت: مسئولان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شورای گسترش آموزش عالی، جهت بهره‌مند شدن از نتایج این نشست و کاربردی کردن آنها اعلام آمادگی کرده‌اند.

وی در پایان سخنان خود به تاریخچه ۵۰ ساله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اشاره کوتاهی کرد و توضیحاتی در خصوص تدوین برنامه توسعه در شورای بررسی متون ارائه کرد. ایشان تشکیل شبکه نخبگان علوم انسانی سراسر کشور را به عنوان بخشی از این برنامه معرفی کرد. دکتر قبادی همکاری مستمر فرهیختگان و فعالان این حوزه را با پژوهشگاه خواستار شدند.

در ادامه دکتر سیده مریم عاملی رضایی رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون، با تشکر از مسئولین دانشگاه نیشابور به جهت پذیرفتن میزبانی این نشست، ضمن معرفی گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون گزارشی از عملکرد و فعالیت‌های گروه از ابتدای تأسیس تاکنون بیان نمودند.

دکتر امن‌خانی دبیر علمی همایش، درباره برگزاری همایش توضیحاتی دادند؛ ایشان با تأکید بر این نکته که یکی از اهداف و وظایف شورای بررسی متون نقد و ارزیابی درس‌نامه‌ها می‌باشد، همایش مذکور را همایشی کاملاً هدفمند و در راستای وظایف این شورا دانست. دکتر امن‌خانی در ادامه از چگونگی انتخاب سخنرانان و استادان دعوت شده برای نشست پایانی نیز سخن گفت.

گزارش نشست تخصصی اول (آسیب‌شناسی درس‌نامه‌های نظری)

دکتر انوشیروانی عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شیراز و عضو وابسته زبان و ادب فارسی در پنتل تخصصی آسیب‌شناسی درس‌نامه‌های نظری، با موضوع آسیب‌شناسی درس‌نامه‌های ادبیات تطبیقی سخنرانی کرد. دکتر انوشیروانی در سخنان خود علمی نشدن روش آموزش در گرایش ادبیات تطبیقی را یکی از دلایل پا نگرفتن آن در ایران برشمرد. به اعتقاد دکتر انوشیروانی ادبیات تطبیقی یک رشته است نه گرایش و باید در چهارچوب قوانین خاص قرار بگیرد. وی گرایش را به معنای تخصص دانست و گفت: ادبیات تطبیقی در زیر شاخه‌های ادبیات فارسی نمی‌تواند به عنوان یک گرایش در نظر گرفته شود. ایشان

گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با مشارکت دانشگاه نیشابور نشست تخصصی آسیب‌شناسی متون درسی رشته زبان و ادبیات فارسی را با هدف نقد و بررسی کتب و متون این رشته تحصیلی برپا کرد تا از این طریق شرایط لازم برای بهبود کمی و کیفی، علمی و آموزشی منابع درسی را فراهم آورد.

نشست از ساعت ۹ صبح با تلاوت آیات قرآن کریم و سرود جمهوری اسلامی آغاز شد. دکتر قنوات، رئیس دانشگاه، در آغاز



مراسم ضمن عرض خیرمقدم به میهمانان از برپایی این نشست به همت گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون در دانشگاه نیشابور ابراز خرسندی نمود. وی در ادامه، از دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به عنوان یک چهره شاخص در زمینه علوم انسانی یاد کرد و از زحمات ایشان قدردانی نمود.

سپس دکتر قبادی عضو هیأت علمی دانشگاه و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به ایراد سخنرانی پرداخت. وی شادمانی خود را از حضور در نیشابور و در میان فرهیختگان حوزه علوم انسانی، ابراز داشت و افزود: نیشابور نگین فیروزه ای تمدن ایران اسلامی است، استمرار تنفس تمدن در این شهر آن را از محیطی جغرافیایی خارج کرده و به ساحتی تاریخی تبدیل کرده است. با چنین سابقه درخشانی، این شهر از ظرفیت و توان ایفای



نقش در بازآفرینی تمدن گذشته خود برخوردار است. اکنون با وجود

پیش از این درسنامه‌های بلاغت سنتی آسیب‌شناسی شده و پوشش‌هایی هم در رفع کاستی‌های این کتاب‌ها وارد شده است که منتقدین بر اساس نظریه‌های جدید به آن پرداخته‌اند. وی ایرادات درسنامه‌های بلاغی را تدوین درسنامه‌ها بر اساس بلاغت عربی، غفلت از بافت، نوشتارمحوری و عدم توجه به نثر برشمرده و سه آسیب کلی در کاربرد نظریه‌های جدید را روی آوردن به برخی نظریه‌ها به خاطر شباهت ظاهری، در نظر گرفتن ادبیات به عنوان حوزه‌ای مستقل و غفلت از کارکرد صناعات بلاغی، نام برد.



گزارش نشست تخصصی دوم (آسیب‌شناسی درسنامه‌های متن‌محور)

دکتر یآوری، رئیس دانشکده علوم انسانی و عضو هیأت علمی دانشگاه نیشابور در پنل تخصصی آسیب‌شناسی درسنامه‌های متن‌محور در خصوص آسیب‌شناسی درسنامه‌های متون تاریخی-ادبی سخنرانی کرد. دکتر یآوری در سخنرانی خود با نگاه به سر فصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به بررسی و نقد درسنامه‌ها پرداخت. وی در این باره گفت: در سر فصل مصوب سال ۱۳۶۶ دو واحد درسی با عنوان تاریخ بیهقی و دو واحد درسی با عنوان تاریخ بلعمی و سفرنامه داریم که بعداً حذف شد، در سر فصل جدید مربوط به سال ۱۳۹۱ نگاه به متون ادبی تاریخی تغییر یافته است. به جز متون نثر ۱ که به تاریخ بیهقی و سه اثر دیگر اختصاص یافته، در درس متون منتخب نثر ادبی-تاریخی به چندین متن تاریخی دیگر هم می‌توان پرداخت.

دکتر یآوری گزیده‌هایی مربوط به تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشا را مورد بررسی قرار داد و به طور کلی تشریح کرد: بیان شیفته‌وار برخی از مؤلفین از جمله اشکالاتی است که در این متون می‌بینیم. ایراد دیگری که وجود دارد این است که در مقدمه‌های بخش عمده این کتاب‌ها علاوه بر برخی سهل‌انگاری‌ها، چندان خبری از پژوهش‌های به روز و نو مطابق پیش‌بینی سرفصل قدیم و تازه نیست. از نظر توضیحات نیز، در برخی این متون به توضیح واضح‌تر پرداخته شده است که شایسته مطرح شدن در سطح دانشگاه نمی‌باشد و به یکی دو مورد از درسنامه‌ها نیز اغلاط فراوانی راه یافته است.

دکتر فاطمه مجیدی، عضو هیأت علمی دانشگاه نیشابور، به موضوع آسیب‌شناسی درسنامه‌های عرفانی با تکیه بر مثنوی‌های عطار نیشابوری پرداخت. وی به تصحیح دکتر شفیعی کدکنی به

در ادامه افزود: رشته ادبیات تطبیقی یک فلسفه جدید در مطالعات ادبی است بنابراین نمی‌تواند زیر شاخه هیچ ادبیاتی قرار بگیرد. ادبیات تطبیقی قلمرو جدیدی در مطالعات ادبی است که در ایران به بررسی تأثیر ادبی به صورت سطحی و کم‌مایه محدود شده است. دکتر محمود فتوحی، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، در بخش دیگری از این پنل به موضوع مبانی نظری سبک‌شناسی جدید پرداخت. دکتر فتوحی در ابتدای سخنان خود به تاریخچه ۶۰ ساله علم سبک‌شناسی اشاره کرد. سپس ۶ نقص درسنامه‌های سبک‌شناسی را به این ترتیب مطرح کرد: تاریخ تطوّر سبک‌ها به جای فنّ سبک‌شناسی، نامگذاری ناموجه سبک‌ها، حذف بافتارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، حذف مسأله ژانر و سبک، گرفتاری در سبک دوره‌ای و حذف سبک‌شناسی شخصی و محتوای بی‌اعتبار درسنامه‌ها. در ادامه دکتر فتوحی در شرح نقص نخست بیان داشت: در کلاس‌های آموزشی، مطالب درس تاریخ ادبیات و یافته‌های دیگران بدون سنجش صحت آن‌ها تکرار می‌شود. همچنین پرسش‌های دانشنامه‌ای بر پرسش‌های تحلیلی و خلاق غلبه دارد. از دیگر پیامدهای این نقص، انزوای سبک‌شناسی و انفعالی شدن آن است. سبک‌شناسی در واقع یک مهارت است اما در این رشته چنین مهارتی به دانشجوی آموزش داده نمی‌شود. دکتر فتوحی دو درس تحلیل سبک ادبی و سبک‌ورزی را به عنوان دو درس جایگزین معرفی کرد. ایشان در پایان، تطوّر سبک‌شناسی را از سال ۱۳۲۰ تا کنون معرفی کرد و نمای تاریخی سبک‌های شعر فارسی را در تصویری به نمایش درآورد.

دکتر قاسمی پور، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز در بخش سوم پنل تخصصی آسیب‌شناسی درسنامه‌های نظری، بررسی آسیب‌شناسی درسنامه‌های نقد ادبی را مورد بررسی قرار داد.

دکتر قاسمی پور معضلات موجود در این کتاب‌ها را ایراد در روش شناسی، تحلیل‌ها و فهم آن‌ها برشمرده. یکی از مشکلات بدفهمی، تمایز نقد ادبی و نظریه‌های ادبی است. هم‌چنین کم‌توجهی به ادبیات معاصر و بی‌توجهی به ادبیات داستانی از جمله این موارد است. وی افزود: کتاب‌های نقد ادبی باید تعریفی از نقد ادبی ارائه بدهند. نقد ادبی یکی از شاخصه‌های ارزش‌گذاری است ولی هیچ ارزش‌گذاری‌ای در این کتاب‌ها موسوم به نقد ادبی وجود ندارد بلکه بیشتر با نظریه‌های ادبی رو به رو هستیم. بنابراین یا باید عنوان این کتاب‌ها عوض شود یا به این ارزش‌گذاری‌ها توجه بیشتری شود. دکتر قاسمی پور، فهم نادرست مؤلفان از نظریه‌ها، بی‌ارتباطی بین مقدمه‌های این کتاب‌ها با مباحث مندرج در آن و درون‌مدار نبودن ارزیابی در متون آنها را از جمله ایرادات دیگر کتاب‌های نقد ادبی برشمرده.

دکتر عمارتی مقدم، دبیر اجرایی همایش و عضو هیأت علمی دانشگاه نیشابور، در بخش دیگری از پنل آسیب‌شناسی درسنامه‌های نظری موضوع کاربرد نظریه‌های مدرن در تدوین درسنامه‌های ادبیات فارسی را مطرح کرد. درسنامه‌های بلاغی در زمره درسنامه‌هایی است که آسیب‌شناسی آن دو دهه قدمت دارد. وی اظهار داشت:



عنوان فتح باب تازه‌ای در زمینه عطارپژوهی اشاره کرد و افزود با وجود اینکه اثر دکتر شفیعی کدکنی بهترین نمونه تصحیح از آثار عطار است، این اثر برای پژوهشگران مناسب است نه دانشجویان. مجیدی همچنین با مقایسه این تصحیح با تصحیح دکتر پورنامداریان و عابدی ارجحیت تصحیح دکتر شفیعی کدکنی را نشان داد. دکتر مجیدی در بخش دوم سخنرانی خود طرحی را برای تدوین درسنامه مثنوی‌های عطار ارائه داد.

دکتر امن‌خانی، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گلستان در بخش دیگری از این پنل به بررسی آسیب‌شناسی درسنامه‌های ادبیات معاصر پرداخت. وی کاستی‌های این درسنامه را به این ترتیب برشمرد:

- ۱- تقلیل مفهوم معاصر بودن به امر زمانی
- ۲- رویکردهای نامناسب پژوهشی
- ۳- نادیده گرفتن اسناد توسط مدرسین و مؤلفین کتاب‌های ادبیات معاصر
- ۴- بی‌توجهی به نقش ایدئولوژی‌های معاصر و تأثیر آنها بر جریان‌های ادبی معاصر



گزارش میزگرد تخصصی عصر: سرفصل‌های جدید دروس رشته زبان و ادبیات فارسی: چالش‌ها و چشم‌اندازها

در میزگرد عصر که با مدیریت دکتر زهرا پارساپور برگزار شد ابتدا ایشان مقدمه‌ای درباره پیشینه فرآیند تغییر در سرفصل‌های درسی ارائه دادند. ایشان خاطر نشان کردند که از دهه هشتاد ضرورت تغییر در واحدها و سرفصل‌های درسی مطرح شد و سپس صورت‌بندی اولیه مسأله و ضرورت تغییر و بایدها و نبایدهای رشته زبان و ادبیات فارسی در همایش دانشگاه علامه طباطبائی مطرح شد. پس از آن، در سال ۱۳۸۹ همایشی در دانشگاه الزهرا برگزار گردید که مسأله بازنگری در واحدهای درسی و ایجاد گرایش به طور جدی‌تری در مرکز توجه قرار گرفت و این ماجرا ادامه یافت تا در سال‌های بعدی به ایجاد و تأسیس گرایش‌ها رسیدیم. ایشان ضمن اشاره به اینکه زیاد بودن و متنوع بودن واحدهای اختیاری دوره کارشناسی در دهه چهل متداول بوده است، «نظارت بر گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها را در کنار گرایشی کردن» یک ضرورت دانستند که شایسته است مورد توجه برنامه ریزان در وزارتخانه قرار گیرد. سخنران بعدی دکتر قدرت‌الله طاهری بود. ایشان هم ضمن اشاره به اینکه از دهه هشتاد تغییر در نظام آموزشی و پژوهشی و گرایشی کردن رشته زبان و ادبیات فارسی در محیط‌های دانشگاهی تبدیل

به گفتمانی جدی شد اما روند اجرایی به گونه‌ای بود که بسیاری از موافقان جدی گرایشی کردن تبدیل به مخالفان جدی آن شدند. سپس گفتند که ده علت فرضی برای چرایی این تغییر موضع و نیز نامناسب بودن فرآیند گرایشی کردن، یافته‌اند که در فرصت کمی که در اختیار دارند، تنها یک مورد را مطرح می‌کنند. آنگاه به ارائه گزارشی از آمار پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در سال جاری تحصیلی دانشگاه‌های دولتی پرداختند. مجموعه سیزده هزار و هشت و صد دانشجوی در مقطع ارشد، و سیصد و هشتاد و سه دانشجو در مقطع دکتری آمار تکان دهنده‌ای بود که همه را متأثر کرد؛ به خصوص که در بسیاری موارد بسامد بالای پذیرش دانشجو در دانشگاه‌هایی بود که اولاً از رنکینگ علمی پایینی برخوردار بودند و ثانیاً امکانات لازم را برای آموزش و پژوهش در اختیار نداشتند. ایشان همچنین به وضعیت اسفبار آینده شغلی فارغ‌التحصیلان رشته زبان و ادبیات فارسی اشاره کرده، مسأله بیکاری این همه فارغ‌التحصیل بیکار را معضلی خطرناک برای آینده کشور به شمار آوردند. ایشان در ادامه افزودند قرار بود پژوهش‌های ما هدف‌مند شود و اصلاً ما با این هدف اقدام به گرایشی کردن رشته زبان و ادبیات فارسی کردیم اما ترتیب و کیفیت تأسیس گرایش‌ها و نیز کیفیت و کمیت پذیرش دانشجویان ما را از هدف اصلی بسیار دور انداخت. انتقاد دیگر ایشان این بود که ما اساساً برای دوره کارشناسی هم برنامه مشخصی نداریم.

سخنران سوم دکتر محمود فتوحی رودمجنی بود. ایشان بحثش را اینگونه آغاز کرد که باید سه مسأله را از هم تفکیک کرد: آموزش، پژوهش و توانایی استادان. ما در هر کدام از این حوزه‌ها مشکلات خاصی داریم. ایشان سپس ادامه دادند اساساً دوره دکتری دوره پژوهش‌محوری است و نباید در این دوره گرایش ایجاد کنیم بلکه باید گرایش‌ها را به دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد محدود کرد. دانشجوی دکتری با یک پروپوزال وارد دکتری شود و مطابق با تشخیص استاد راهنما واحدهایی را در دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی مختلف بگذارند. ایراد دیگر ایشان نبود «کرسی استادی» و «مرجعیت علمی» در گروه‌های آموزشی بود و پیشنهاد می‌کردند که باید کرسی استادی ایجاد شود تا امکان تخصصی شدن مطالعات فراهم گردد. مرجعیت علمی را هم آثار یک استاد و قضاوت‌های صاحب‌نظران درباره او ایجاد می‌کند. نکته دیگری که ایشان مطرح کرد این بود که ما استاد کافی برای ایجاد گرایش‌ها نداریم. تغییر را همه پذیرفته و ضرورت آن را درک می‌کنیم اما توان و امکان ایجاد گرایش را نداریم، چون استاد درس‌های تازه ایجاد شده را نداریم. سپس به تجربه تأسیس رشته ادبیات داستانی در دوره کارشناسی دانشگاه خوارزمی اشاره کردند و اذعان داشتند که پس از سال دوم متوجه شدیم استادی در اختیار نداریم که از توانایی‌های علمی لازم برای تدریس برخوردار باشد. نکته دیگری که ایشان مطرح کرد، غلبه رویکرد تجاری و تولید ثروت در پذیرش دانشجو بود و اینکه دانشگاه‌ها در فکر این هستند که دانشجوی شبانه یا پردیس بین‌الملل بیشتری بگیرند تا ثروت بیشتری برای دانشگاه ایجاد کنند و این نگاه غیر آکادمیک است. همچنین نقد دیگری هم بر دانشگاه‌های نوپا وارد کردند: برای اینکه آنها خودشان را مطرح کنند و ارتقا دهند، رشته و گرایش در دوره‌های تکمیلی را ایجاد می‌کنند،

«معلم فیلسوف» گفتاری درباره شخصیت و منش دکتر کریم مجتهدی

پیش از اینکه در سال ۱۳۸۱ در گروه فلسفه دانشگاه تهران شاگرد دکتر مجتهدی شوم، برخی از کتاب‌های ایشان را مخصوصاً برای آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد خوانده بودم. در دانشگاه فلسفه کانت و هگل را با ایشان گذراندم. دکتر مجتهدی نسبت به حضور و غیاب و سر وقت آمدن به کلاس بسیار حساس بود. اگر بعد از ایشان وارد کلاس می‌شدیم، در صورتی که اجازه ورود می‌داد، حتماً خیلی قاطع گوشزد می‌کرد که «دیگر دیر به کلاس نیا!». در کلاس هم فقط باید پیرامون بحث اصلی فکر می‌کردیم و سؤال می‌پرسیدیم. شوخی و خنده، در کلاس ایشان جایی نداشت. همه اینها به علاوه چشم‌هایی بانفوذ با ابروهایی پرپشت در پس عینکی با قاب سیاه با صدایی خسته و در عین حال محکم، موجب کمی احساس ترس در من می‌شد که قبلاً آن را در کلاس‌های دبستان، مخصوصاً مواقعی که قرار بود معلم از ما درس بپرسد، تجربه کرده بودم. وقتی در سال ۱۳۸۷ دانشجوی دکتری همان گروه فلسفه شدم، دکتر مجتهدی بازنشسته شده بود. دیگر او را ندیدم، تا اینکه به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رفتم. در پژوهشگاه گاه گاهی دکتر را در رستوران می‌دیدم و سر میز ناهار با ایشان هم‌کلام می‌شدم. دکتر مجتهدی دانشگاه تهران با دکتر مجتهدی پژوهشگاه یکی نبود، و این ذهن سازگارگرای مرا وامی‌داشت تا به تصویری منسجم‌تر از ایشان دست یابم. توسط یکی از دوستان با طرح «سیمای فرزندانگان» آشنا شدم و همان ترس قدیمی که اکنون با کنجکاوای همراه شده بود مرا واداشت تا سریعاً پیشنهاد مصاحبه با دکتر مجتهدی را مطرح کنم.

به بهانه این کتاب افتخار پیدا کردم که پانزده ساعت در تابستان و پاییز ۱۳۹۴ با دکتر مجتهدی گفتگو کنم. دکتر مجتهدی، خود، به خوبی در ذهنشان مباحث را در شش فصل و به عبارتی در شش جلسه تقسیم کرده بودند، به این صورت که در جلسه اول به زندگی در تبریز، جلسه دوم به زندگی و تحصیل در تهران، جلسه سوم به دوره مقدماتی و کارشناسی در دانشگاه سوربن، جلسه چهارم به دوره کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه سوربن، جلسه پنجم به دوره تدریس در دانشگاه تهران و جلسه ششم به آثار و نوشته‌های ایشان بپردازیم. جلسات هم تقریباً بر اساس همین الگو پیش رفت. البته در جلساتی سؤالات جدیدی در مورد موضوع پیشین برای من مطرح شده بود یا دکتر لازم می‌دید نکاتی را در تکمیل گفته‌های جلسه قبلی گوشزد کند که این مطالب به فصل مربوط به خود منتقل شده‌اند.

بدون اینکه امکان کافی را در سطح نیروی انسانی و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم و کافی در اختیار داشته باشند. پایان بخش سخنان ایشان بیان این نکته بود که ما درک درستی از آکادمی نداریم، چون استادان ما از دانشگاه‌های بزرگ جهانی، که روح آکادمی بر آنها حاکم است، فارغ‌التحصیل نشده‌اند. سخنران بعدی دکتر علیرضا انوشیروانی بود. ایشان با اشاره به آمار ارائه شده توسط دکتر طاهری وضعیت فوق را تکان دهنده دانسته، آن را به یک سونامی و تراژدی تشبیه کردند. سپس این نکته را پیش کشیدند که در برخی نظام‌های آموزشی جهان دانشجویان در دوره دکتری واحدهای آموزشی دارند و در برخی نظام‌ها ندارند. ایشان هم معتقد بودند که دانشجوی دکتری پیش از ورود به این دوره باید پروپوزال و مسأله تحقیقش روشن باشد. نکته بعدی که ایشان مطرح کردند، فقدان «خودانتقادی» در نظام برنامه‌ریزی کشوری بود. به نظر ایشان، اگر خودانتقادی در بین برنامه ریزان ما متداول شود، آنها به بازبینی برنامه‌های خود پرداخته، کاستی‌ها را برطرف می‌کنند. ایراد دیگر ایشان آن بود که ایجاد برخی گرایش‌ها مبنای علمی ندارد و تحت تأثیر گفتمان‌های غیر آکادمیک انجام گرفته است. ایشان با تخصص گرایی موافق بودند اما اعتقاد داشتند ابتدا باید استاد متخصص تربیت کنیم، سپس دانشجو بگیریم و بر کمبود نیروی متخصص برای تدریس در گرایش‌های موجود تأکید کردند. پیشنهاد دیگر ایشان تدریس به صورت مجازی و استفاده از امکانات اینترنتی و تکنولوژی آموزشی برای آموزش از راه دور (مثل ویدئو کنفرانس) بود که به خصوص برای دانشجویانی که در خارج از ایران هستند، بسیار مناسب است.

پس از این نوبت به دکتر علیرضا نیکویی رسید. ایشان سخنشان را با این مطلب آغاز کردند که برخی گرایش‌ها متدیک نیست و مبنای تقسیم گرایش‌ها در دوره ارشد و دکتری هم ایرادات جدی دارد. نظر ایشان هم بر این بود که در دوره کارشناسی باید بیشتر بر روی گرایش‌ها کار شود. همچنین معتقد بودند که لازم است در ادبیات هم مثل علوم پایه، تعاریفی از دانش‌های پایه ارائه دهیم و آنها را مبنا قرار دهیم تا همه گرایش‌ها بتوانند از آنها استفاده کنند؛ مواردی مثل فیلولوژی و متدلوژی. این دانش‌های پایه ادبی می‌تواند مشکلات گرایش‌ها را حل کند. تفصیل بیشتر پیشنهادشان را به فرصتی دیگری وانهادند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای استادان به قصد تقویت مهارت‌های آنها در زمینه‌های تخصصی مختلف پیشنهاد دیگر ایشان بود. در ادامه ایشان به تجربه گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان اشاره کردند که در تدریس درس‌ها از استادان گروه‌های دیگر کمک می‌گیرند تا بدین ترتیب بخشی از مشکل کمبود استاد متخصص برای گرایش‌های مختلف برطرف شود.

در انتهای مراسم از سخنرانان و اعضای میزگرد از طرف دانشگاه نیشابور، تقدیر و تشکر شد و از طرف ریاست پژوهشگاه نیز نشان و تندیس پژوهشگاه به رسم یادبود به ریاست دانشگاه نیشابور تقدیم گردید. همچنین تفاهم‌نامه همکاری میان پژوهشگاه علوم انسانی و دانشگاه نیشابور به امضای رؤسای هر دو طرف رسید.



آنچه من از این گفتگوها آموختم به اندازهٔ تک تک سطور این کتاب است. اما شاید خوب باشد به چند نکته در مورد شخصیت دکتر مجتهدی، اکنون که به نظرم تصویر کامل تر و سازوارتری از ایشان دارم، اشاره کنم؛ نکاتی که نه از باب تعارفات معمول، بلکه از باب آنچه نسل امروز لازم است از نسل پیشین خود بیاموزد و به آنها توجه داشته باشد، حائز اهمیت اند.

احتمالاً همهٔ کسانی که دوست یا شاگرد دکتر مجتهدی بوده اند تصدیق خواهند کرد که «جدیت» بارزترین ویژگی ایشان است: در

معلمی، پژوهش و تألیف، فلسفه و فرهنگ، یادگیری مداوم و دوستداری حکمت، انجام وظایف خود نسبت به دیگران و غیره. ایشان در این مصاحبه به کرات از این ویژگی با عنوان اینکه «خواستم» و «اراده کردم» یاد می کنند. هم نشینی با ایشان و مطالعهٔ این کتاب چنین روحیه ای را در خواننده برمی انگیزد.

دکتر مجتهدی هیچ گاه ابایی از این نداشته که بگوید معلم فلسفه است. او معلمی را نه تنها کسر شأن خود نمی شمارد، بلکه به آن افتخار هم می کند. در این کتاب خواهیم فهمید که چرا به نظر او معلمی، به خصوص معلمی فلسفه، افتخاری بزرگ است.

دکتر مجتهدی که ما در کلاس های فلسفه شناخته بودیم، فقط به فلسفه، آن هم فلسفه های انتزاعی آلمانی علاقه داشت. در این کتاب با چهره دیگری از دکتر مجتهدی مواجه می شویم که به علت علاقه به ادبیات، به ویژه رمان و نمایشنامه، به سراغ فلسفه رفته است و جالب اینکه این گرایش همچنان در ایشان بیدار است. پرسشی که خواننده هوشمند در حین مطالعهٔ این کتاب باید در پی پاسخ به آن باشد این است که چه نسبتی میان این دو وجه در شخصیت ایشان و در سطح وسیع تر فرهنگی وجود دارد.

در این گفتگوها در چندین موضع نسبت فلسفه و جامعه در ایران و فرانسه مقایسه شده و مورد بحث قرار گرفته است؛ آنجا که دانشجوی فلسفه در فرانسه باید به صورت بسیار جدی جامعه شناسی و روان شناسی بخواند؛ آنجا که نقش و کارکرد استاد و دانشجوی فلسفه در جامعهٔ فرانسه با ایران مقایسه می شود و این تفاوت حتی در امتحانات نهایی دانشگاه تجلی می یابد؛ یا آنجا که از ایدهٔ دانشگاه و نقش فلسفه در این میان سخن می رود و غیره. توجه به این نکات در یافتن راه حلی برای وضع بحرانی ما در علوم انسانی می تواند کارگشا باشد.

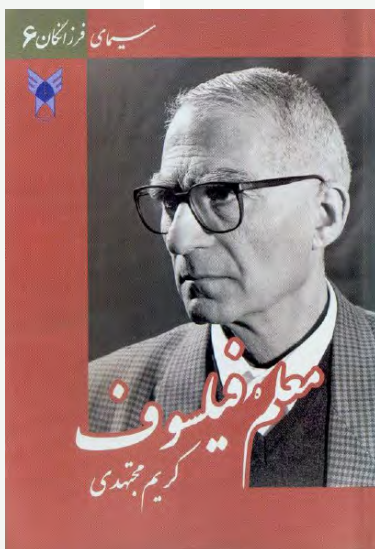
بسیاری از مشکلاتی که دکتر مجتهدی برای تحصیل فلسفه با آنها مواجه بوده همچنان برای علاقمندان این حوزه جدی است. نگاهی به تجربهٔ زیستهٔ ایشان می تواند چراغ راه دانشجویان علوم انسانی، به ویژه فلسفه، باشد.

زندگی دکتر مجتهدی نمونه ای از زندگی یک انسان در حال پژوهش و یادگیری است. دکتر مجتهدی اگرچه مانند هر نویسنده ای به

نوشته های خود علاقمند است، اما آنها را مانند فرزندان خود می بیند که پرورش شان داده و حالا هر کدام سرنوشت مستقلی از او پیدا کرده اند. او هیچ تعصبی نسبت به نوشته های پیشین خود ندارد و به راحتی از نگاه شخص ثالث به آنها می نگرد. اگر در نوشته های گذشته اش مطلبی هست که همچنان ارزش خواندن دارد، سفارش می کند آن را بخوانیم و اگر چیزی نوشته که اکنون اشتباه بودن آن بر او مسجل شده است، صادقانه بیان می کند.

این کتاب گام کوچکی است برای کمک به تصدیق قلبی اینکه اگر بزرگان علم و فرهنگ این دیار را شناسیم، انحطاط و دست کم عقب ماندگی سرنوشت محتوم ما خواهد بود. منظور از بزرگان علم و فرهنگ فقط اندیشمندان قرون چهارم تا هفتم هجری نیست. ما باید بفهمیم که بزرگان همهٔ شاخه های علوم که بسیاری از آنها معاصر ما هستند، عمری به صورت جدی و با زحمات طاقت فرسا در مسیری که ما قصد پیمودن آن را داریم، گام برداشته اند. ما به مرزهای دانش دست نخواهیم یافت، مگر آنکه به حاصل کار کسانی که به مرزهای دانش دست یافته اند، بها دهیم. ایدهٔ «پیشرفت» که از ایده های منسوخ عصر روشنگری است، آن چنان در ذهن بسیاری از دانش پژوهان جوان ما زنده است که گویی اگر استادی به دورهٔ پیری رسیده است، پس آثار و علم او هم قدیمی شده و دیگر به کار ما نمی آید. اگر این کتاب بتواند غلط بودن همین یک نگرش را عیان کند، وظیفهٔ خود را انجام داده است.

روح الله کریمی
زمستان ۹۴



انتصاب

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی دکتر اعظم قاسمی را به سمت «سرپرست گروه پژوهشی فلسفه دین»، دکتر فرانک جهانگرد را به سمت «سرپرست گروه پژوهشی پژوهش های بنیادین» و دکتر یداله رفیعی را به سمت «سرپرست معاونت پژوهشکدهٔ زبان و ادبیات» منصوب کرد.



نشست علمی پژوهشکده حکمت معاصر با جمعی از اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی آمریکا، اروپا و آسیا

پژوهشکده حکمت معاصر، نشست علمی با جمعی از اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی آمریکا، اروپا و آسیا برگزار کرد. در این نشست علمی اساتید مدعو: دکتر کنت عبدالهادی هینرکمپ استاد تمام مطالعات اسلامی از دانشگاه جرجیا آمریکا، دکتر سیلویا کاپودیواکا استادیار فلسفه دانشگاه پا دوا آمریکا، دکتر کریم داگلاس کرو ریاست مرکز اسلامی مالزی، دکتر اسنا حسین دانشگاه دارالسلام و دکتر ویرکت وسیر استاد دانشگاه گوته و سرکارخانم کورین هوئک مردم شناس هلندی، معاونت پژوهشی و امور بین الملل پژوهشگاه و ریاست و اعضای هیأت علمی پژوهشکده حکمت معاصر شرکت داشتند. در ابتدای جلسه دکتر میری به معرفی توانمندی‌ها و فعالیت‌های علمی و پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی پرداخت و آمادگی پژوهشگاه علوم انسانی را جهت انجام هرگونه فعالیت علمی و پژوهشی مشترک با دانشگاه‌ها و مراکز محل فعالیت اساتید مذکور اعلام کرد. سپس میهمانان و اساتید مدعو ضمن معرفی خود و حوزه علائق و فعالیت‌های علمی، پیرامون مطالعات، پژوهش‌ها و همکاری‌های مشترک آینده بحث و گفتگو کردند و در نهایت با دیدار مدعوین از کتابخانه پژوهشگاه و اهدای هدایا این جلسه خاتمه یافت.



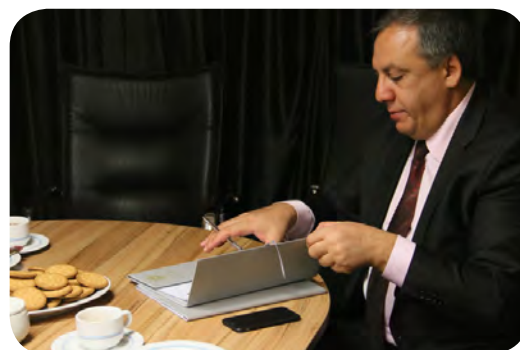
انعقاد تفاهم نامه «علمی-آموزشی» با دانشگاه دولتی روسی-ارمنی (اسلاونی)

فرصت‌های مطالعاتی برای اعضای هیأت علمی و... بر تسریع در اجرایی ساختن این تفاهم‌نامه با تعیین نمایندگان دو طرف تأکید کردند.

یادآور می‌شود پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای تحقق برنامه‌های راهبردی ۵ ساله خود و به منظور معرفی آثار و دستاوردهای مختلف در حوزه علوم انسانی و اسلامی در ایران و در جهت گسترش ارتباطات بین‌المللی با مراکز مختلف علمی در اروپا، آمریکا، آسیای مرکزی و خاورمیانه، تفاهم‌نامه‌های متعددی را منعقد کرده است تا با بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سایر مراکز علمی دنیا، در رسیدن به اهداف و برنامه‌های خود موفق باشد.

روز شنبه مورخ ۱۷ مهر ماه سال ۹۵ تفاهم‌نامه علمی-آموزشی بین دانشگاه دولتی روسی-ارمنی (اسلاونی) و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور آقای پرفسور پارکیو اوتیسیان، قائم مقام دانشگاه روسی-ارمنی، و آقای دکتر سید سجاد علم‌الهدی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه منعقد شد.

در این دیدار طرفین ضمن بررسی راه‌های گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی مشترک در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی از جمله علوم سیاسی، اقتصاد، روابط بین‌الملل و... به‌ویژه اسلام‌شناسی، انتشار آثار مشترک، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی بین‌المللی، رفع موانع جهت استفاده از



نشست تخصصی به مناسبت روز جهانی کودک با عنوان

«نگاهی به نقدهای وارد بر برنامه فلسفه برای کودکان در ایران»

این استاد فلسفه در ادامه گفت: نکته دیگر اینکه هیچ کدام از ما بدون تاریخ انسانی در یک وضعی قرار نمی‌گیریم یعنی هر کدام ما در هر موقعیتی که باشیم حتماً یک فرآیند تاریخی را پشت سر گذاشته‌ایم، بنابراین گفتگو مبتنی بر یک افقی است که پیش از ما پشت سر گذاشته شده است لذا نباید به انسان مانند سایر امور نگاه کرد؛ انسان یک موجود تاریخ‌مند و زبان‌مند است ولی به نظر می‌رسد در فبک به این موضوع توجه نشده و انسان به صورت یک موجود زبان‌مند دیده نشده است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: گاهی تلقی مان این است که فقط با نظام دال و مدلول سروکار داریم ولی گاهی تلقی‌مان این است که فقط با نظام دال‌ها سروکار داریم. تلقی من این است که ما در فبک با نظام دال و مدلول مواجهیم چرا که ما نمی‌توانیم از زبان و تفکر بگوییم ولی به نظام آن توجه نکنیم.

این استاد فلسفه اضافه کرد: من دیالوگ را امری روش‌مند نمی‌دانم، بلکه آن را برخلاف لیپمن یک فرآیند می‌دانم یعنی وقتی از دیالوگ حرف می‌زنیم از سه نوع رابطه میان من و تو حرف می‌زنیم؛ اول رابطه من که در مقابل دیگری قرار دارد، دوم رابطه‌ای که

دیگری در من شکل می‌گیرد اما نگاه تاریخی نداریم و سوم هم اینکه من برآمده از سنت، تاریخ و نظام با دیگری وارد دیالوگ می‌شود. توجه داشته باشید که ما در دیالوگ قصد غلبه کردن بر دیگری و برتری طلبی نداریم به بیان دیگر در دیالوگ ما هم‌سخنی داریم نه هم‌وردی. همه این توضیحات را گفتم که به اینجا

آموزه‌ای ما دارد. پورحسن به عنوان اولین سخنران این مراسم گفت: بنده نمی‌دانستم که قرار است در یک پنل بنده با سایر دوستان تبادل نظر کنم و تصور این بود که قرار است سخنرانی داشته باشم به همین دلیل برای این بخش شش موضوع که باید به آنها در فبک التفاط جدی شود آماده کردم

و سخنانم خیلی معطوف به حرف‌های دیگر سخنرانان و نقدهایی که پیش از این گفته بود نیست اگرچه حاضریم به آنها

پاسخ دهم.

وی افزود: گادامر در سال ۱۹۶۰ وقتی کتاب «حقیقت و روش» را نوشت پرسش مهمی را مطرح کرد و آن هم اینکه آیا با روش می‌توان به حقیقت رسید یا خیر و پاسخ خیر بود چون ما اساساً نمی‌توانیم با توجه به روش به حقیقت برسیم چرا که اساساً هیچ نسبتی میان انسان با سایر پدیده‌ها وجود ندارد. من فکر می‌کنم در فبک خیلی به موضوع حقیقت و روش توجه نشده است.

دکتر پورحسن ادامه داد: مسئله لوگوس‌محوری، مسئله‌ای است که ممکن است در نگاه اول خیلی مرتبط با

فبک نباشد ولی ماجرا از این قرار است که نیچه لوگوس‌محوری سقراط را نقد می‌کند و این نقد نشان می‌دهد که ما نمی‌توانیم تفکر یا پرورش دادن را به یک روش تقلیل دهیم.

گروه فبک پژوهشکده اخلاق و تربیت، به مناسبت روز جهانی کودک نشست با عنوان «نگاهی به نقدهای وارد بر برنامه فلسفه برای کودکان در ایران» روز شنبه ۱۷ مهرماه با حضور دکتر مهرنوش هدایتی، دکتر سعید ناجی، دکتر حسین رضایی، دکتر یحیی قاضی، دکتر قاسم پورحسن و دکتر روح‌الله کریمی برگزار کرد.

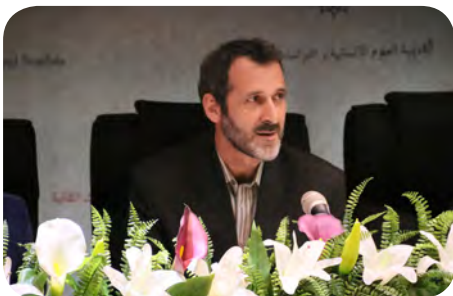
در ابتدای این نشست، کارگاهی با حضور دانش آموزانی که در کلاس فبک شرکت کردند برگزار و از آنها درباره کیفیت و چگونگی کلاس‌ها

پرسیده شد. اغلب این بچه‌ها قضاوت نکردن و بیان واضح و روشن موضوع را جزو مهم‌ترین موضوعاتی مطرح کردند که در فبک یاد گرفتند.

نکته مهم دیگری که در این کارگاه مطرح شد این بود که اغلب بچه‌ها از کم گذاشتن وقت خانواده‌ها در قبال آنها ناراضی بودند و اعتراض داشتند که پدر و مادرها بیشتر وقتشان صرف کار و مشغولیت با تلفن‌های همراهشان است و کمتر برای بچه‌ها وقت می‌گذارند.

پس از برگزاری این کارگاه، پنل مربوط به سخنرانی‌ها برگزار شد.

در ابتدای این پنل ابتدا بخشی از نقدهای دکتر قاسم پورحسن، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی که پیش از این مطرح شده بود بیان شد؛ این نقدها عبارتند از اینکه فلسفه برای کودکان در اصول و مبانی زیربنایی، روش‌ها، اهداف، محتوا و ارزشیابی، تلقین گر نوع خاصی از اخلاق، جامعه و نظام سیاسی انسان است یا اینکه برخی موضوعات ناسازگاری جدی با مبانی دینی، ارزشی، هنجاری و اخلاقی و مبادی



برسم دیالوگ به هر حیث شکل نمی‌گیرد و اینکه ما فکر می‌کنیم با حلقه و روش دیالوگ شکل می‌گیرد اشتباه است.

دکتر پورحسن گفت: حرف من این نیست که فیک را کنار بگذاریم بلکه تلقی من این است که لیپمن نگاه حداقلی به بنیادهای فلسفی دارد به همین دلیل هم ما نمی‌توانیم پرسش فلسفی مهم داشته

باشیم ممکن
است تفکر
فلسفی داشته
باشیم ولی
پرسش فلسفی
خیر؛
سخنران بعدی
این نشست
دکتر یحیی



قائدی، عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی بود. وی گفت: به عقیده بنده در عقاید دکتر پورحسن ناهماهنگی جدی وجود دارد. نمی‌شود پست مدرن بود و عقاید پست مدرنی داشت ولی از مایی حرف بزیم که معلوم نیست این «ما» کیست و چیست.

وی افزود: من معتقدم فلسفه برای کودکان یک روش و در عین حال دنبال حقیقت است اما اینکه تا چه اندازه دنبال حقیقت است را نمی‌دانم به بیان دیگر این روش در عین حال که دنبال حقیقت است ولی سراغ کشف حقیقت نمی‌رود به عبارتی در فیک بچه‌ها به نوعی حقایق مقطعی تشویق می‌شوند که ایرادی هم ندارد. نقد دیگرم هم به نظرات دکتر پورحسن این است که ما نمی‌وانیم بگوئیم که چون فلسفه برای کودکان یا «۴» چون اصطلاح غربی است نباید از آن استفاده کنیم چراکه ما در زندگی روزمره خود با وسایلی چون اتومبیل، رایانه، تلفن همراه و... سروکار داریم که غربی هستند و نمی‌توان گفت چون غربی هستند باید آنها را کنار گذاشت.

دکتر قائدی ادامه داد: برخلاف برخی از منتقدان که معتقدند در فیک احساسات و عواطف نادیده گرفته شده است در فیک احساسات، عواطف و هیجانات هم در آن دخیل هستند. در حدود بیست و خورده‌ای سالی که فلسفه برای کودکان مطرح شده

همه چیز به اندازه کافی کاویده شده و مورد بررسی قرار گرفته و ما نمی‌توانیم بخشی یا جایی را پیدا کنیم که به آن پرداخته نشده است. به بیان دیگر فیک تلاش کرده ضعف مدل‌های قبلی را نداشته باشد ضمن اینکه بتواند مطالب جدیدی را هم ارائه دهد با این حال ما باید اجازه دهیم پیمانه فیک پر شود و بعد درباره آن اظهار نظر کنیم.

فیک یک فرآیند و گفتگو براین فرآیند استوار است.

دکتر حسین شیخ رضایی، عضو هیأت علمی و فلسفه از دیگر سخنرانان این مراسم بود.

وی گفت: فلسفه برای کودکان ماهیت سیاسی دارد البته منظورم از سیاسی، به معنی جهت گیری یا ترویج نوع خاصی از سیاست نیست بلکه به معنی اینکه از همه چیز چرایی می‌خواهد. متأسفانه این ماهیت سیاسی در کشور ما موجب شده تا برخی از طیف‌های مختلف درباره آن اظهار نظر سیاسی با سمت و سوی خاص کنند. کما اینکه چندی پیش در چند خبرگزاری بحث‌هایی در رابطه با فیک صورت گرفته بود و این مطالب کاملاً با غرض‌ورزی و سمت و سوی سیاست خاصی بود.

وی افزود: این گروه فیک را به عنوان یک خطر نگاه می‌کنند و نه یک روش آموزشی و تعلیم و تربیتی. متأسفانه در اینگونه مباحث، نظرات غیرمتخصصی و

غیر کارشناسی هم داده می‌شود مثل اینکه در یکی از این مباحث، یکی از منتقدان فیک مطرح کرده بود که لیپمن با

متافیزیک مخالف بوده درحالی که اصلاً اینطور نیست و اتفاقاً لیپمن با متافیزیک موافق بوده و متأسفانه منتقد دچار فهم غلط از متافیزیک بوده است یا اینکه مثلاً



لیپمن را یهودی دانستند و با اشاره به این موضوع بحث‌های خود را ادامه دادند در حالی که اینطور نیست، لیپمن یهودی نیست و لیپمن یهودی یک شاعر بوده و با این فرد فرق دارد.

وی در ادامه درخصوص انتقادات پورحسن به فیک توضیح داد: آقای پورحسن که نظرات پست مدرن دارند چطور می‌توانند فیک را مطابق با آموزه‌های دینی و اسلامی ندانند به نظرم نوعی تناقض در دیدگاه ایشان وجود دارد مگر می‌شود بگوئیم که فیک نسبی‌گرایی دارد و بعد از نیچه حرف بزیم. نکته دیگر اینکه نسبت زبان و تفکر یک مسئله فلسفی و تجربی است و ارتباطی به برنامه فیک ندارد علاوه براین آقای پورحسن معتقدند در فیک گفتگو یک فرآیند نیست در حالی که لیپمن دقیقاً گفتگو را یک فرآیند می‌داند و از این جهت نظر ایشان اشکال دارد.

دکتر مهرنوش هدایتی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه این نشست گفت: برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان (فیک) یک برنامه با ماهیت چندبعدی است و کاملاً طبیعی است که با نقدهای زیادی مواجه شود. در این برنامه هم پای فیلسوفان وسط کشیده می‌شود و هم روانشناسان و افراد تعلیم و تربیت و آموزش.

وی افزود: لیپمن برنامه خود را با تفکر انتقادی آغاز کرد و در همین حین از تفکر خلاق هم حرف زد ولی خیلی به تفکر مراقبتی نپرداخت. بنده حدود دو سال است که روی این موضوع کار می‌کنم و ان‌شالله به‌زودی نتیجه این تحقیق منتشر می‌شود. در این طرح به صورت کامل به تفکر مراقبتی پرداخته شده و توضیح داده شده است که تفکر

مراقبتی شامل تفکر ارزشی، تفکر عاطفی، تفکر هنجاری، تفکر فعال و تفکر همدلانه است. یا کسانی که معتقدند در فیک از اخلاقیات حرفی زده نشده می‌توانند برنامه

فبک در حوزه اخلاقیات را در بخش تفکر مراقبتی دنبال کنند. در تفکر مراقبتی که لیپمن هم هرچند کم ولی به آن پرداخته ردپای اخلاقیات به وضوح دیده می‌شود. دکتر روح‌الله کریمی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که مسئولیت دبیری این پنل را هم به عهده داشت گفت: فبک براساس یکسری پیش‌فرض‌ها بنا شده و ما هم فبک را با این پیش‌فرض‌ها پذیرفتیم. این برنامه آموزشی دیدگاه تکوینی دارد به این معنا که چه بخواهیم چه نخواهیم کودک در یکسری پیش‌فرض‌هاست به بیان دیگر ما چاره‌ای از داشتن پیش‌فرض و افق کودک نداریم منتها فبک به هیچ عنوان نمی‌گوید ارزش‌ها و پیش‌فرض‌هایت را کنار بگذار اتفاقاً تأکیدش این است که تا حد ممکن ارزش‌هایت را نگه دارد. وی افزود: فبک فرصتی فراهم می‌کند که هم محتوا نقد شود، هم ابزار نقد شود و هم اینکه برای نقد محتوا و ابزار فرصت فراهم می‌کند به بیان دیگر فبک فرصتی فراهم می‌کند تا کودک افق خود را بازبینی کند. کریمی ادامه داد: در یکی از نقدهایی که نسبت به فبک شده بود این گونه آمده بود که آموزگار در فبک نقشی ندارد و بچه‌ها

می‌توانند درباره هر چیزی حرف بزنند و معلوم نیست تبعات این گفتگوها چه باشد در حالی که اصلاً این طور نیست و در فبک معلم نقش پررنگ، مهم و فعال دارد و کاملاً در مباحث مداخله دارد بنابراین این نقد به برنامه فبک وارد نیست. در انتهای این پنل، دکتر پورحسن در پاسخ به نقدهای مطرح شده گفت: اگرچه این پنل، پنل گفتگویی خوبی بود ولی خرسند کننده نبود و به نظرم ما بیشتر به گفتگو در این باب احتیاج داریم ضمن اینکه فکر می‌کنم هرکدام از ما در باب مفاهیم با یکدیگر فاصله داریم. وی افزود: من وقتی از گادامر، نیچه یا امثال اینها حرف می‌زنم مرادم به طور خاص این افراد نیست بلکه فقط نظرات این افراد را برای صحبت خودم قرض گرفتم چون نظر این افراد به نظر بنده نزدیک‌تر است. در مورد موضوع دیگر هم اینکه من بحثم این نبود که باید روش‌ها را تقویت کنیم بلکه بحثم این است که اگر وجه پراکتیکال منبعث از مباحث نظری باشد آن وقت باید چه کرد. استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی اضافه کرد: بنده قائل به این موضوع هستم که فلسفه برای کودکان را می‌توان نقد کرد

ولی این نقدها به معنای ناقص بودن این برنامه نیست. به عقیده من ما در فهم فبک بیش از حد روش محور شدیم و به روش بیشتر از بنیادهای نظری و فلسفی توجه کرده‌ایم البته این به معنای این نیست که کارشناسان به بنیادهای نظری توجه نداشتند بلکه به این معناست که بازتاب خوبی از آن دیده نمی‌شود. وی ادامه داد: علاوه براین ما باید ذهنمان را از لیپمن بیرون بیاوریم تا بتوانیم اشکالات و نقص این برنامه را ببینیم نه اینکه در پاسخ به هر سؤالی بگوئیم لیپمن فلان گفته بهمان گفته. در پایان اینکه دوستان اصرار بی‌دلیل دارند که بنده پُست‌مدرن‌ها را بیشتر از مدرن‌ها قبول دارم، من از نظرات پست‌مدرن‌ها استفاده می‌کنم چون به دیدگاه بنده نزدیکتر است. دکتر شیخ رضایی در پایان گفت: بنده با این نظر آقای پورحسن که فبک خیلی روش محور شده موافقم و آن را آفت می‌دانم چون این روش محوری و اینکه دنبال یک نسخه واحد باشیم به معنی بستن در تفکر است در حالی که ما باید در فبک مدام در حال کشف، بازکشف و ساخت برویم.



سخنرانی دکتر فاطمه راکعی با عنوان «نگاهی به شعر و شخصیت دکتر طاهره صفارزاده»

هستند که هر کس اشعار دکتر صفارزاده را مطالعه می‌کند باید با شگرف‌هایی که دکتر سارزاده به آن اعتقاد دارد مانند زبان طنزی که به کار می‌برد آشنایی داشته باشد به علت این که بعضی از افراد می‌گویند که چرا شعرها بلند است و یا بریده بریده است. دکتر صفارزاده در مورد ایجاز این چنین نوشته‌اند که، بنده با ایجاز مخالف نیستم و مواردی که شاعر باید رعایت کند ایجاز است اما ایجاز از نظر بنده حذف غیر لازم است و نه افراط در ترجمه. خانم راکعی در ادامه اشاره کرد: علت اینکه دکتر صفارزاده دفتر دوم خودش را به چاپ نرساند این بود که به زبانی می‌رسیدند که زبان ایشان نبود. دکتر صفارزاده در صحبت‌های خود گفته‌اند که به علت پراکنده‌خوانی هرگز عهده ادبی نداشته‌اند و کاملاً مخالف تقلید است.



گروه مطالعات زنان پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه، روز شنبه ۲۴ مهرماه سخنرانی با عنوان «نگاهی به شعر و شخصیت دکتر طاهره صفارزاده» با سخنرانی دکتر فاطمه راکعی برگزار کرد.

دکتر راکعی در ابتدای سخنان خود ضمن تشکر از پژوهشگاه و گروه مطالعات زنان، به بررسی ابعاد شخصیتی صفارزاده پرداخت و گفت: مرحومه دکتر صفارزاده در پاییز چشم به جهان گشود و در پاییز نیز از دنیا رفتند. وی ۷۲ سال در این دنیا زندگی کرد و زندگی سرشار از خوشی و تفکر را داشت. اشعار دکتر صفارزاده بیشتر در مورد افکارات شیعی است، همانند اشعاری که برای امام زمان (عج) و انتظار فرج سروده است.

ایشان اضافه کردند به علت گزارشی که یک مأمور مالیاتی نوشتند در بیشتر جاها خصمانه از خانواده دکتر صفارزاده یاد می‌کنند؛ به همین علت دولت ملک این خانواده را تصرف می‌کند و از آن زمان به بعد بحث‌هایی بین این خانواده و حکومت ایجاد می‌شود. ایشان اولین سروده‌های خود را در ۱۳ سالگی مکتوب کرد و در دوران دبیرستان اولین جایزه شعر و ادب را از رئیس آموزش و پرورش استان محل سکونت خود دریافت کرد و برای مدتی هم به عنوان مترجم متون فنی شرکت نفت کار می‌کرد و از همان موقع فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد.

دکتر راکعی در مورد بازگشت ایشان به ایران گفت: ایشان سال ۵۰ به ایران باز می‌گردد اما به علت مسائل سیاسی که در شرکت نفت داشتند و صحبت‌هایی که از روشنفکری ایران در خارج از کشور انجام داده بودند مشکلاتی برای استخدام ایشان به وجود آمده بود اما به علت گذراندن چند واحد ترجمه (که در آن زمان استادانی که ترجمه تدریس کنند، کم بودند) به ناچار ایشان را به دانشگاه شهید بهشتی دعوت می‌کنند. از دیگر کارهایی که دکتر صفارزاده بعد از آمدن به ایران انجام دادند این است که به علت علاقه زیاد ایشان به قرآن شروع به آموختن و خواندن قرآن می‌کنند و از قرآن در نوشتن اشعار خود نیز استفاده می‌کردند.

وی افزود که دکتر صفارزاده در مباحث آموزش و پژوهش ایده‌های جدیدی داشتند، ترجمه تخصصی را ایشان عرضه کردند و به ستاد انقلاب فرهنگی دادند، به تصویب رسید. ایشان همچنین پیشنهاد دهنده تأسیس سازمان ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی بودند.

دکتر راکعی اضافه کرد، که خانم دکتر صفارزاده شاعری است دارای سبک و زبان مشخص که در اشعارشان از طنز و وارونه‌گویی زیاد دیده می‌شود، گرچه از تمام تکنیک‌های شعری استفاده می‌کردند اما تأکید وی هرگز روی آن‌ها نبوده چون به این معتقد بود که وزن تخریب کننده است و اجازه نمی‌دهد، خواننده وارد حس خود شود. خانم راکعی به این موضوع معتقد

برگزاری مراسم نکوداشت «هفته دفاع مقدس» و گرامیداشت زنده یاد

حمید سبزواری شاعر دفاع مقدس

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی، مراسم نکوداشت «هفته دفاع مقدس» و گرامیداشت زنده یاد حمید سبزواری شاعر دفاع مقدس در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این مراسم دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: به عنوان کسی که در این عرصه یک ارتباطاتی داشتم، بعضاً قلم زده و شاهد نوشتارها و گفتارهای گوناگون درباره دفاع مقدس بودم، گاه این احساس به من دست داد که آنچنان که باید و شاید نگاه جامعی نسبت به دفاع مقدس نداریم و گاه حتی شاهد افراط و تفریط‌هایی هم در این راستا هستیم. بنده تصور می‌کنم اگر جنگ ایران در سرزمین دیگری اتفاق می‌افتاد احتمالاً ما شاهد بروز نتایج دیگری در آن بودیم. اصولاً ملت‌هایی که صاحب تمدن کهن هستند با پدیده‌ها متفاوت از ملت‌هایی که برای خود تمدن جعل کرده یا فاقد تمدن هستند و حتی توان جعل آن‌را هم ندارند، برخورد می‌کنند.



دکتر قبادی تأکید کرد: ما شاهراه تمدنی شرق و غرب هستیم با کشورهای مختلف ارتباطات تمدنی داریم برخی کشورها الان بخشی از این ارتباطات را از ما گرفته‌اند با این حال ما به نیاکان خود بدهکار و وامداریم و باید با واکاوی تاریخ فرهنگی ایران، برای بازشناسی سرشت و سرنوشت دفاع مقدس تلاش کنیم.

دکتر قبادی در ادامه، نظرات خود در رابطه با دفاع مقدس را با موضوع «فرصتی برای بازشناسی کارکرد فرهنگ در ایران» برای حاضران توصیف کرد و گفت: مراسم نکوداشت دفاع مقدس فرصتی برای

بازشناسی کارکرد دفاع مقدس در ایران است. از منظرهای گوناگون می‌توان به دفاع مقدس نگریست به نظر می‌رسد آنچه موجب شد در فرآیند دفاع مقدس هم دشمن تنبیه شود و هم یک وجب سرزمین ما در این هجوم از دست نرود، عنصر فرهنگ و پشتوانه فرهنگی و کارکرد آن در فرآیند هشت سال دفاع مقدس بوده است.

دکتر قبادی ادامه داد: از منظرهای گوناگون می‌توان به پدیده دفاع مقدس نگریست: نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی، معرفتی، رسانه‌ای و ... در این مجال کوتاه، بنا بر نگاهی فرهنگی است و ادعای ما این است که آنچه بیش از همه موجب شد هم دشمن تنبیه شود، هم یک وجب از سرزمین ما در هجوم هماهنگ صدام و هم‌پیمانان جهانی‌اش از دست نرود، عنصر فرهنگ و پشتوانه فرهنگی کارکرد فرهنگ در فرآیند هشت سال دفاع مقدس بوده است.

وقتی سخن از فرهنگ به میان می‌آید، منظور تمام عوامل و مؤلفه‌های معنوی دخیل در طول دفاع مقدس است که اهم آنها عبارتند از:

۱- باورهای عمومی دینی، ملی و پشتوانه‌های تمدنی، اسطوره‌ای و حماسی مردم ایران در طول تاریخ، در یک کلام ذهنیت تاریخی - تمدنی آنان؛

۲- مجموعه آرمان‌ها، معارف و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی و نموده‌های معرفتی و گفتمانی آن که در مبارزات یکصد و پنجاه سال اخیر ایران و جهان ریشه داشته است؛

۳- رهبری ممتاز و بی‌بدیل امام خمینی(ره) که تنها رهبر انقلاب در جهان بودند که کاملاً به عرفان علاقه‌مند و بر مبنای و مؤلفه‌ها و اصول و سلوک آن تسلط داشتند و عمیقاً به آن باورمند بودند و درعین حال از بیش و قدرت کنش فوق‌العاده اجتماعی، سیاسی برخوردار داشتند؛

۴- انسجام ملی ناشی از شبکه‌های آئینی، اسطوره‌ای و ملی که محصول مؤلفه‌های فرهنگی این ملت بوده است؛

۵- احساس عمیق هویت مشترک ایرانی،

اسلامی، اسطوره‌ای، آئینی، ملی و دینی که دائماً بر پشتوانه روحی، روانی رزمندگان می‌افزود؛

۶- رهیافت مردم‌سالارانه، مردم‌مدار و مردم‌محور که از متن و نص انقلاب اسلامی سرچشمه گرفته بود و بنیانگذار انقلاب دائماً به آن وفادار ماندند، و به آن ملتزم بوده‌اند، که خود ریشه در جهان‌بینی عارفانه وی داشته و محصول سلوک عرفان‌مدارانه او بوده است زیرا بنیاد انقلاب اسلامی در نظام معرفتی امام خمینی(رضوان...) تکریم انسان بوده است، انسانی که خلیفه... است، از نظرگاه او خود حق دارد سرنوشت خویش را رقم بزند و کرامت او باید حفظ شود و امام بر خود فرض می‌دانست که به تکریم شخصیت فرد فرد ایرانی بپردازد و رزمندگان با تمام وجود این حقیقت را در امام حس می‌کردند؛

۷- نگاه فرهنگی و اصالت دادن به فرهنگ و مقدم دانستن آن نسبت به امور دیگر؛

۸- از منظر تحلیل فرهنگی، دفاع مقدس قادر شد نوعی سازگاری عمیق اجتماعی در ایران ایجاد کند، این سازگاری از دیدگاه مفاهیم فرهنگ، خود محصول مؤلفه‌های یادشده، بویژه رهیافت حفظ کرامت انسانی از سوی امام و ارزش قائل شدن برای مردم‌سالاری، تعمیق همسانی و همگرایی عناصر هویتی ملی و دینی، تلقی دفاعی و غیر هجومی بودن جنگ و احساس مظلومیت ملت ایران و بازیابی حس اسطوره‌ای و بازیابی ارزش‌های فرهنگ دینی و تمدن ایرانی بوده است.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی همچنین یادآور شد: اکنون هم می‌توان با تکیه بر ماهیت دفاعی جنگ و جنگ‌طلب نبودن ایران، میراث با عظمت معنوی و فرهنگی آن را در گسترش فرهنگ گفتگو با جهان و تبیین جاذبه‌های رأفت‌آمیز پیامبر رحمت و فراخ‌تر ساختن قلمرو مهربانی در دنیا بازآفرینی کرد.

اصالت قائل شدن برای رویکرد فرهنگی در جنگ، ما را به‌سوی یافتن زبان مشترک با



مردم دنیا رهنمون خواهد کرد و به انسان‌ها خواهد آموخت که هدف از خلقت ما جنگ نبوده است بلکه انسان برای بافضیلت شدن، اخلاق مدار بودن، در پیش گرفتن راه نوع دوستی و خداپرستی آفریده شده است. برپایه خوانش فرهنگی از جنگ و درپیش گرفتن رهیافت فرهنگی از دفاع مقدس می‌توان موانع توسعه آینده کشور را نیز بهتر شناخت و آنها را مرتفع ساخت.

سرهنگ حسین فروتن‌نژاد در ادامه صحبت‌های دکتر قبادی که فرمودند ملت ایران باید فرهنگ خویش را به سایر کشورها صادر کند چنین گفت: به گذشته که می‌نگریم، می‌بینیم که اکثر مسئولین عراق در ایران اسیر بودند همانند نفر دوم سفارت عراق که در پادگان هشتمیه تهران اسیر بوده و ایشان دیده بودند که دولت ایران از اسرا همانند میهمانان رفتار می‌کند. ایشان در ادامه فرمودند: دولت ایران در کمیسیون اسرا بخشی داشتند که از ۹ کمیته تشکیل شده که مهم‌ترین آن‌ها کمیته فرهنگ و تبلیغات بود که این کمیته توانست تمام اسرا را به مشهد مقدس، مرقد امام و یا قم برای زیارت ببرد و تبادل آنها با نیروهای دولت ایران که اسیر دست دولت عراق بودند، صورت گیرد.

وی در ادامه افزود: جنگ دو رو دارد یک روی آن جنگ و دفاع مقدس است و روی دیگر آن بعد از جنگ است.

ایشان در مورد این که چرا عراق جنگ را آغاز کرد دلایلی آوردند که به شرح زیر است: ۱- اختلاف برای حاکمیت اروند رود در سال ۱۳۴۳ شمسی، ۲- اختلاف برای حاکمیت جزایر تب بزرگ و کوچک و ابوموسی، ۳- تفکر عراق بر این که بعد از پیروزی ایران در سال ۱۳۵۷ دیگر حواسش به اطراف نمی‌باشد و دولت عراق می‌تواند حمله‌ای را آغاز کند، ۴- دولت عراق تمام شیعه‌های ایرانی‌الاصل را که ساکن کشور عراق بودند را اخراج کردند و تمام اسناد منقول و غیرمنقول آن‌ها را مصادره کردند، ۵- ایجاد مزاحمت بر علمای برجسته. دولت عراق یک شبکه رادیو دیوانه هم به زبان‌های مختلف تأسیس کردند.

وی افزود که دولت ایران در جنگ حدود ۳۰۰۰۰ اسیر ایرانی در دولت عراق داشتند

و دولت عراق حدود ۵۸۰۰۰ اسیر در ایران داشتند.

تعریف ایشان از اسیر به این صورت است که اسیر به کسی گفته می‌شود که یا به صورت مسلحانه مقابل دولت ایران قرار گرفته باشد و یا از نیروهای مسلح برای نفوذ به کشورهای مقابل حمایت می‌کند. ایشان اضافه کردند که هنگامی که دولت عراق چنین وضعیت نابسامانی را مشاهده کرد، شروع به خرید بی‌رویه تجهیزات و سلاح و بستن قراردادهای مهم با کشورهای تولیدکننده اسلحه، احداث پایگاه‌های جدید مرزی و انتقال هواپیماهای خود به اردن و عربستان کرد و در نهایت عراق در سال ۳۱ شهریور سال ۵۸ با ۱۲ لشکر به طول ۸۰۰ کیلومتر به ایران حمله می‌کند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند که اسرا میهمان جمهوری اسلامی ایران هستند علی‌رغم مشکلات موجود در ایران همان اجرای عدالتی که برای انسان‌ها انجام شده در مورد اسرا نیز اجرا گردد. کار فرهنگی مانند آب دادن، نان دادن، ورزش دادن، هوای آزاد دادن و محبت کردن است. همه افراد باید به اسرا به چشم طبیب نگاه کنند.

سرهنگ فروتن‌نژاد در مورد تبادل اسرا فرمودند: دولت ایران ۱۸۳ بار در طول ۲۳ سال به لب مرز رفته و شروع به تبادل اسرا کردند به این گونه که هر یک اسیری که دولت عراق تحویل می‌گرفتند باید یک اسیر را تحویل دولت ایران می‌دادند.

در بخشی دیگری از این مراسم آقای کاکایی به سخنرانی پرداختند و گفتند: در مورد دفاع مقدس نباید کوتاهی کرد، از استاد سبزواری باید به عنوان یک آفرینشگر ادبی یاد شود.

ایشان با تحقیقاتی که از طریق جستجو در فضای مجازی و از طریق پرسش از دیگران انجام دادند متوجه شدند که در مورد استاد سبزواری که یکی از بهترین چهره‌های شعر انقلابی ایران بودند خیلی کم صحبت شده است چرا که استاد سبزواری در پی آراستن دنیایی جدید بودند، به دلیل اینکه از این دنیای صوفیانه فاصله بگیرند و جهان جدید را مقابل تهاجم فرهنگ غرب شکل بدهند. وی افزود: گفتگوهای بین مرحوم

ملک‌الشعراى بهار و تقی رفعت صورت می‌گرفت و این گفتگوها برای این بود که راهی پیدا کنند تا بتوانند جهان و وقایع جدید را در شعر فارسی وارد کنند اما بیشتر مرحوم ملک‌الشعراى بهار بود که توانست این کار را انجام دهد. ملک‌الشعراى بهار و استاد سبزواری تقریباً هم فکر بودند زیرا هر دو تلاش می‌کردند موضوعات روز را وارد اشعار فارسی کنند.

ایشان افزودند: استاد سبزواری به مراکز دینی بسیار علاقه داشتند، از این رو به مسجد طالقانی و حسینیه ارشاد می‌رفتند و بسیار سریع علاقه‌مند مسائل اعتقادی و فرهنگی آنجا شدند.

وی افزود با این که استاد سبزواری بعد از انقلاب به تمام آرمان‌ها و هدف‌های خود رسیدند اما باز هم از انتقاد دست بر نداشتند و هر جا کم و کاستی مشاهده می‌کردند فوراً انتقاد کرده و نظر خود را می‌گفتند.

ایشان در پایان فرمودند که مرحوم دکتر آئینه وند، استاد سبزواری را با سید انگری مقایسه کردند و فرمودند همانگونه که، هیچ فضیلتی از امام علی(ع) پیدا نمی‌شود که سید انگری در مورد آن شعر نگفته باشد، هیچ نکته‌ای از انقلاب هم پیدا نمی‌شود که استاد سبزواری در مورد آن شعر نگفته باشد.



گزارشی از نشست «نهج البلاغه در نگاه علامه جعفری (رویکرد فلسفه تطبیقی)»

هم عصران علامه و در هیچ سنت تحقیق و تفحص در حوزه نهج البلاغه پژوهی چنین روشی وجود نداشته است و می‌توان او را به نوعی مورد استثنایی در حوزه نهج البلاغه پژوهی و فلسفه تطبیقی در ایران دانست. فلاسفه اسلامی با دو رویکرد موجودی و ماهیتی به مسائل فلسفی نگاه می‌کرده‌اند اما علامه نگاه ماهیتی و وجودی نداشت که این نوع نگرش، او را به نقد کشیده است. اکنون این سوال پیش می‌آید که آیا نگاه علامه در حوزه نهج البلاغه پژوهی و مطالعات فرهنگی و علوم انسانی دچار پراکنده گویی بوده است و دال مرکزی در تفکر او در نگاه به منابع و افکار و ایده‌ها در حوزه فلسفه که به آن رجوع کرده، وجود نداشته است؟

وی در ادامه گفت: حقیقت استعلایی با انسان متولد می‌شود و با پروراندن این بعد انسان می‌تواند به رشد و فهم مشترک برسد. این حقیقت در تمام دوران و اعصار وجود داشته و دارد و اگر ما به عنوان نوع انسان با یکدیگر مفاهیم داریم و همدیگر را درک کنیم، به دلیل حقیقت استعلایی و متعالی است که تولستوی و گاندی و قبل از آنها امام علی(ع) به زیبایی در نهج البلاغه از آن سخن می‌گویند.

دکتر میری با بیان اینکه علامه جعفری برای فهم این فرهنگ مشترک بشری به ادبیات جهانی در اعصار مختلف رجوع کرده است، گفت: اگر بشریت آینده‌ای را برای خود متصور می‌کند که انسان و فرهنگ انسانی در آن بقا و تداوم داشته باشد، بدون توجه و توسل به حقیقت استعلایی این امکان وجود نخواهد داشت.

وی با اشاره به آثار تولید شده علامه جعفری گفت: آثار وی به گونه‌ای است که افراد متأثر از بیش‌های آکادمیک امکان برقراری با آثار علامه جعفری را ندارند. علامه در ورود به آثارش به صورت نظام‌مند صحبت می‌کند اما به شکل رشته‌های تفکیک شده در علوم مختلف سخن نمی‌گوید به همین دلیل اهالی دانشگاه نمی‌توانند با آثار او ارتباط برقرار کنند.

دکتر میری تأکید کرد: شاید یکی از عوامل کج فهمی و نا فهمی از آثار علامه جعفری به این باز می‌گردد که سنت‌های شکل گرفته در فضای علوم انسانی ما اساساً در قالب‌هایی است که وی آنها را شکست و معتقد بود برای اینکه بتوانیم تغییر و تحول در نظام معنایی انسان به مثابه فرد و هم نظام معنایی انسان به مثابه جامعه داشته باشیم نمی‌توانیم با این قالب‌ها حرکت رو به جلو داشته باشیم و نهج البلاغه پژوهی او هم یکی از این مثال‌ها بود. وی در پایان گفت: علامه جعفری در سنت نهج البلاغه پژوهی که فقط ارجاعات درون متنی و یا ارجاعات درون دینی می‌داد، این کتاب را از فضای درون دینی و درون متنی خارج کرد و به مثابه متنی که در مواجهه با انسان، زمان و مواجهه انسان با حقیقت استعلایی بود، این روش را تعریف و تفسیر کرد.

مرکز تحقیقات امام علی(ع) نشست با عنوان «نهج البلاغه در نگاه علامه جعفری (رویکرد فلسفه تطبیقی)» با سخنرانی دکتر سیدجواد میری، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی در روز ۱۲ مهرماه برگزار کرد، در این نشست دکتر میری گفت: در حوزه علوم انسانی به خصوص هنگامی که موضع متفکر ایرانی در نظر گرفته می‌شود، یکی از بحث‌های مهم جایگاه نهج البلاغه در ذهن و زبان اندیشمندان شیعی و ایرانی است. یکی از نکات جالب در حوزه نهج البلاغه پژوهی از زمان «ابن ابی الحدید» تا امروز نحوه پرداختن اندیشمندان مختلف به نهج البلاغه بوده است اما نکته خاصی در نگاه علامه جعفری وجود دارد که کمتر کسی به آن پرداخته و شاید بتواند راهگشای نهج البلاغه پژوهان باشد.

وی ادامه داد: ما به امام علی(ع) اعتقاد و ایمان داریم ولی آیا می‌توان به اندیشه‌های امام بدون دغدغه اعتقادی مان مبنی بر اینکه دارای جایگاه برتری اما با تفکرات و اندیشه‌های خودش بوده است، نگاه کرد و با

افق‌های همسانی افکار امام علی را با اندیشمندان دیگر تطبیق دهد؟ میری اضافه کرد: در نگاه رشته دانشگاهی فلسفه تطبیقی ایده به این نکته توجه می‌شود که آیا ایده اندیشمندان متأثر از بستری است که در عصر خودشان مطرح شده است یا خیر؟ بسیاری از نویسندگان که در حوزه اندیشه قلم می‌زنند افکارشان متأثر از زمان و جامعه‌شان است و در همان دوران هم محصور می‌شود و شاید در زمان‌های بعدی به عنوان تاریخ اندیشه مورد استفاده قرار گیرد. عضو هیأت علمی پژوهشگاه خاطرنشان کرد: گاهی نظریات بعضی از اندیشمندان به دلیل برخورداری از دو ساحت ناسوتی و لاهوتی با افق بازی در برابر خود روبرو می‌شوند و سؤالاتی همچون من کیستم، کجا می‌روم، هستی چیست، خدا چیست و... مطرح می‌شوند. چنین اندیشه‌هایی نشان دهنده ابعادی است که متأثر از زبان و قومیت فرهنگی نیست و از مشترکاتی در دل و زبان انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد که در ادوار گوناگون دارای مخرج مشترکی هستند.

وی افزود: علامه جعفری در حوزه علوم انسانی به دو متن کلاسیک توجه داشته است؛ مثنوی معنوی و نهج البلاغه. شرح و نقد و تفسیر مثنوی معنوی مشتمل بر ۱۵ جلد و تفسیر ۲۷ جلدی بر نهج البلاغه که رویکردهای مختلفی نسبت به این دو مجموعه داشته است.

وی ادامه داد: نظرات و دیدگاه‌هایی که نسبت به روش علامه جعفری وجود داشته در جامعه علمی یکسان نبوده است. گروهی منطق و روش علامه را در مولوی پژوهی تقبیح کردند و نگاه او را در تفسیر نهج البلاغه شامل پراکنده‌گویی زیادی می‌دانند. از سوی دیگر دوستدارانی هستند که معتقدند علامه تفاسیر خوبی از این دو کتاب ارائه کرده است.

دکتر میری افزود: با توجه به رویکرد علامه جعفری در هیچ کدام از



گزارش نشست علمی «طرح‌واره‌ای برای تاریخ کاوی در سپهر قرآن»

مسائل تاریخی در آن است.^۳ تشویق مستقیم به مطالعه تاریخ و ۴. حجم وسیع آیات مربوط به تاریخ در قرآن و تنوع مباحث آن، به گونه‌ای که برخی بر این باورند حدود سه پنجم قرآن را مباحث تاریخی تشکیل می‌دهد و گزارش این آیات موضوع بحث امروز ماست.

دکتر الویری سپس به گونه‌های مباحث تاریخی قرآن اشاره کرد و گفت: مباحث تاریخی قرآن در دو کلان محور قانون‌مندی‌ها و رویدادها می‌گنجد، این دو کلان‌محور الزاماً همان دو شاخه فلسفه تاریخ یعنی فلسفه نظری تاریخ و فلسفه انتقادی تاریخ نیست، ولی بی‌تردید همپوشانی‌هایی با آن دارد.

همچنین رویدادهای تاریخی در قرآن، کلان‌محور دیگری است که خود شامل شاخه‌های فرعی اقوام و گروه‌ها، اخبار سرزمین‌های گوناگون و شخصیت‌های ستوده و نکوهیده می‌شود. ایشان در پایان سخنان خود را با پیشنهاداتی به پایان برد و گفت:

ضرورت اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک بین قرآن‌پژوهان و تاریخ‌پژوهان: اجرای بخش قابل‌توجهی از زمینه‌های پژوهشی که نام برده شد، جز با همکاری قرآن‌پژوهان و تاریخ‌پژوهان ممکن نیست، اکنون زمینه برای چنین همکاری‌هایی فراهم است و می‌توان با رعایت اولویت‌ها و در نظر گرفتن توانایی‌های پژوهشگران طرح‌های تحقیقاتی مشترکی را تعریف کرد. حتی اگر به عنوان گام نخست جلسات تدبیر در آیات قرآن یعنی حلقه‌هایی از قرآن‌پژوهان و تاریخ‌پژوهان تشکیل شود و

از ابتدای قرآن فقط آیات در جلسه خوانده شود و اعضای حلقه با مطالعه مختصری که قبلاً داشته‌اند در باره دلالت‌های تاریخی آیه گفتگو کنند، بی‌تردید سیاهه‌ای بسیار بلند و شوق‌آفرین از موضوعات شایسته مطالعه و پژوهش به دست خواهد آمد.

امکان‌سنجی تدوین تفسیر تاریخی قرآن: مهمترین روش‌های تفسیر قرآن از نظر نوع مواجهه با آیات بر سه نوع است: تفسیر ترتیبی، تفسیر تنزیلی. و تفسیر موضوعی. به نظر می‌رسد تفسیر تاریخی قرآن گونه‌ای خاص و متمایز از این انواع سه‌گانه است که طی آن سوره‌ها بر اساس توالی زمانی رویداد تاریخی نظم می‌یابند و تفسیر می‌شوند. شاید بتوان تفسیر تاریخی را از مصادیق تفسیر موضوعی شمرد ولی در این حالت هم نباید از یاد برد که اگر سه پنجم آیات قرآن مربوط به تاریخ باشد عملاً در این تفسیر موضوعی همه قرآن نظمی دوباره می‌یابد. تفسیر تاریخی قرآن بایستگی‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی خود را دارد که باید به تدریج مدون شود.

عصر روز چهارشنبه ۷ مهرماه، نشست با عنوان «تاریخ در قرآن» (طرح‌واره‌ای برای تاریخ کاوی در سپهر قرآن) با حضور حجت‌الاسلام محسن الویری عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید. در این نشست که به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی برگزار شد، جمعی از اساتید و پژوهشگران حوزه‌های مطالعات قرآنی و تاریخ شرکت داشتند.

در ابتدای بحث دکتر الویری به ذکر پیوندهای قرآن و تاریخ پرداخت و گفت: قرآن و دانش تاریخ به گونه‌هایی مختلف با هم پیوند خورده‌اند. از یک سو قرآن برای اثبات اصالت نمایانند درونمایه‌های خود، باید از دانش تاریخ یاری گیرد و از سوی دیگر دانش تاریخ نیز به‌ویژه در رویکردی بومی می‌تواند به مدد آموزه‌های قرآنی فرهیخته یابد. ایشان در ادامه گفت: وقتی از رابطه قرآن و تاریخ سخن می‌گوییم، پهنه‌ای گسترده از تعامل بین این دو دانش در برابر ما رخ می‌نماید که می‌توان آن را به چند بخش تقسیم کرد.

نخستین بخش، سودمندی‌های تاریخ برای قرآن است که در این چند محور قابل گزارش است: اثبات اصالت قرآن، نقد نظریه تاریخ‌مندی قرآن، تاریخ‌گذاری قرآن، تاریخ قرآن، رابطه بینامتنی قرآن با کتب آسمانی پیشین، فهم درون‌مایه‌های قرآن و سیر تاریخی تفسیر قرآن.

دکتر الویری سپس به اهمیت آگاهی از داده‌های تاریخی قرآن برای هر نوع پژوهش مرتبط با پیوندهای تاریخ و قرآن اشاره کرد و گفت: پژوهش در تمامی زمینه‌های تعامل تاریخ و قرآن و یا سودمندی‌های هر یک از این دو برای دیگر، وابسته به آگاهی از انواع داده‌های مرتبط با تاریخ در قرآن است. هر کس که داعیه نوآوری در این زمینه داشته باشد و هر که بخواهد این نوآوری‌ها را داوری کند، باید به خوبی از جایگاه و گونه‌های اطلاعات تاریخی در قرآن آگاهی داشته باشد.

ایشان در ادامه به جایگاه تاریخ در قرآن و مسأله‌بودگی آن اشاره نمود و گفت: در باره جایگاه تاریخ در قرآن، توجه به سه نکته ضروری است:

۱. مسأله‌بودگی تاریخ در قرآن؛ که با نگاهی هر چند اجمالی به قرآن درمی‌یابیم که تاریخ یکی از مسأله‌های مورد اهتمام قرآن است و قرآن به مثابه متولی هدایت و رشد مردم به سیاست «ایجاد توجه به تاریخ» توجه خاصی داشته است.^۲ نام سوره‌های قرآن؛ که نشان‌دهنده ذهنیت متمایل به تاریخ مسلمانان و برجسته دیدن



پژوهش در تمامی زمینه‌های تعامل تاریخ و قرآن و یا سودمندی‌های هر یک از این دو برای دیگر، وابسته به آگاهی از انواع داده‌های مرتبط با تاریخ در قرآن است.

تحصیلات تکمیلی

گزارش خبری جلسات دفاعیه دکتری مهرماه ۹۵

جلسه دفاعیه سارا سعیدی نوسفادرائی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

موضوع: تصحیح انتقادی دیوان رشیدالدین وطواط
به همراه بررسی ویژگی‌های زبانی، سبکی و اطلاعات تاریخی موجود در دیوان

استادان راهنما: دکتر تقی پورنامداریان، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد

استادان مشاور: دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر زهرا پارساپور

استادان داور: دکتر علیرضا شعبانلو، دکتر محمود عابدی، دکتر محمد شادروی منش

این جلسه مورخ ۹۵/۰۷/۰۷ با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی و نیز جمعی از علاقمندان به زبان فارسی برگزار گردید.

دانشجو در بخش اول راجع به چستی پژوهش توضیحاتی داد و به معرفی رشیدالدین وطواط پرداخت. در ادامه به چرایی پژوهش اشاره و توضیح اینکه چرا تصحیح متن را به عنوان موضوع رساله خود انتخاب نموده است. بعد از آن به شیوه جمع آوری اطلاعات بخش اول رساله یعنی بخش زندگی‌نامه شاعر و نیز بیان برخی نکات نویافته در باره زندگی شاعر مانند مذهب او و سفرهای او و ارتباطات او با شاعران و بزرگان عصر پرداخت.

در ادامه سعیدی به ارائه توضیحاتی اجمالی درباره سبک شناسی شعر وطواط پرداخت و نکات تازه‌ای را که در سبک‌شناسی شعر وطواط بدان دست یافته بود در جلسه قرائت و در این ارتباط به بخش‌های مختلف قصیده وطواط و الگوهای ساخت این بخش‌ها و مضامین آن و بررسی بلاغی شعر وطواط اشاره کرد.

در قسمت پایانی دفاع، دانشجو شیوه تصحیح متن خود را تشریح کرد. در آغاز این گفتار به معرفی نسخه‌ها، علت نامگذاری نسخ و شیوه تصحیح متن که تصحیح مبنی بر نسخه اساس بوده و نیز علت برگزیدن ده دستنویس خطی به عنوان مبنای کار اشاره و در ادامه تأکید کرد که در بخش‌هایی از دیوان روش تصحیح او روش التقاطی بوده و با این ملاحظه به چرایی انتخاب این دو شیوه تصحیح پرداخت. سارا سعیدی به خطاهای موجود در نسخه اساس اشاره و این نکته را مطرح کرد که به جهت خطاهای راه یافته در نسخه اساس

پیام تبریک مدیر تحصیلات تکمیلی به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

آغاز سال تحصیلی جدید را به همه دانشجویان عزیز، اساتید و اعضای محترم هیأت علمی، مسئولان پژوهشکده‌های متفاوت و کارکنان تحصیلات تکمیلی، تبریک عرض می‌نمایم. امیدوارم سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ در سایه لطف و مرحمت خداوند باری تعالی، سالی توأم با رشد و بالندگی همه جانبه در تمام عرصه‌های علمی و فرهنگی برای دانشجویان، اساتید و در مجموع سازمان پژوهشگاه باشد.

عبدالرحمن حسنی‌فر (مدیر تحصیلات تکمیلی)

گاهی از نسخه دیگری در متن استفاده شده است. تبیین دلایل استفاده از تصحیح قیاسی در برخی موارد با ذکر مثال‌هایی و دلیل برگزیدن واژگانی که با تصحیح قیاسی بدان رسیده، پایان بخش سخنان دانشجو در دفاع از رساله خویش بود.

دکتر محمود عابدی استاد مدعو رساله سؤالاتی در رابطه با شیوه تصحیح دیوان مطرح کرد و نظریاتی درباره تصحیح متن داد و دانشجو در پاسخ به آن از شیوه تصحیح خود دفاع کرد. در رابطه با نام نسخه‌ها و انتخاب نسخ خطی نیز سؤالاتی مطرح و پاسخ داده شد.

دکتر محمد شادروی منش استاد دیگر مدعو در رابطه به بیان برخی ابهامات و پرسش‌ها درباره معنی ابیات، و علت انتخاب ضبط نسخه‌ای خاص پرداخت و ضبط نسخه بدل‌ها در برخی صفحات رساله را مرجح دانست که دانشجو در رابطه با علت انتخاب ضبط انتخاب شده توضیحاتی را ارائه نمود.

دکتر علیرضا شعبانلو استاد داخلی رساله نیز در باره شیوه نامگذاری نسخه‌های مورد استفاده مطالبی را بیان داشت که دانشجو در پاسخ، به ذکر دلایل خود مبنی بر نامگذاری نسخ بر مبنای حروف ابجد اشاره کرد.

دکتر ابوالقاسم رادفر استاد مشاور اول رساله به بیان چند نکته مختصر در خصوص منابع و مأخذ بر مبنای نامگذاری اسم اشهر نویسندگان این پژوهش پرداخت.

دکتر زهرا پارساپور استاد مشاور دوم رساله نیز چند سؤال در خصوص معنی ابیات و شیوه خوانش بعضی ابیات مطرح کردند و دانشجو به آنها پاسخ داد.

در پایان دکتر پورنامداریان استاد راهنمای اول رساله با جمع‌بندی نظرات مطرح شده توسط اساتید توضیحاتی تکمیلی درباره رساله و شیوه تصحیح دیوان بیان داشت.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۲۰ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی تشخیص دادند.

جلسه دفاعیه بتول یوسفی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی

موضوع: بررسی نقش نظام مردم‌سالاری دینی در شکل‌گیری تمدن اسلامی-ایرانی

استاد راهنما: دکتر موسی نجفی

استادان مشاور: دکتر عبدالعلی رضایی، دکتر حبیب‌الله بابایی
استادان داور: دکتر یحیی فوزی، دکتر محمود کریمی‌علوی،
دکتر قاسم پورحسن‌درزی

این جلسه مورخ ۹۵/۰۷/۱۱ با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان دکتری علوم سیاسی و نیز جمعی از علاقمندان به اندیشه سیاسی اسلام و مطالعات تمدن اسلامی-ایرانی برگزار گردید.

دانشجو در مدت نیم ساعت به دفاع از رساله خویش پرداخت که خلاصه سخنان او به شرح ذیل است:

در چند دهه اخیر، نظام مردم‌سالاری دینی، به مثابه نظام سیاسی برآمده از آموزه‌های اسلامی، مورد توجه متفکران در حوزه‌های مختلف علوم انسانی قرار گرفته و از زوایا و رویکردهای گوناگون بدان نگریسته شده است. یکی از رویکردهایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، رویکرد تمدنی است؛ بدین معنا که این نظام به مثابه بخشی از سیر تکاملی انقلاب اسلامی، چه ظرفیت‌هایی برای شکل‌گیری تمدن اسلامی دارد؟

برجستگی رویکرد تمدنی از آن روست که نگرشی جامع و فراگیر بوده، اهداف کلان و افق‌های بلند را مدنظر دارد و در عین حال به واقعیت‌ها و امور جزئی نیز نظر دارد. لذا با این رویکرد می‌توان کارآمدی اندیشه‌ها را در گستره‌ای کلان سنجید و اولویت‌ها را تعیین کرد و برای نهادینه کردن آنها اقدام نمود.

تمدن اسلامی و نظام مردم‌سالاری دینی همانند دوایر متحدالمرکز، دارای هسته‌ای واحد بوده که همان ساماندهی، تعالی و تکامل روابط و مناسبات انسانی است. لذا پیشرفت نظام مردم‌سالاری دینی بر محور فطرت انسانی و هویت اسلامی، منجر به شکل‌گیری و توسعه تمدنی شده و روند تمدن‌سازی را تسهیل می‌نمایند. چنین تمدنی از جهت ویژگی‌های عمومی تمدن‌ها، همانند عقلانیت، نظم و امنیت، با تمدن غرب مشترک بوده؛ اما بنیان‌های معرفتی و هستی‌شناسی متفاوتی خواهد داشت. از طرفی، تمدن اسلامی در دوران غیبت نسبت به تمدن موعود مهدوی، به دلیل عدم حضور انسان کامل، در وضعیت حداقلی می‌باشد. نظام مردم‌سالاری دینی که در میانه دو تمدن موجود و موعود قرار گرفته، می‌تواند به عنوان مدلی انتقالی، به شکل‌گیری تدریجی تمدن اسلامی کمک شایانی نماید.

دکتر فوزی به عنوان یکی از داوران طی سخنانی اشکالات ذیل را بر رساله وارد دانستند:

- بیان مسئله و کاربرد پژوهش به طور دقیق نوشته نشده است.



روش رساله که علی-توصیفی بیشتری داده شود.
- در مباحث فصل سوم و چهارم، ارتباط موضوعات با سؤال و فرضیه اصلی خوب مشخص نشده است.
- باید مکانیسم و شاخصه‌های تأثیرگذاری نظام مردم‌سالاری دینی بر تمدن اسلامی را به طور مشخص توضیح می‌داد.
دکتر کریمی‌علوی نیز مطالب ذیل را عنوان نمودند:
- توجه به نکات برجسته تحقیقات قبلی و توجه به مقوله فرهنگ را از نقاط قوت رساله دانستند.
- باید بحث شود که آیا برای تأسیس تمدن اسلامی، نظام مردم‌سالاری دینی الزام‌آور است؟
- اصطلاح «تمدن مسلمانان» با تمدن اسلامی در تضاد است و نباید از هر دو استفاده شود.
دکتر پور حسن به نکات زیر اشاره نمودند:
- به نظریه امامت و تمدن‌سازی شیعه باید توجه شود.
- اگر روش کار علی است، باید به صورت دقیق‌تری توضیح داده شود.
- از متفکرانی همانند عابدالجابری نیز باید استفاده می‌شد.
پس از اساتید داور، اساتید مشاور به بحث و بررسی نکات طرح شده پرداختند.
دکتر عبدالعلی رضایی به اهمیت مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناسی اشاره کرده و یکی از دشواری‌های کار را اختلاف در این مطالعات در کشور ذکر کردند.
دکتر بابایی تأکید کردند که توجه این رساله به موضوع فطرت بسیار خوب است قسمتی از ایرادات کار به فقر مطالعات تمدنی برمی‌گردد.
در نهایت دکتر موسی نجفی به ارائه توضیحاتی پرداختند. ایشان توجه به واقعیت‌های تاریخی، خصوصاً انقلاب اسلامی را از الزامات این پژوهش ذکر کردند و اینکه تتبع دانشجو با تمام گستردگی و آشفتگی که در این حوزه وجود دارد، خیلی خوب بوده و این گونه پژوهش‌ها در رشته علوم سیاسی بسیار نادر است، با اینکه ضرورت زیادی دارد.
در پایان نیز دانشجو به سختی‌های کار و اینکه حوزه پژوهش بسیار گسترده بوده اشاره کرد و توضیحاتی در رابطه با اشکالات ساختاری و روشی ارائه نمود.
در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۸/۵ و درجه بسیار خوب به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته علوم سیاسی تشخیص دادند.



 وزارت آموزش و پرورش
 جمهوری اسلامی ایران

Amesbury

Pharmaceuticals

Handwritten: *Handwritten:*

www.ihcs.ac.ir